سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات

نام کتاب: جهان نما
مؤلف: غلوغوت روائیل
موضوع: جغرافیا زبان: فارسی
سال چاپ .... محل چاپ ....
شماره عمومی: ۲۳۹۵۳۷ کتابخانه / بخش ....
وقفی / خریداری تاریخ: آبان ۸۰
طول: ۱۷ عرض: ۱۰٫۳ شماره صفحه ها: ۲۸۷
ملاحظات
شماره ثبت ۳٤٥٦

کتابخانه خصوصی - حسین عمادزاده

اسم .... مؤلف .... ۳ ریال
موضوع .... تاریخ تألیف ....
زبان .... نمره ....
تاریخ خرید .... قیمت ۱۰۲۶

۱۴۵

دفتر روزنامه - مجله کتابخانه
خرد

باقی عدد صفحه	باقی سطر	باقی کم و زیاد نقطه	باقی صحیح آن	باقی عدد صفحه	سطر	قبل و بعد حروف ساقط	حروف ساقط	صفحه	سطر	کلمات غلط	صحیح آن
٢٣٢	١١	بجیر	بجبر	٢٣٥	٤	خو ٢ بعد	آورد	٢٠٦	٣	ارزیز	ارزیز
٢٤٣	١٠	فرنکیز	فرنگیز		٥	ل ٢ از	رو	٢٣٨	١٣	جهدوفی	جهد کافی
٢٦٨	١٣	هت	هشت	٢٥٧	١	انشب	در			تمت	
		سالشت	پالیت	٢٧٣	١	این ٢ لباس	شهر				
٢٧٨	٢	سفعد	سفید			تمت					
٢٨٦	١	ماترلا	مازلا								
٢٨٧	٣	نوارشات	نوارشت								
		تمت									

عدد صفحه	سطر	کم و زیاد نقطه حروف	صحیح آن	عدد صفحه	سطر	قبل و بعد حروف ساقط	حروف ساقطه	رقم عدد صفحه	سطر	کلمات غلط	صحیح آن
٣	١	کر	کز	٦	٩	علی ٢ ای	الا أم	٣٠	٣	عرض جنوبی	عرض شمالی
١٨	٧	چاپون	چاپلون		١٠	ان ٢ ای	این		٧	نه بند ان	در اینها نه
٢٢	٦	کسب	کتب	١٠	٨	نکه ٢ از	خطر	٥٢	١	ببسیلان	بسیلان
٢٥	١٣	بغیر	تغییر	١٩	٢	ن ٢ و	سفیه	٤٦	١٣	چهر ونه شیر	چهل و شش
٢٦	٨	بعصی	بعض	٣٥	٩	ل ٢ تر بقصی	از جبال	٥٥	١	الا رکان	الارکان
٢٧	١	زبان	زبان	٤٣	٩	این ٢ بلطع	عصر		٦	وبکار	بکار
٢٨	١١	انهار	انهار	٤٥	١٣	انهر ٢ دولا	ان	٦٢	٣	شط	لشط
٣١	٧	جمعیت	جمعیت	٤٦	١٠	نکه ٢ اهت	ذکر		٦	ره	که
٣٥	٦	قبب	قبپک	٥٥	١٠	سرد ٢ بلا	سیر	٦٣	٤	و جمیع	ا جمیع
٤٢	١٠	نمک	نمک	٦٩	١٣	شهری ٢ رود	آبادیت	١٠١	١٠	بحر ترکستان	بحر [illegible]
٤٦	٣	شکا ثره	شکا ثره	٧٢	٣	آن ٢ ان	ما	٩٥	١٢	حاق	الحاق
٥٥	٧	پردازند	پردازند	٧٨	١	بنا ٢ طرح	و	١٠٢	١٣	[illegible]	[illegible]
٥٧	١٣	سایبان	سایبان	٨٦	٦	ان ٢ آکنند	خطاب	١٠٧	٥	[illegible]	مدرس
٧٨	٦	ملبع	طبیع	٨٧	٥	در ٢ تعم	آن	١٢٥	١٠	میاشنند	میباشند
٨٧	١	حضرت	حضرت	٩٩	٨	حینی ٢ د	اند	١٢٦	٦	پند ٢	چند آیت
٩٧	٤	دجی	دجا					١٢٨	٦	و ت	و قدرت
١٤٤	٥	لاپان	لاپان	١٧٨	٤	حصه ٢ قبل	سال	١٤٣	١١	و نامع	و نافع
[illegible]	٩	رفت	رفت	١٨٦	٧	آتش ٢ کا	را	١٥٤	٧	بجر اجسر	بحر خزر
		الت	الت	١٩٢	٨	کرم ٢ لب	درین	١٨٣	٨	دخنجر	خنجر
				٢٠٩	١١	جاز ٢ ای	مردم	١٩١	٤	درساحت	درساحت
						[illegible]	[illegible]	١٩٣	١	الطارت	الطارت

جهان نما

۹۱۰

۱۶۲۲ج

قد طبع

فی عصر السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مؤید من الله الملک القهار السلطان ناصر الدین شاه قاجار ادام الله

ظله العالی

۲۳۹۵۳۷

کتابخانه آستان قدس مشهد
شماره ~~۲۱۰۵۲۷~~
تاریخ آبان ۸۰

معرفت عالم
نمره ٤
کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش بی آلایش نثار بارگاه شهنشاهیست که در کشور
هستی و دایرهٔ وجود سلطانیست مستقل و قدرت ارادتش را
ظهور جمهور مکونات عوالم شهود برهانیست مستدل نه
ناظران محفل نبوت را بی مشیت او حکمی ممضی و نه والیان
خطهٔ ولایت را بی ارادهٔ او امری مجری است باران
عطیتش در دامن چمن خس من گل بپروراند و نسیم عنایتش
بر ساحت دمن فرش زمردی بگستراند چه مقتدری
که از گل تیره لالهٔ صد رنگ برآرد و چه مصوری که
با قطرهٔ آب نی نقش دلفریب بتان شوخ و شنگ

[illegible]

وا نگارد بیت جز او که تواند و برتری که بر آب کرد
است صورتگری اما بعد چنین گوید عبد ذلیل المحتاج
الی رب العزیز فلوغشن رفایت متتبع دولت بهیهٔ انگلیز
که چون همواره از اول ایام صبی الی الان رشد مکنون
ضمیرم فهم لغات فصیحهٔ السنهٔ امم و درک معانی صحیحهٔ خطوط
اصحاب قلم بود مدتی بود توسن طلب را تیز دو بوم و پویان
و گوهر امل را تشنه و جویان همچنان و یک استعداد ادم
در جستجوش بود و صحبت ارباب هوش آویزهٔ گوش تا از
میان تعلیم صاحبان فرهنگ در بعض السنهٔ بلاد فرنگ
برحسب پایهٔ خود مایه یافتم پس بفرا یاد گرفتن زبانهای
... بان پارسیم که چنین سانت
... سحره

سیران غالب گشت و همای همتم بجانب ایران
در طیران آمد بعد از وصول بخطهٔ تبریز که بهشتی است نشاط
انگیز در دفتر تعلم فرو چیدم و بمنادمت عقلا و خردمندان
گزیدم تا بعون الله تعالی باندک وقتی از مصاحبت و مکالمت
معلمان متقلب بحصول مقصود در پیوستم و از همت فارسی
زبانان روشن جبین مهما امکن طرفی بر بستم بشارت این
عطیت کبری و شکرانهٔ این موهبت عظمی در دل داشتم
که اوقاتی مصروف دارم و کتابی درین لسان بقلم
آرم لیکن ابواب فتوحاتم مغلق و ظهور اندیشه‌ام
همچنان معوق میبود تا درین اوان سعادت اقتران
نظر بشرافت علم جغرافیا که تجاسر [illegible] تعریف
کیفیت بقاع [illegible]

و وجدان نسخهٔ ابن علم رفیع البنیان در ساحت ایران
صانها الله تعالی عن طوارق الحدثان بخاطر فاتر
رسید که با وجود قلت بضاعت و فقدان قدرت
و استطاعت با عدم فصاحت بیان و طلاقت لسان
نسخه درین فن شریف و علم لطیف از کتب مبسوطهٔ فرانسه
برسم تالیف علی سبیل الایجاز و الاختصار خالی از اطناب
رسم و انتخاب کرده در ورقی چند ثبت و مندرج
داشته آنرا تحفهٔ بارگاه دارای جهان پناه و آستان
گردون اشتباه کیوان پایگاه شاهنشاه جمجاه انجم سپاه
غوث زمان و کهف الامان قطب دایرهٔ امکان
مرکز دایرهٔ احسان عالم عادل سلطان جوان بخت باسط
باذل خاقان آسمان تخت دارای هوشنگ هنگ
اسکندر رایت جمشید فر فریدون فر دارا درایت

درة التاج عظمت و شهریاری و قرة العین سلطنت و
تاجداری سند آرای اورنگ کیان فخر سلاطین
باستان منبع عدل و امان وارث ملک سلیمان
خسرو دریا دل گردون احتشام داور خورشید چتر
بهرام انتقام شاه ملک دربان کیوان خیام ماه فلک
ایوان جوزا غلام حامی بلاد اسلام حافظ ملت احمدی
ناصر دین محمدی صاحب اورنگ و سریر خسروی نظیر
کیهان خدیو عالمگیر المؤید من الله الملک العلام ظل الله
فی الارض علی ابو النصر و الفتح و الظفر السلطان
ابن السلطان السلطان و الخاقان ابن الخاقان
الخاقان السلطان ناصر الدین شاه قاجار
لازالت مدظله العالی الی یوم القرار سعی بحمد الله
و المنة که نامه از تنگنای اندیشه و گمان بساحت

تحریر و بیان آمده کتابی شد دلارا و نسختی گردید جهان نما
امید از مکارم اخلاق بزرگان آنکه بضاعت
مزجات و ترهات خرافات این مستوق نامقدار
بنظر قبول دیده چشم از معایب فصاحت و عدم
فصاحت آن پوشیده دارند و نسختی و سستی سخن را
مایه رد و طرد نشمارند که با وجود متاع کاسد امید
مقدار و مزید اعتبار چشم دارم بیت زان
ملخی نزد سلیمان بردن عیب است و لیکن هنر است از موری
بالجمله ترتیب فهرست کتاب را بر مقدمه و پنج مطلب
و خاتمه مقرر داشتیم و بالله التوفیق و هو حسن الرفیق
مقدمه در بیان آنچه پیش از شروع در کتاب
دانستن آن لازم است و آن عبارت از چند
چیز است که در چند فصل بیان کرده شود فصل

اول در دانستن معنی کلمه جغرافیا بدانکه کلمه جغرافیا
مرکب است از دو لفظ یونانی و آن یا گرفی بوده
چه یا بزبان ایشان بمعنی زمین و گرفی تعریف است
بالجمله این جمله را از زبان یونانی بلسان فرس نقل کرده
بجای یا حطی زای فارسی نهاده ژگرافی گفتند
پس آنرا معرب کرده جغرافیا نامیده شد و آن
عبارتست از تعریف زمین و مدونات کره
ارض بوجه اتم چنانکه در فصول آتیه در ریاضات
جغرافیا بیان کرده خواهد شد فصل دوم
در شکل زمین است و آن در نزد جمهور بوجه چند
کرویست وجه اول استداره ظل ارض در
خسوف قمر است وجه دوم طلوع اجرام علوی
در اقطار شرقیه قبل از غربیه است وجه سوم از التقاء

و انخفاض سواحل مرتفع است که اهل دریا در قرب و بعد
مسافت معاینه می بینند وجه چهارم رجعت و توجه
اهل سیاحت بمقام مرحله است که بکرات در کره
زمین را شرقاً و غرباً سیاحت کرده اند و بسیر متوجه اند
وجه پنجم میل اجسام ثقیله از هر جهت بمرکز زمین است
و این وجه را ارسطو و اتباع وی از ادله قطعیه در استداره
زمین شمرده اند و کره در عرف اهل هیئات هر آن
جسم مدور را گویند که خطوط مخرجه از وسط بخارج
کره در هر جهت مساوی هم باشند و وسط این جسم را
مرکز و سطح خارجش را محیط گویند فصل
سوم در قطب و محور است اهل هیئات دو نقطه
در فلک فرض کنند چنانکه جمیع افلاک و اجرام
شب و روز بدور آنها حرکت نمایند و از این دو

نقطه آنکه در طرف برج جدی و قریب بذنب دب
اصغر است قطب شمال گویند و کاین در طرف
مقابل شمال را که در جهت سهیل واقع است قطب
جنوبی نامند و هر آن خط مستقیمه که از مرکز کره گذرد
و بدین دو نقطه منتهی شود محور کره خوانند فصل چهارم
در بیان افق است افق را دو قسم شمرند افق حسی و افق حقیقی
افق حسی عبارت از مسافت محسوسه است که از محل
اقامت ناظر با داره مرئی شود بعبارة اخری آنکه از
محل اقامت ناظر اخراج کنند چنانکه از سطح ارض
باستقامت کشیده بفلک منتهی شود پس محل تقاطع را
اداره کرده تا دایره حادث گردد و لامحاله این
دایره فلک را بدو نیمه کند نیمی مرئی و نیمی غیر مرئی پس
این دایره را دایره افق حسی خوانند و در این افق حقیقت

و ظهور کواکب را طلوع و غروب خوانند اما افق
حقیقی دایره عظیمه را گویند که اگر مرکز آن در محاذی
نقطه سمت الرأس فرض شود کره را بدو نصف متساوی
شرقی و غربی قسمت نماید فصل پنجم در بیان جهات
جهات بر دو قسمند جهات اصلیه و جهات فرعیه اما
جهات اصلیه چهارند اول جهت مشرق که مطلع اجرام
علویست دوم مغرب مقابل اولست سوم جهت
شمال که منتصف این دو جهت است در طرف جدی
و قطب شمال چهارم جنوب که مقابل شمال و طرف
سهیل است اما جهات فرعیه عبارت از هر آن نقطه
مفروضه الیست که در دایره افق مابین دو نقطه از جهات
اصلیه واقع شود و عمده آن نیز چهارند اول جهت
جنوبی شرقی دوم جهت جنوبی غربی سوم جهت شمال

شرقی چهارم شمال غربی و جهات مسطوره را در معرفت
ارباع منافع بسیار است که بواسطهٔ شرق و غرب و شمال
و جنوب و غیرها موضع و موقع هر ولایت را تعیین توان
کرد فصل ششم در بیان دایرهٔ افق و آن عبارت از
دایرهٔ عظیمه ایست که از قطب بقطب کرهٔ ارض فرض نمایند
و از این تعریف مبرهن است که دوایر آفاقیه لا یعد و لا
یحصی حاصل شود لیکن اهل هیئات از برای سهولت حساب
در عمل و فهم آن سیصد و شصت دایره را از دوایر افاق معتبر
شمارند و بکار برند هر آن دایرهٔ افق که از سمت راس ناظر
گذرد دایرهٔ نصف النهار گویند و هر مسافتی در مابین
دو دایره واقع شود درجه طول خوانند مدارج مزبور در خط
استوی اوسع و رو بقطبین بتدریج اضیقند بنابراین
اوقات و خسوف و کسوف و طلوع و غروب اماکن مختلفه

از خط استوی رو بقطبین مختلف خواهد شد فصل هفتم
گفته شد که ارض کروی است پس شکل عالم کروی است و کره
آن جسم مدوّر را گویند که هر جزئی از سطح خارج او
بوسط آن بعد مساوی داشته باشد سطح خارج او را
محیط کره و وسط را مرکز کره گویند و هر دایرهٔ عظیمه
سطح خارج را بسیصد و شصت درجه قسمت کنند و هر
درجه شصت میل جغرافی مسافت دارد و نصف قطر
کره را هفت هزار و نهصد و هشتاد میل شمارند فصل
هشتم در تقسیم دنیا و ارض روی دنیا عبارتست از آب
و خاک و حکمای فرنگستان تمام قدر کره ارض را
که از آب برون مانده بمناسبتی که منظور کرده اند پنج
قطعه تقسیم کرده اند چنانکه ربع مسکون شمالی را بنا
بر آنچه مشهور است در ایران بهفت اقلیم شمارند

یکی دیگر از مذاهب مشهوره مذهب عیسویست
که منقسم به سه ملت بزرگ است که هر یک منشعب بچند
فرقه اند اول مذهب قتالیک رومانست که بزرگ
و معلم ملت ایشان را پاپا نامند دوم مذهب یونان
که آن را عیسوی یونانی خوانند سوم مذهب پروتستان
که معنی لغوی آن در اصطلاح اصرار و ابرام گویند و همهٔ این
سه مذهب در قطعهٔ اوروپا و فرنگستان هستند و
یکی دیگر از مذاهب معتبره مذهب برهماست
که هند و هندوئی نیز گویند و این هم بر سه قسمت
اول مذهب شاماء که معلم و بزرگ ایشان را دالای لاما
گویند و معتقد ائمهٔ این ملت آنست که دالای لاما نمیرد
در حیات جاودانی و لباس زندگانی خواهد زیست
و هرگز نخواهد مرد الا آنکه بموجب اقتضای حکمت از میان

بنابراین هر قطعه را اقلیم نیز توان گفت و آن پنج قطعه است
اول قطعهٔ آسیا دوم قطعهٔ اوروپا سوم قطعهٔ امریکا
که امریقا و امیرکان و ینگه دنیا نیز گویند چهارم قطعهٔ
افریقا پنجم قطعهٔ اوسیانیا که اوقیانیا نامند در کتب فرانسه
و سایر فرنگستان و نقش خریطهای عالم که نقشه نیز
گویند قطعهٔ اوروپا را بحسب وضع در ذکر مقدم داشته
و ما جهة تقدیم ذکر ایران که تعظیما للاسلام مراعات
منظور کرده ایم مؤخر ایراد کردیم و قطعهٔ آسیا را
که ممالک ایران در آن واقع است مقدم ذکر نمودیم
فی الجمله چهار از این قطعات را در صفحهٔ دایرهٔ شمالی کرهٔ
ارض که ربع مسکون شمالی عبارت از اوست بحسب
وضع یافته اند و یکی که قطعهٔ امریکاست در صفحهٔ جنوبی
و مقداری از قطعهٔ آسیا از خط دایرهٔ استوا گذشته و بدایره

نگه وری

~~۳۲۰۵۲۷م~~
۲۳۹۵۳۷
۳۴۵۳

۱۸ قوم غایب و بلباس دیگر جلوه کرد و ظاهر گردد این
مذهب در تبت و سیبیر و ولایت مغل مستعمل و
متداولست دوم فرقهٔ بوداح که بوداح نام کسی است
که بنای اینمذهب منسوب باوست و اکثر چینیان که در
کیش فواهند از اقسام این ملت است و اینمذهب در سمت
شرقی چین متداولست سوم مذهب سنتون که در
چاپون متداولست و همهٔ این مذاهب که بتعدد
خالق قایلند و سنت ایشان است زیاد بر تنالجی و کثرت
تزویج و یکی دیگر از مذاهب معتبره مذهب صابئی است
که ایشان ستاره پرست اند و کواکب را خالق و مربی
عالم دانند و یکی دیگر مذهب فطلیش است که ائمهٔ
این مذهب جماد بیجان را پرستش کنند بطال ترین مذاهب
که بتعدد خالق قایلند این طایفه اند که هر کس جماد

۶ ورق

۳۱ درجه و سی و دو دقیقه این شهر ارم بهر در قدیم دهی بقعه
است واقع در میدانی مسطح و وسیع خالی از اشجار
و انهار که در اطراف و جوانب او یافت میشد و گویند
قراء و دهات متعدده متکثره و شهر معمور این ناحیت
در آن اوقات ری بقعه که حرمش را رازی میگفته اند
بعد از خرابی ری و طی شدن ابنیهٔ ری انجا مرور
دهور روز بروز آباد و معمور و صاحب جمعیت و دولت
عمارات و قصور شد تا و قرار پای تخت سلاطین
ایران گردید آنا فانا کثرتش افزون و سوادش عظیمتر
می گردید حالا در فصل زمستان مخلوقش سوای
ما ملسه یکصد و پنجاه هزار نفر بیشتر و یکصد و سی هزار نفر
نیز گفته و دیده اند و در تابستان بعلت حرکت موکب
سلطانی از حرارت و گرمی هوا که اندک اشتدادی

بجانب ییلاقات و سردسیرات و نیز رفتن
ملتزمین رکاب نصرت انتساب بصحرای معسکر فیروز
اثر تعداد نفوس کمتر از آنست که ذکر رفت عمارات
و قصورش مستحکم و عالی و مقصوره و بیوتاتش مانند دیگر
بلاد ایران از خشت و گل قایم بالجمله شهریست با آیین
و قلعه و حصارش متحصن و متین بنایش محکم و قعر و
خندقش ژرف و قعیر گرداگرد شهرش حصاری
معمر کشیده و خندقی مقعر بریده اند و در میان این حصار
قلعه دیگر حصین و استوار محکم از بنای تخت با اهتمام
خلد آشیان جداگانه درست کرده و مرتب داشته اند و انجا را
ارک شاهی نامند و عمارات عالیه و دار القرار سلطان
آنجاست مشتملست بر بیوتات و قصور مقصوره ها و حصون
و باغچهای رنگین نزهت آئین مملو با نواع گلها و ریاحین

که بپا کرنا

که بپاکیزگی و زیبائی و نیکوئی و دلارائی گشته و ترتیب
داده اند من جمله عمارات عالی و بنای متعالی کوه جنت
او را صندوقخانه دولتی ساخته اند خزینه پادشاهی
آنجاست مبالغ خطیر و معدودی کثیر از زر و سیم مسکوک
باضافه جواهرات ثمینه مثل الماس و یاقوت و زمرد
و لعل و زبرجد و غیره در انجا ذخیره نهاده نگاه میدارند
الحق طهران تختگاهی ممتاز و دلگشا و دار الخلافه نیکو و فرح
بخشاست تعدد سریر و اورنگ گران سنگ در آن بنای مینو
رنگ مشهود و ملحوظ گردیده من جمله تخت طاوس که چنین
پر طاوس از رنگینی رونق شکن جمال نوعروسان این
حجله آبنوس است استادان صنعت نمای از ظهور
صنعی چنان اندیشه فرسا جای داعیه اعجاز و تنافس
انبازیست این تخت گرچه نخست را سلطان قهار

نادرشاه افشار در مغان مرتب داشته و آماده کرده
هنگام شورای کبری مغان در حوالی این شهر [illegible]
عمارات منیع و بناهای رفیع ساخته اند حشمتش رشک بهارستان
و مسمّی بنگارستان که پاره از آن ملکی و مسکن ولیعهد
داور بیهمال و در هر بهار جلوه گاه خسرو جم اقتدار ایران است
و در نواحی او کوههای مرتفع و باشکوه است در سمت [illegible]
کوه با شیب عمارات عالی و قصری بنیاد معمور و آباد و تخت
قاجار موسوم و مشتهر است در قرب و جوار این شهر
بهشت آثار دهی است معظم قریب بچهار صد خانوار
و در آن قریه بهجت مدار مشهد و مزاری نور بار واقع است
که فارسیان شاهزاده عبدالعظیمش خوانند و واجب
التعظیمش دانند از بناها مسجدی عالی دارد و در قدیم
آنجا را ری میگفته اند که در انجیل فرنگیان شرح آن مسطور است

و در حوالی آنجا بمسافت یومی بمسافت سی میل از طهران در
میان شمال و مشرق طهران کوهی بلند و مرتفع واقع است
که او را دماوند نامند ارتفاع جبل مزبور پنجهزار ذرع است
از هنگام طلیعهٔ نیّر اعظم الی قرب غروب شعلهٔ آتش
از او متصاعد و ملحوظ میگردد باصطلاح فرنگیان کوههای از
این قبیل را کوه آتشین و کوه آتش فشان خوانند گویند
در قلهٔ این کوه معدن کبریت احمر است که بعلت انبوهی
گوگرد محض تابش و وصف حرارت آفتاب جهانتاب مشتعل
و ملتهب میگردد در عداد جبال مرتفعهٔ اقلیم آسیا یکی است
شهر مشهور در این ولایت اصفهان بنای این شهر مینو
در کنار زنده رود در جنوب مشرق عراق واقع است طول
مدارج شرقی آن چهل و نه درجه و سی دقیقه و عرض مدارج
شمالیش سی و دو درجه و بیست و چهار دقیقه و سی و چهار ثانیه

است طول نهارش چهارده ساعت و هشت دقیقه
حکمای ایرانش از اقلیم سوم دانسته در عهد پیشین
پای تخت سلاطین و شهری معظم و رنگین بوده و در این
زمان از آن آب و تاب مستبعد و خراب تا به رفعت
و پایهٔ او رابیش از سو لو و سایه بر جانب در زمان
سلطنت شاه عباس صفوی خلق و تعداد نفوسش
مساوی هفتصد هزار بیشتر پس از آن عظمتش کم کم متلاشی
و جمعیتش ناقص گشته و حال دویست هزار نفر کمتر دارد لا اسلم
الآن اندک روی بعمارت و آبادی نهاده کار
و داد و ستد شهر نیک و اغلب جمعیتش هنرمند
و پیشه ور و اصحاب صنعت و هنرند در نسج کرباس ملیله
و قماش ابریشم و مخمل و ماهوت و ساختن تفنگ
و طپانچه و غیرها و ترتیب شیشه‌های الوان با رنگ و پنجره

که معمو

که معمول ایرانست بکار برند و عملجات زری جهارقد
دارند عمارات عالیه و قصور متعالیه آنش و زینت شهرش
از ابنیهٔ شنیعه آنش ظاهر و باهر است منها عمارت ارم موزون
چهل ستون را اسمانش پایه کرباس و از بناهای شاه عباس
صفویست و دیگر عمارت آئینه خانه و تالار طویله و عمارات
نقاشی‌های دیوانخانه و عمارت سلطنت الآن مسکن و موقف سفرا
و ایلچیان دول خارجه است منها عمارت نو است تمامت شهر را
قمر تو و در سی و سه سال قبل بنا نهاده شده است در
جمیع این عمارات مسطوره باغهای وسیع و زینت کمال در کجا بیند
واقع است از معابد و مساجد معتبره و مدارس مشهوره مسجد
شاه که بنا یافته مادرة المدار خاقان سلطان مادار قشقاش
قاجار و مسجد شاه عباس را از جمیع مساجد اقلیم آسیا نیکوتر
و پاکیزه‌تر شمرده اند و مدرسهٔ مشهور بمدرسهٔ اتابکیه

که در وسعت و رفعت امتیاز تمام دارد از آثار میدان
شاهی که طرف قبله او مسجد شاه عباسی است و در بیست و
صد ذرع وسعت اوست از مساجد یکصد و شصت و از
کاروانسراها هشتاد و بعضی هشتصد نقشه و از حمام دویست و شصت
بشمار آمده و بازار شاه عباس و سید طول داله و
خیابان که سیصد و پنج قدم طول و بیست و ده قدم عرض
اوست اراضی بلوکات حومه و حوش اصفهان مزارع زراعت
و دهاقین و در مزرعیت بهترین مزارع اراضی ایران است
کاشان شهری خوب و بنائی مرغوب در طرف شمال
اصفهان واقع از بناهای هارون الرشید است مخلوقش
سی هزار نفر کارخانه مس سازی در ان متعدد و بسیار
و خوبان کاشش مشهور امصار طول شرقی چهل و هفت درجه
و بیست و پنج دقیقه عرض شمالی سی و سه درجه و بیست دقیقه

دران

درین شهر عمارتی و مدرسه خوش طرح و متعالی از بناهای
خاقان جنت قرار فتحعلی شاه قاجار واقع و پایدار است
کارخانه شعربافی در آنجا شایع و استنساج کرباس نیز
متداول و مستعمل آنجاست طول نهارش چهارده ساعت
و سی و شش دقیقه است قم شهری کوچک است
طول شرقی آن چهل و پنج درجه و پنجاه دقیقه عرض شمالی
سی و چهار درجه و پانزده دقیقه طول نهار چهارده ساعت
و بیست دقیقه بنا بر رای منجمین ایران این شهر و کاشان
از اقلیم چهارم اند مخلوقش را بیست و پنج هزار نوشته اند
درین جزء زمان مخروب و از عمارات کلیه متعری و مسلوب
از آثار درو قبه یکباب مسجد خرابه بحساب آمده است
با وجود خرابی مزار و مطاف جمهور اقطاع و اکناف
چه درین خاک پاک مقابر و مضاجع ابدان مطهره و اجسام مقدسه

بسیار است که برگزیده از همه تربت فاطمه بنت موسی علیه السلام
است بالجمله زیارتگاه قاطبه شیعه اثنی عشری است اهل
از همه بلاد ایران جمعیتی شایان بادارک و سامان
بزیارت آنمزار کثیر الانوار آیند و بصیقل حسن ارادت
و صدق نیت زنگ عصیان از آئینه خاطر زدایند مقارن
چهل و هفت سال قبل ازین شاهنشاه مبرور و خاقان مغفور
فتحعلیشاه طاب ثراه بنابر نذری که پیش از سلطنت کرده بود
قبه نور بار آن تربت فیض آثار را زراندود و کامل عیار
کرده و در ایام سلطنت خود هر ساله در تعمیر آن میکوشیده اند

همدان شهریست بزرگ و سوادی عظیم از امصار
سلف و ابنیه قدیم طول شرقی چهل درجه و هیجده دقیقه
عرض شمالی سی و پنج درجه و دوازده دقیقه اطول ایام
نهار چهارده ساعت و بیست و چهار دقیقه آب و هوایش

[illegible]

سالم و بیغش و اندکی بسردی مایل است اراضیش فی الجمله مزروع
و مثمر و خلقش قریب بچهل و پنج هزار نفر و پنجاه هزار نیز نوشته
اند محروسه عمارت کیان مشهور با کتبان در حوالی همدان است
در تواریخ بنائی سنگین و رنگین تر از این ایوان ننوشته
از قرار تحریر مورخین اخشاب عمارات شهر مزبور از عود و صندل
و جمیع زینت در و دیوار صفایح طلا و نقره مکلل بلؤلؤ
اسکندر بعد از استیلای بر عجم آنجا را خراب کرد مقبره بوعلی
سینا در این شهر است بعضی حکما گویند همدان بنا نهاده
شده است بطالع ثور و مربیش مشتری است و از اقلیم
چهارمش شمارند فی الجمله اندک جای تجارت و داد و ستد
و موقف اصحاب صناعت و ارباب مکاسب است در
نزدیکی این شهر در سمت [illegible] کوهی رفیع و بلند است که اورا
الوند نامند منبع چشمه سار و عیون متعدده کثیره و نبت

گل و لاله و ریحان متنوعه است کوهی باین منافع و
خضرت و نضرت و خوبی هوا و گوارش آب در تمام
قطعهٔ آسیا نیست قراء و قصبات واقعه در قرب و جوار
این کوی آسمان شکوه بخوبی هوا و طراوت محوطه و فضا
مخصوص و ممتازند بخصوص در سمت جنوبی او میوها
و فواکه سردسیریش نیکو و ممتاز بعمل آید چنانکه بحسب طعم
و عطر اختصاص کلی دارد در میان شهر همدان و اطراف
آن نهری چند که منبع اغلب آنها کوه الوند است جاری است
و هنگام تابستان و نقصان آب ریزهٔ زر و سیم و جواهرات
ثمینه پیدا میشود چنانچه بعضی ملک خود را منحصر بهمین کرده در میان
نهرها بجستن طلا و نقره و غیره تمام روز را اشتغال دارند
کارخانهٔ کرباس بافی از پنبه و گلیم و قالی بافی دارد
مقبرهٔ بابا طاهر عریان در این شهر است قزوین

شهری با آئین است طول شرقیش چهل و هشت درجه و سی
دقیقه و عرض شمالی سی و شش درجه و یازده دقیقه اطول
روزها چهارده ساعت و هشت دقیقه از اقلیم چهارمش
دانند بمسافت بیست فرسخ در شمال و مغرب طهران
واقع باغات پسته و انگور زیاد دارد و تجارتخانهٔ خوب
سوادش بزرگتر از طهران و خلقش تقریبا شصت
هزار نفر هوایش خوب و عهد الوارث و وقتی پایتخت
شاه عباس صفوی ثالث بعضه سلطانیه در قدیم
العهد شهر و در این کلیه خراب و از عمارات شهر است
طول شرقیش چهل و دو درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی سی
و چهار درجه و پنج دقیقه اطول نهار چهارده ساعت و سی
و هشت دقیقه بالجمله جمعیتی ندارد و در آنجا گنبدی معظم
و رفیع بنا گشته است عمارات خوب و با طرح و اسلوب

بعضی و حالا منکسر و مخروبست جز علامت و آثاری از آن
بهره‌ای نیست از بناهای سلطان محمد خدابنده اولجا
یتو خان در ایام آبادی این شهر پای تخت سلاطین بود از
چنگیز بعد بعضی عمارات عالی مشهور بسلطان آباد جهت نشیمن شاهان
در وقت ورود و توقف سلطانیه باشاره داور فرش منقش
قیمتی شاه طاب مثواه ساخته و همچنان معمور است زنجان
در ده فرسخی سلطانیه واقع شده آبش و هوایش اندک
خوب و شهری با اسلوب در میان تبریز و طهران افتاده
معتبر است و پنجهزار جمعیت دارد بیان دوم
در ذکر ایالت و ولایت طبرستان که ولایت دوم
ایران است ولایتیست کوچک در جنوب مازندران
واقع است من حیث المجموع سنگلاخ و کوهستانست
و از برای هوای زاید الوصف کم مند است دار الاماره

و دار الملک دماوند در قدیم شهری بهشت مانند
بعضی هوایش معتدل است شهر معظم این ولایت بعضی در
قرب کوه دماوند که ذکر شد واقعست حالا اغلب
ویران و از مدائن بی نام و نشان است شهر مشهور
دامغان سابقا شهری قوی بنیان بعضی طول شرقی
پنجاه و هشت درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی سی و شش
درجه و پنج دقیقه است این شهر نیز در این عصر خراب است

بیان سوم در ذکر ولایت و ایالت مازندران
در طرف جنوب دریای خزر واقعست و در مغرب گیلان
سطح مربعش پانصد و پنجاه فرسخ است و از طرف
جنوب منتهی بکوه البرز است رود فراوانش بدریا جاریست
و هوای گرم و تر دارد نیشکر و مرکبات و ابریشم
نیکو دهد اهل ولایت بتجارت و منفعت میل دارند

اکثر معادن در آن بنیکو بکار آید و لشکرگاه بدی
ندارد ساحت این ولایت مشتمل است بر تلال و جبال
وافره و بیشه و جنگلهای بیشمار فضایش سبز و خرم
و هوایش رطوبی و پر نم در پاره‌ای از کوه و جنگلهایش ببر
و در تمامی بلادش خوک و شغال و غیرها بسیار در بعضی از
جبال مرتفعه و هولناکش احجار و مغاکی چند ظاهر است
که از سنگ خاره بریده اند گویند در قدیم جایگاه
دیوان بوده و در ایام سلطنت کاوس رستم زال
سپهسالار ایران در آنجا رفته دیو را طعمهٔ شمشیر و ماربد
مسخر کرد چنانکه هفت خوان مازندران در السنهٔ اهالی
ایران سایر و دایر است شهر مشهور در این ولایت
بارفروش در کنار بحر خزر واقع است طولش شرقی
چهل و شش درجه عرض شمالیش سی و شش درجه و است

پنج دقیقه موسی فرزر که به سیاحت آن ولایت
ره نورد و محقق حقایق دقایق میشود مذکور داشت
که بزرگی و عظمت این شهر میتوانشان مقابل و همتای شکوه
اصفهان است معدن ارباب حرفت و صناعت
و محل دلکو و مسند و مکمن اصحاب کسب و تجارات
بازاری واسع دارد استرآباد طولش شرقی پنجاه
و یک درجه و سی و پنج دقیقه و عرض شمالیش سی و شش
درجه و چهل و چهار دقیقه بنایش در کنار بحر خزر
واقع است و لنگرگاهی خوب است سیح و شهری
و تجارتش قلیل و متوفر و در نمو و نفع مشهور در ایام
سلف موطن و موقف ایل جلیل قاجار و وقتی دارالملک
روسای آن سلسله بوده است تجار بعضه ارضیش مزارع
و مشمر و خلقش چهل و پنج هزار نفر است ساری

در دوازده فرسخی استراباد واقع طول شرقیش پنجاه درجه
و سی و هشت دقیقه و عرض شمالیش سی و پنج درجه و سی
و شش دقیقه اطول نهارش چهارده ساعت و هیجده دقیقه
شهریست در این ایالت معتبر مخلوقش قریب سی هزار السنه
نفر در ایام سلطنت خاقان جنت جایگاه فتحعلیشاه نواب محمد قلی
میرزا که پسر سوم آن داور ملک پرور و بایالت این ولایت
سرافراز و مفتخر بود اینجا را دار الاماره خود کرده بودند
فرح آباد شهری خوب و بنائی مرغوب است در حوالی
بحر خزر واقع است صاحبان جغرافیا آنجا را دار الاماره
این ولایت نوشته اند در حوالی او قصبه ایست موسوم
باشرف از آثار و علاماتش دریافت میشود در سنوات ماضیه
عمارات وسیع و قصری منیع در آنجا واقع بوده گویند
شاه عباس ماضی بتوهم آنکه آنجا را شهر و پای تخت خود

نماید و کارخانه کشتی سازی در آنجا ترتیب دهد بنای
آن عمارت را نهاده است بیان چهارم در
ذکر ولایت گیلان این ولایت سیصد و چهل فرسخ
سطح مربع دارد هوایش در بعضی امزجه ناسازگار و رطوبتش
تر از مازندران و لهجه مردمش پر رنگ تر از لون اهالی
سایر بلاد ایران و شدت باران در آنجا اطول از دیگر
حدود و سامان محصول ابریشم در بخش نیکوتر و بیشتر
از سایر محصولات اوست شهر مشهورش رشت شهری
است در یک فرسخی دریا واقع طول شرقیش چهل
و شش درجه و بیست و پنج دقیقه و عرض شمالیش سی و هشت
درجه و چهل و پنج دقیقه در این ایالت شهری بهتر از
السنه این کمتر مخلوقش را شصت هزار نفر نوشته اند
سقوف عمارات و اسواقش بالتمامه از نی و سفال

و آب و هوایش گرم و تر و بی‌اعتدال زراعت
شلتوک و کرم ابریشمش قابل و بهمین جهت عمل عمده‌اش
ابریشم لکی مخصوص تعمیم الحاجات عامه خواص و عوام
را کسی بهتر و معمول‌تر از این نیست و غالب مداخل ایشان
از ابریشم و کرم است بالجمله درین شهر اندک تجارت کعبه
میمو و مسکن و موقف تجار هر بلد و دیار است کارخانه
ابریشم بافی چند دائر و دوی الاتصال مشتغل در کارند
و بدکار نمیکنند انزلی در نواحی رشت بمسافت
دوازده فرسنگ در کنار دریای خزر واقعست و شهری
باشکوه و منافع است روزبار و از ادیلم و
دیلمان نیز گویند بعضی عموم آنجا بپیچید و محمدیست
فومن و لاهیجان نیز از شهور گیلانست آبیان
پنجم در ذکر ممالک آذربایجان ولایتی معمور

و وسیع و سپاه خیز نصف کمتر مملکت ایرانست
ساحتش موقع تلال و جبال و در بعضی اماکن سطح
و هموار انهار جاریه‌اش متعدد و دریای کوچکی در
قرب ارومی واقع دارد هزار و پانصد و چهل فرسنگ
سطح مربع دارد و از طرف شمال محدود بملک روس
و از طرف مغرب بخاک عثمانی و از جنوب بعراق
۴ کرور و از شمال شرق بگیلان جمعیتش چهار کرور از
معادن آنچه بکار آید دارد هوایش معتدل و فرح انگیز
و اهالیش سوای و معرکه الخیر فواکه سردسیری دارد و
بعضی میوه‌هایش مخصوص و ممتاز زراعت و فلاحت بارآور
ارحی لشر بسر حد کمال و زرع شلتوک در بعض بلوکش
متداول و معمول هوای برخی اماکن و بلوکاتش
تربیت غنم و سایر حیوانات را نافع درین مملکت

در کوهی بلند موسوم بسبلان و سهند واقع است شهر
مشهور تبریز دار الملک و دار الاماره این ایالت است
شش فرسخ و نیم دور سور شهر است در کنار رود
مهران رود واقع است و بیست و پنج هزار مخلوقش را [illegible]
دیده اند و دویست هزار نیز گفته اند هشتاد فرسخ در
شمال و مغرب طهران واقع است طول مدارج شرقیه چهل و دو
درجه و بیست و شش دقیقه عرض مدارج شمالی سی و هفت
درجه و پنجاه و شش دقیقه است سوادش عظیم و بنایش
اندک قدیم شهری معظم است و در میان شهر حصاری
محکم و قلعهٔ مستحکم کشیده و گرداگرد دیوارش خندقی
ژرف و عمیق بریده اند جمعیت و خانوار خارج
حصارش بیشتر از داخل آب و هوایش نیکو و
بهمه جهت سالم و بهتر از طهران اراضیش مثمر [illegible]

سابق بعد لو خلقش فایق و قصورش زاید و معمور
تر از این بوده چنانکه عدد نفوسش ششصد هزار میرسید
زلزلهٔ عظیمی در آنجا واقع و جمیع بیوتات و عمارتش را
خراب و ویران کرد اکثر زندگانش را قرین مرگ و در
زیر تراب متواری و پنهان ساخت و بعد بمرور دهور
از حدود و ثغور نزدیک و دور خلقی مجموع و محشور
و عمارات و قصورش را مجدداً آباد و معمور نمودند
گرفتند تا باز پایهٔ عمارتش بدین مرتبه رسید پاره
علامت و آثار از ابنیهٔ عالیهٔ قدیمه اش باقی و مستقر
که ارباب نظر را حاکی حال ماضی و شاهد مسطورات
اصحاب تواریخ و سیر است بالجمله شهری رنگین و مملو
دلنشین مشتمل بر بازارهای زینت آیین و کاروانسراهای
محکم و متین است منبع مکاسب و تجارت و موقف

ارباب هنر و صناعت دارد داد و ستدش خوب و بخوبیها موصوف
سابقاً میدانی بزرگ و محوطه سترگ داشته که با میدان
اصفهان لاف همسری و دعوی برابری میکرده درین حین جز
خرابیست در یکی از اطراف این شهر بمسافتی چاهیست موسوم
باسکندریه در آنجا چاهی است که وحوش و طیور را بسبب
تصاعد عفونت هوای وی از تقرب آن تحاشی و تنفر
است گویند چون مرغ زنده را در آنچاه آویخته و نگونسار
سازند بفاصله دقیقه چند اجزای وجودش فاسد و نابود
برآید از بناهای قدیمه و آثار ماضیه اش بنای رفیع است
و قصری منیع در سمت جنوبی حصار این شهر واقعست که او را
ارک علیشاهی نامند فی الحقیقه در علو و استحکام از نوادر
بناهای ایرانست با اینکه درین عصر عمارت آن قصر بویرانی
حصر است باز هم با آن رفعت در تمامی آذربایجان بنای

مُشید الارکان در حصانت و رزانت یافت
نمیشود نواب نایب السلطنه والخلافه شاهزاده عباس
میرزا در میان آن عمارت جباخانه اسلحه سازی و توپ
ریزی و باروت کوبی بقانون انگلیز و فرنگ ترتیب
داده و اول استادان ماهر از فرنگ آورده در آنجا
بکار واداشته بود بعد اهالی ایران استاد شده
و کماکان در کار و بنیکوئی عمل پردازند کارخانه
شعرباقی و ابریشم متعدد دارد و خوب کار میکنند
اوجان چمن خوشی و معلف و محالی دلکش و با سامان
است هوایش سرد و آبش خنک سرد بلاد ایرانست
عمارت خوش طرح دولتی از ابنیه خاقان جنت قرار
فتحعلیشاه قاجار طاب الله ثراه در آنجا پدیدار است
اردبیل شهری قدیم و صاحب قلعه حصین و متین است

طول مدارج شرقی چهل و چهار درجه و هشت دقیقه
و عرض مدارج شمالی سی و هشت درجه و سی دقیقه است
اطول اوقات نهارش چهارده ساعت و نوزده
دقیقه گویند از اقلیم چهارم است بمتانت حصار
صاحب اشتهار و برزانت مکان ذی اعتبار است
در این شهر است مقبرهٔ شیخ صفی که از مشاهیر مشایخ
صوفیه و مؤسس اساس سلطنت سلاطین صفویه
است و نیز مزار شاه اسمعیل صفوی که در قرب خانقا
هش کتابخانهٔ متعلقه باو واقع که مشحون بانواع
کتب مرغوبه خزانه لاسیّما بهترین کتابهای آن را روسیه
هنگام استیلای ایشان بر آذربایجان برده اند
خوی شهری است و حاکم نشین است طول شرقی
هفتاد و نه درجه و چهل دقیقه و عرض شمالی سی و

درجه و چهل دقیقه اطول نهارش چهارده ساعت
و سی و شش دقیقه گویند از اقلیم چهارم است آبش اندک
سالم و هوائی اندک ملایم دارد بازارش خوب و معتبر
و مخلوقش بیست و پنج هزار نفر است صنعت صفاری [illegible]
در آنجا متداول و بعض ظروف سینه را بد نمیسازند
و جورابهای پشمی را نیز نیکو میبافند اراضیش مزارع
و فواکه و زراعاتش وافر و شایع است گرد حصارش
خندق عمیق بریده و پیرامن اصل شهرش حصار و قلعهٔ
محکم و وثیق کشیده اند لاکن امروز خراب است بعلت
زلزله که چند سال سابق بر این اتفاق افتاده
در ایران این شهر را باسلوب هندسه درست کرده
بعد سلماس نائی خمس است و در شمال دریای ارومی
واقع است آنجا را از آثار قدیمهٔ ساسانیان باقی اند

در حوالی آنجا معدن گوگرد و زرنیخ یافت میشود
مخلوقش قریب بیست و پنجهزار نفر ملاحظه کرده اند
ارومی شهریست قدیم المبنی در ذیل جوار سرحد ممالک
عثمانی سوادش اندک معظم و مخلوقش کم هوایش سالم
و دهاتش و مرتعاتش با نزهت و عماراتش بعضی فواکه
و انگور در آنجا مزید و موفور و خاکش مولد عیش و سرور
آبش اندک شوره خالی از ملاحت نیست در حوالی او واقع است
دریای ارومی و دریای آذربایجان که سابقاً اشتهار یافته
و او را دریای شاهی نیز گویند و در جزیره واقعه در میان
این بحر پاره حیوانات مثل اسب و گاو و گوسفند و کبک
و سایر شکارهای وحشی و کوهی برده اند و رها
کرده اند و حالا بسبب زیادتی و ولد و تعدد نسل در آنجا بسیار
و ازدحام وحشی اند و امروز اینجا شکارگاهی قابل

که شکارش خالی از خوبی نیست مراغه از شهور
قدیمه و ابنیه ماضیه است طولش شرقی چهل و ه درجه
و عرض شمالی سی و هفت درجه و بیست دقیقه اطول
ایام نهارش چهارده ساعت و سی و پنج دقیقه است
از جمله شهرهای قدیم آذربایجانست سوادش وسیع عظیم و بزرگ
رصدخانه ابونصر فارابی خواجه نصیر که باسم هلاکوخان
بسته و زیج است در اینجاست بالجمله مکانی فرح بخش و
نشاط خیز و سابقاً از تبریز بهتر آب و هوایش سالم
و خوش و باغاتش خرم و دلکش است مخلوقش
پانصد هزار نفر و بیوتاتش بی طرح و نامعتبر است از بالا
در آنجا زیر زمین و نقب که شیب زمین گویند
که همه آنها را سنگ در کمال استحکام ساخته اند
ساوجبلاغ موقف حکام و موطن خیل اکراد

مگر ازآنکه حاصلخیز آذربایجانست در شمال ولایت
خوزستان و سرحد طرف مغرب با دولت عثمانی
واقعست این ایالت با پورکی الوند احاطه مملوکست
و بهمین جهت بس حاصلخیزست کوهستانش از شعبه‌های
الوندست که ییلاقات خسروشاپور آنجاست

بیان ششم در ذکر ولایت کوهستان ایرانی

اکثر اهالی آنجا الن کوهی نشیند اول آب و هوای
معتدل دارد کوهستانش بسیار و آبش وافرست
شهر مشهورش کرمانشاهان در سه منزلی الوند
واقع ولایتی حاصلخیز شهری ازدحام بنیان و سوادش
معظم و وسیع الارکان طولش چهل و هشت درجه
وعرضش سی و چهار درجه و سی دقیقه در کنار رود
قره سو افتاده است قلعه و حصارش از خشت پخته

یعنی آجر در کمال رزانت و استحکام است قلعه دیگر در
میان آن حصارست و ارک قایم و پایدار ارک مسکن والی و پیشکار
آنجاست سوادش محل تجارت و داد و ستد و
مخلوقش قریب بچهل هزار نفر میشود در بعضی از سالها
بعلت طغیان آب پاره از محلات و عمارات آنجا خراب
و ویران میشود کنگاور که قصبهٔ کوچک و از مضافات
تویسرکان است نیز داخل کردستانست در آنجا جز
تربت و باین قابل خبری نیست سنندج جای خوش
آب و هوا و خرم و دارالحکومه و جای نشستن والی
کردستان است خلقش پنجه هزار نفرست

بیان هفتم در ذکر ولایت ولایت خوزستان

این ولایت در مغرب فارس و سواحل بحر عمان
واقعست در طرف شمال کوهستان خالی از آب

وعلف است وارتفاع جبالش از پنجهزار قدم کمتر
از رودخانهای مشهور او شط العرب ملحق میشود یک قره
رودیگری کارون است هوای بسیار گرم ناساز کار و اعظم
زراعتش بجز برنج و نیشکر کم میشود مراتع در دست
اعراب است شهور مشهورش این است شوشتر شهریست
معتبر که در کنار رود بختیاری واقع شده طول مدار از خ
چهل و دو درجه و سی دقیقه عرض شمالی آن سی و یک
درجه و سی دقیقه اطول نهارش چهارده ساعت و شش
دقیقه گویند از اقلیم سوم است دیبای شوشتری منسوب
بآنجاست عبای قابل با قند و قلم بسیار در آنجا بعمل
آید مردمش با ذوق و طرب و اندک تجارت و داد و ستد
در آنجا کم میشود خلقش سی و پنجهزار نفر تخمین شده معادل
از آثار قدیمه پادشاهان ایران در اینولا شهر بسیار است

اهواز

که خراب شدهٔ اسکندر رومی است در کنار رود
کارون واقع است و نهر شاپور در این شهر است و قبر
حضرت دانیال پیغمبر در اینجاست دزفول شهری
قابل و مدینهٔ مقبول است شهر قدیم شوش و جمیع خزاین
معادل پادشاهان ایران اینجا بود در حوالی این شهر است جمعیتش
یازده هزار دیده شده تجارت و داد و ستدش نیکو
مردمش صناعت پیشه و هنرور و در بالای رود آنجا پلی
محکم و معظم واقع است خرم آباد بنای معمور و آباد
از جملهٔ معتبرهٔ مشهور معمور در صحرای لرستان و موطن دو طایفه
خیل اکراد است نهاوند شهری زیبا و دلپسند
در دوازده فرسخی بروجرد واقع است طول شرقی چهل و هشت
درجه و پنج دقیقه و عرض شمالی سی و چهار درجه و بیست دقیقه
است قلعهاش در بالای تل واقع است و سواد شهر

در اطراف آن باغات خوب دارد و میوه‌های بسیار
کوه گاو ماهی که خالی از عظمت و بلندی نیست در آنجاست
حویزه که بزرگ حویزه را مسکن و منزل است در آنجا
این شهر آثار و علامات آبادی بسیار ظاهر است گویا در قدیم شهر
بزرگ بوده است کتاب بنای نیکو بنیان و مولد
و موطن شیخ منکبان است بیان هشتم در ذکر
ولایت و ایالت فارس اقلیمی خوش و نیکو سار است
وسیع‌ترین ولایات ایران و در مغرب و شمال اینها
و شهرت کرمان واقعست در ما بین دشت کویر و دریای
فارس سطح مربعش دوازده هزار و سیصد فرسخ است
ولایت را دو قسم کرده اند جهت شمالش سردسیر
سرحدی و جهت جنوب را از شیراز گرمسیر گویند از
رودهای او رود الله دوام دارد دریا باشد ندارد که همه

در زراعت بکار میرود از رودهای مشهور یکی بند امیر است
که داخل دریاچه بختگان است و در کنار رود مزبور که قریب
بدوازده فرسخی شیراز باشد جلگه مرودشت است که
تخت جمشید در آنجاست بالجمله زراعتش زیاد و محصولش
غالب حاصل رو به نقص و حاصلش منبت گلهای
گوناگون از معظم ولایات ایرانست شهر مشهور شیراز
شهریست مینو بهر و فرح‌افزا از آب و هوایش معتدل
و مایل بگرمی طول مدارج شرقی پنجاه و هشت درجه
و عرض مدارج شمالی بیست و هشت درجه و سی و شش دقیقه
اراضیش مثمر ثمر منبت اشجار و مغرس نهال فواکه
گرمسیری و سرکباتش وافر و مستمر فصل بهارش اصلا
از ریاض جنان و ساحت و لوی و گلزارش منبع گل
و ریحان آب رکن آبادش نمونه سلسبیل و فضای مالش

هوای بهشت رنگش گویند خاک پاکش طرب خیز دانند
زداو نسایم روایحش جان پرور و دلگشا بیت
شیراز و آب رکنی و آن باد خوش نسیم عیبش مکن که خال
رخ هفت کشور است مردمانش عیاش و صاحب ذوق
ارباب فراست و اندیشه و اصحاب صناعت و هنرپیشه اند
قاطبه خلقش راغب بخواندن علوم و آموختن فنون
و لهذا آنجا دار العلم خوانند در حوالی شهر دو مقبره
و جنازه گاه موسوم بسعدیه و حافظیه واقع است
و نیز در وسط این شهر است مقبره شاه چراغ که احترامش
عند العوام شایع است درین شهر فسیح الارجا
رودی جاری است که آنرا رکناباد نامند منبعش از
میان دره کوهی است که تنگ الله اکبر گویند در آنجا
عمارات عالی و بناهای محکم و متعالی ساخته اند که دار الاماره

والی و حاکم آنجاست مساجد قدیم و تازه‌اش ماورای
قیاس و اندازه و مشهور و معظم از همه مسجد اتابک است
و مسجد وکیل حمام متعدد دارد و بازاری نیکو خصوصاً
بازار وکیل که از آثار کریم خان زند است جای دلگشا و مشید
و محل تجارت است در حوالی این شهر است دهی موسوم
بچهل منار که در آنجا بقیه عمارت سلاطین کیان است که اسکندر
رومی بعد از استیلای بر فارس آنرا سوخته و خراب کرد
و این سبب حدوث زلزله در بیست سال قبل اکثر
امکنه بیوتش خراب گشته مخلوق شیراز چند هزار
نفر دیده شده اصطخر در قدیم شهری بزرگ
و از آثار و بناهای جمشید بقیه طول شرقی سی و هشت درجه
و سی دقیقه و عرض شمالی سی درجه است گویند جمشید
بعد از اتمام این شهر و عمارات که در آنجا ساخته بود

برو رخت سیار اختر شناسان چون آفتاب عالمتاب
بمحاذی نقطهٔ اعتدال ربیعی رسید در اصطخر مزبور متهیج
و مسرور بر تکیه‌های سلطنت و سریر سرور بر تکیه که قبه بساط
نشاط و انبساط را بسط داده بعیش و عشرت اعتصام
جست آن روز را نوروز سلطانی نام نهاد و از آن روز الی
حال مصطلح عامهٔ ایرانیانست که در آن روز جشن کنند
و آن را اول سال تاریخ خود شمارند بالجمله در این عصر بنای
این شهر از عمارتهای بهشت مرغاب که بنا
و فرا نیز گویند کازرون از شهور مشهور ولایت
فارس است هوایش بگرمی مایل از قسم گرمسیرات
در نواحی قرب و جوارش تنباکوی اعلا که متداول
ایرانست بعمل آید مرغاب و اردجان تفت بنائی
هر هفت کعبه است فروشند و سندهای قالی در آنجا

ترتیب دهند جهرم هم این نیز از جملهٔ شهور مشهور
این ولایت است خلقش قریب پنجاه هزار نفر گویند
بمسافت شش هفت فرسخ در مشرق اصفهان واقعست
مقارن پنجهزار از خلقش گبر مذهب یزد شهری مشهور
و نیکو آب و هوایش بخوبی و اعتدال نکوست
طولش مدارج شرقی چهل و نه درجه عرض مدارج شمالی
سی و هفت درجه اطول نهار چهارده ساعت و
و شش دقیقه گویند از اقلیم سوم است تجارت
و معاملاتش بدینست کارخانهٔ شعربافی و کرباس
و مخمل و اورمک در آنجا شایع و متداول است
مخلوقش سی و سی هزار نفر است یزدخواست
قصبه ایست دارابگرد قصبه خوبیست در آنجا
معدن و چشمه نفت فیروزآباد شهر

روغن گل را در آنجا ترتیب دهند بنکوئی لار از
جمله شهور و امصار صاحب اشتهار در لارستان نیست
که بعضی او را ولایت جداگانه شمرده اند بالجمله این
شهر در وسط نخلستان واقعست خلقش را ده هزار
نفر حساب کرده اند بندر بوشهر و ابوشهر
نیز گویند آب و هوایش گرم و نامعتبر مخلوقش
قریب بیست هزار نفر است و از این جمعیت اکثر
و بیشترش تجار ارامنه و متمول است انگریزها
در قدیم کارخانه ساخته بودند انجا است لنگرگاه
دولت ایران بیان ششم در ذکر ولایتی که
عبارت از جزایر چند است که در بحر است و بوشهر
بنام ان منسوب است و درین بحر واقعست اسامی
شهور مشهوران جزایر اینست جزیرهٔ خارک

دار الاماره درین جزیره شهر کراک است که دُرّ
و لآلی بسیار از بحر برآورده بآن تجارت کنند
غالب معاملات و داد و ستد آنها به در میشود
جزیرهٔ کیش که اورا جزیرهٔ دراز و جزیرهٔ طویل
نیز گویند جزیرهٔ هرمز را جزیرهٔ ارمز نیز
گویند بیان دهم در ذکر ولایت کرمان این
ولایت در جنوب و مشرق ایران و در مابین
کوهستان و دریای فارس واقع است طرف شمالش
کوهستان یکپاره و بی آب و علف و جنوبش متصل
به بحر و بلوچستان است و غیر از نمک خرما حاصل ندارد
و در هر جا ریگ زار است در سر کوههایش برف
اندک دوام دارد و هوایش گرم است بالجمله ولایتی
وسیع بعضی اماکنه اش زراعت خیز است پاره

محصولاتش خوب زیره و رنگ و حنای بسیار
در آنجا بعمل آید شهر مشهور کرمان شهری خوش
نشان و دار الملک و دار الاماره آنسان است
طول شرقیه چهل و نه درجه و عرض شمالی سی و هفت درجه
اطول ایام چهارده ساعت و سی و شش دقیقه نود فرسخ
در جنوب و مشرق اصفهان واقعست و از آن سیرجان
نیز گویند در آنجا شالهای نیک بافند و اسلحه حربیه
و فروش نمد و گلیم را نیکو ترتیب دهند مخلوقش
بیست هزار نفر نقل آمده است میناب نام بلبکرد
کرک ارضیش مثمر و محل زراعت و فلاحت است
خبیص حنای خوب در آنجا بعمل آرند که بهمه ولایات
ایران و غیره برده استعمال کنند طول شرقیه چهل
و هشت درجه و عرض شمالیش چهل و هشت درجه چار

دزدان و جای قطاع الطریق است میناب شهریست
بندر عباسی در زمان دولت و سلطنت شاه
عباس صفوی این شهر انبار امتعه تجارت بندر بوشهر
بوده است بیان یازدهم در ذکر ولایت قهستان
این ولایت در جنب ولایت کرمان واقعست بعضی محصولات
در پاره ولاکنه اش نیکوست شهر مشهور درین ولایت
رباط شهرستان است و شهرستان نیز گویند
طبس طول مدارج شرقیه چهل و دو درجه و عرض
مدارج شمالی چهل و هفت درجه قلعه خوب و متین
و حصاری محکم و حصین دارد که برفعت و متانت
و استحکام و رزانت منسوب و موصوف و نیکی
آب و هوا معروف و معروفست بیان دوازدهم
در ذکر ولایت و ایالت خراسان که در سمت شرقی

ممالک ایران واقع است مردمش سلحشور و
سپاهی و برشادت و دلاوری قرین سپاهی
ولایتی با وسعت و ملکی صاحب منفعت است شهر
مشهور مشهد مقدس که طوس و مشهد رضا ع
نیز گویند طول مدارج شرقیش چهل و نه درجه و عرض
مدارج شمالی سی و هفت درجه اطول نهارش چهارده
ساعت و سی و هشت دقیقه و سی و دو ثانیه گویند از
اقلیم چهارم است تمام خراسان را نیز اقلیم چهارم
شمرده اند بالجمله سوادی عظیم و شهری قدیم از ابنیهٔ طوس
ابن نوذر شهریار است بطالع میزان جای تجارت
و محل داد و ستد است مقابل تجارت اصفهان
موقف و جای اصحاب صناعت و مشهد و مقبرهٔ
علی ابن موسی الرضا علیه و علی آبائه الالاف التحیة و الثناء

و زیارتگاه اهل تشیع است که هر ساله از همه دیار
ایران جمعی کثیر و گروهی شایان در آنجا بزیارت روند
و دارائی فطری خود را بظهور تفدیهٔ مال و جان بادیه
پیمای سعادت جاودانی شوند عموم ایران آنحضرت را
واجب التعظیم و محترم دارند و زیارت مرقد مطهرش
را معظم عبادات قلبیه و قالبیه شمارند در حرم محترمش
امتعه و اقمشه و فلزات و جواهرات و اسباب بلا
نهایات نقداً و جنساً بسیار است بهترین قصور و عمارات
ارم آیات و بقاع و امکنهٔ فیض مساکن این مشهد در مضجع
نور بار و طاق رواق این تربت فیض آثار است
نیشابور مدینهٔ ارم دستور و شهری معروف
و مشهور طول مدارج شرقی چهل و نه درجه و سی دقیقه
و عرض مدارج شمالی سی و شش درجه و بیست دقیقه

اطول نهارش چهارده ساعت و سی و نه دقیقه
بنا نهاده شده است بطالع سرطان انحراف قبله از اینشهر
از جهت جنوب الی طرف المشرق چهل و هشت درجه گرفته
و مرّبّع او مشتری در زمان ماضی و سنوات بقعه پایتخت و دار الامان
سلاطین سلاجقه بوده است در جبال این شهر هست مثل معدن
فیروزه خوب منقش و زلال بر بادی واقعست خبوشان
از جمله امصار و قصبات نشان و مداین عالی بنیان است
سبزوار شهری خوب و بلده مرغوب است طول
شرقی چهل و یک درجه و سی دقیقه و عرض شمالی ان
سی و پنج درجه اطول ایام چهارده ساعت و بیست و سه دقیقه
بنا شده است بطالع ثور آب و هوا خوش دارد
گویند که از ده هزار رقبات زر و لقبله در آن جاری
است مقبره شیخ عطار در آنجاست بیان شهر دهم

امان

در بیان ولایت هراة بلاد هرات در سمت شرقی
خراسان واقع است شهر مشهور هراة طول شرقی
چهل و چهار درجه و بیست دقیقه و عرض شمالی سی
و پنج درجه و ده دقیقه است اطول ساعات نهارش
چهارده ساعت و هیجده دقیقه گویند از اقلیم
چهارم است اراضی حول و حوش هراة مزارع و مثمر
و بنای عمارتش از سنگ و آجر و در رفعت همسر از طارم
اخضر است شهری بزرگ و سوادی قدیم بنا شده است بطالع
حمل مرّبّع این شهر مشتری است حصاری محکم و قلعه مستحکم
مشتمل بر حفری قعیر و خندقی عمیق که گرداگرد شهر کشیده
و در میان آن حصار استوار قلعه زرین و پایدار جدا
گانه و علیحده وضع و ترتیب داده اند عمارت و اهل
هرات و دار القرارش در آن حصار واقعست

بنائی زیبا و عمارتی دلکشاست در خوبی و نیکوئی بنا
طرح شهره دهر است و در متانت ضرب المثل السنه
افواه عموم قریه و شهر دیگر زرافشر در هر دیار اشتهار
تمام دارد قصور و عماراتش بسیار و زراعات
اطراف و بلوکاتش بیرون از حد شمار درین شهر
منبع معدنی وسیع و مسجدی رفیع واقعست که بمسجد غیاث
الدین محمد سام اشتهار دارد کی از آثار ذی استحکام
آن و صدای الی رحمت رب الغفور است و دیگر مسجدی
فسیح الاجاری در او واقع که تربت و مقبره خواجه عبدالله
انصاری رحمه الله است و دیگر از عمارات عالیه مدرسه
عالیست که در عهد پیشین شاه سلطان حسین بایقرا که
از سلاطین باستان و رؤس راستان بوده آنرا بنا
نهاده است کارخانه صنایع متعدده در آنجا منتدا فذ

و شایع است روغن گل و شمشیر را درین شهر ممتاز
سازند و نیکو پردازند بامیان و شهر دیگر کروجه
آب گرم معدنی در آنجا یافت میشود و معدن آهن
و سرب خوب بسیار دارد اما بامیان شهری زیبا
و در کمال استحکام است درین شهر دو شکل بزرگ بصورت
آدمی از عملات تراشیده اند که پنداری مانی نقاش
بخامه معجز تراش رنگ پیرنگ آنرا نقشبندی کرده
و استادان آهن خایک از آن سنگ بظهور اعجاز
چنان ممتاز برآورده اند یک نقشه مردیست نجیب با
فرو دیگری تصویر زنی است که ظرافت شیرین اطوار در
کنار دارد اوبا بنائی است دلربا که در آنجا معدن
آب گرمی است که از آن گرمابه و حمام ترتیب داده اند
که آب خزانه اش از آن چشمه روان و لی آتش همیشه گرم

است **فصل دوم** از مطلب **اول** در بیان
ولایت بلوچستان که ولایت ثانویست که در وسط
قطعهٔ آسیا واقع است و ضبط حدود آن ولایت
بلوچستان ملاحق است بسمت شمالی او بولایت کابل
و طرف شرقی او بدیار هند و جانب غربی ببلاد
ایران و جهت جنوبی آن محاط بحر هندی در اینولایت
بسیار است معدن مس و آهن اکثر مردم ولایات
بلوچ در این عصر در بدر و پراکنده و ره نورد بیابان
بطالت و سرگردانی اند انتظام و انضباط و دوام و ثبات
در کار ایشان نیست مذهبشان سنی و بزرگ و امیر آنها
خان گفته اند که تمکن و توطن او در شهر کلات است
مخلوقش بهر جهت چهار کرور آب و هوای بعضی ۴ کرور
امکنه اش خوب و پاره بد است همه ولایت بلوچستان از

شش

شش قسمت کرده اند که شهر مشهور هر شش قسمت کلات
که ذکر شد قلعه متحصن دارد و **کاندوا** است که چهار
قابل مزار دکه بیان کرده شود **فصل سوم** در ذکر
ولایت افغانستان آب و هوای بعضی امکنه اش
معتدل و پاره فاسد و گرم چنانکه در برخی از کوهها
و ساحت آنها هوا بشدة گرم که در سالی دو بار کشت
و زرع کنند و نیکوئی بعمل آید حیوانات وحشی
و سباع درنده مثل شیر و ببر و پلنگ و غیره در آن
حدود بسیار و نامعدود است اکثر مردم افغان مثل
بلوچ آواره و تار و مار در هر دیار اند بزرگ و امیر آن
گروه را شاه گویند و مذهب ایشان مذهب اسلام است
۱۲ کرور **مخلوقش** دوازده کرور بقلم آمده و ولایتش بسه
بخش منقسم است **اول** اصل افغانستان پای تخت

ودار الملک این قسم کابل است طول شرقی او چهل
وچهار درجه وعرض شمالی سی وچهار درجه اطول نهار
چهارده ساعت وبیست ویکدقیقه گویند از اقلیم چهارم است
شهری رکین ومعتبر است مخلوقش قریب شصت هزار
دیده شده تجارت وخرید وفروش این شهر
منحصر باسب ودابه است بخش دوم ولایت قندهار
است که از بلاد نامدار است دار الاماره قندهار
شهری متین وحصنی حصین بوده واقع در تنگ جائی که از سه
طرف دیوار او کوه است واز سمتی که دیوار کشیده اند
تا بمسافتی جنگل هنگام محاصرهٔ نادرشاه در حوالی آن
شهری قریب بدوازده هزار خانوار بنا نهاد بعد از
دو سال محاصره قندهار قدیم را فتح وخراب کرد
والآن قندهار نادری آباد است طول مدار شرقی

چهل وهفت درجه وچهار دقیقه وعرض شمالی سی وهشت
درجه ونه دقیقه اطول ایام نهار چهارده ساعت وشش
دقیقه وده ثانیه است بالجمله شهری متین وحصنی حصین است
مخلوقش را سی وبلکه صد هزار نفر یافته اند معبر ایران
وهندوستان است بخش سوم ولایت سیستان است
اکثر این ولایت بیابان وصحرا است شهر مشهورش سیستان
و آنجا است مولد وموطن رستم زال وآنرا زابل نیز
گویند این سه ولایت که ذکر شد در این فصل
در سابق ضمیمه ایران بوده است فصل سوم از مطلب
اول در ذکر ممالک ترکستان که از ولایات آسیا است
که در وسط اقلیم آسیا واقع است وبیان حدود آن
ممالک ترکستان را توران نیز گویند متصل است
سمت شمالی آن بولایت سیبر وقطعهٔ اوروپا و

شرقی آن بولایت مغول و طرف غربی بحر خزر و جانب
جنوبی بممالک ایران ساحت ممالک ترکستان
هم هموار است و هم جبلستان در صفحهٔ بعضی بلادش
کوههای بلند و جبال عظیمه مرتفعه واقعست که همیشه
اوقات علی الدوام ایام سال را برف دارد و هیچگه
خالی نیست و بعضی اراضی آنسامان تپه و بیابان و صحرای
بی پایان است که اصلا نشان ابادی و آب و درخت
در وی نیست و طی مسافت آن بوادی مشکل و محال
بلکه موهم گم شدن و احتمال ضلالت ولهذا اکثر را
از آن اطلاعی نیست الّا آنکه شعوری وارد است مشعر برین
سرزمین دان بیابان بود در او گم شده لشکر سلم
طور درالکنه معموره اش که محل وجدان سکنه
و آبادیست انهار جاریه و رودهای عظیم واقعست

که در کنار و اطراف آنها گیاه و علوفهٔ حیوانات نیز
و اراز نشو اغبر حرکت و نمو می کند چنانکه سوار در میان
آن علف مختفی و مستور گردد و در این مملکت از معادن
معدن طلا و نقره و یاقوت و زمرد و فیروزه یافت میشود
و طوایفی که در بلاد ترکستان سکنی دارند اسامی ایشان برین
قرار است اول طایفهٔ قرقیز که گروهی جلادت شعارند
و خونریز و ایشان را غزاق نیز گویند و مسکن این طایفه
در سمت شمالی ترکستان است و از ماکولات و مشروبات
ایشان شیر مادیانست دوم طایفهٔ است مشهور بقبایل
ترکمان که در طرف غربی ترکستان و در کنار بحر خزر
سکنی دارند سوم طایفهٔ اوزبکیه و بخارائی که در جانب
جنوب ترکستان متوقف و ساکن اند و آنها را قالموق نیز
گویند و با جماعت قرقیز و ترکمان عداوت جبلی

وخصومت کلّی دارند طایفهٔ اوزبکیّه اکثر در شهرها
مأوا دارند وارباب حرف و صناعت ترکستان ابنائند
ومردم بخارا در تمام قطعهٔ آسیا آمد و شد و تجارت
دارند و مابقی صحرانشین و احشام سیاه چادرند که توقّف
آنها در یکجا ناممکن بلکه در جمیع بولوی و امکنه روند و هر چندی
در جائی بسر برند امیر ترکستان را خان گویند چه خان بلغت
ایشان لقب پادشاه است مخلوق آنجا هشت کرورست ۸ کرور
و همه بمذهب اسلام شهر مشهور در ترکستان بخارا شهر
دلارا و بولوی اعظم بنای قدیم و حصاری محکم از بلاد مشهور
و معتبرست طول مدارج شرقی چهل و شش درجه و سی دقیقه
و عرض شمالی سی و نه درجه و شش دقیقه اطول نهارش
چهارده ساعت و پنجاه دقیقه گویند از اقلیم پنجم است
خلقش یکصد هزار نفرست هوایش نیک و آبش ۱ الف

بیدی نیکو یک معدن حضرت و نضرت و محلّ تجارت
عمارات عالیه اش بسیار و صاحبان علوم و فنونش بیشمار
قریب سیصد و هشت مسجد قوی بنیاد الجمال علو و انضباط دارد
بانضمام هشتاد معلّم خانهٔ بزرگ که اطفال عامه و اجداد خاصه
این شهر ارم نظیر تعلیم و تعلّم پذیرند در آنجا غالب علوم و فنون
متداولست بلخ از جملهٔ امصار بزرگ ترکستان طولش شرقی
چهل و یک درجه و عرض شمالی سی و شش درجه و چهل و یک دقیقه
اطول ایّام چهارده ساعت و سی و یک دقیقه و شش ثانیه این شهر
پای تخت ترکستانست خیوه بولوی عظیم و بنای قدیم
رونق بازارش بتجارت و بیع و شری بقیّهٔ ترقّیست و غلام
سمرقند شهری فرح بخش و دلپسندست طول شرقی چهل و نه
درجه و سی و شش دقیقه و عرض شمالی سی و پنج درجه و چهل دقیقه
اطول نهارش چهارده ساعت و چهل و هشت دقیقه و شانزده ثانیه

آب و هوایش باعتدال چنان از مداین قریبه دراست
و منسوب بخوبان بهشتی جمال و ترکان خورشید شمایلست بقاع عمارات
و تجارتش بدرجهٔ اعلی و حال اندک فاسد و نار و کاغذی
در نهایت لطافت و امتیاز از ابریشم در آنجا سازند کاغذ
سمرقندی در همه جا شهرت دارد در سابق این شهر تختگاه امیر
تیمور گورکان بوده و حالا مرقد است در اینجا مکتب و معلمخانه
ساخته اند که با معلم خانهٔ قالموک دعوی برابری میکند غیر از
این معلمخانه بسیار دلکشا عمارات زینت یافته و قدیم در بیان
دول و ممالکی که در سمت شمالی اقلیم آسیا واقعست و در آن مقدمه
و دو فصل است مقدمه در ذکر حدود ولایت سیبر است
این ولایت متصل از سمت شمالی ببحر منجمد شمالی و از جانب شرقی
ببحر محیط غیر متلاطم و از طرف غربی بقطعهٔ اوروپا و از جهة جنوبی
بممالک چین و ولایت سیبر را روسیهٔ آسیایی نیز خوانند مخلوق

آن

آن کلیه هفت کرور و طوایفی که در آنجا سکنی دارند اینست
سامویید کالموک طنقوز قرغیز یقوت استیاک
اکثر این طوایف بت پرست بلکه هوا پرست شد الا در سمت جنوبی
آنکه اندکی مسلمان یافت میشود ولایات سیبر را دو قسم کرده‌اند
که در دو فصل ایراد اوش باید فصل اول در بیان
قسم اول سیبر که سیبر اصلی و سیبر قدیم نیز گویند و آن قریب
بسیصد سال است که پیدا شده و پیش از آن در نظر ائمه
تاریخ و سیر غیر مکشوف بوده بهترین معادن روسیه در این ولایت
است در آنجا پوست خز و سمور و سنجاب و غیره بسیار است
که بیشتر تجارتشان از آن جلوه است تخمیناً صد و بیست و هشت سال است که
این ولایت در تصرف روسیه در آمده است و ضمیمهٔ ممالک
ایشان شده آب و هوای آنجا شدت سرد و زمستانش طولانی
و بنهایت برودت و تابستانش بالعکس از این ضدیت ناملایم

و لم یزرع که از کثرت برودت در آنجا زراعت محصول نمیشود الّا
در بعضی امکنه سمت غربی آن که اندک زرع غیر از گندم بعمل آید
حیوانات وحشی و سباع در آنجا بوفور موجود و روباه سیاه
و خرس سفید یافت میشود معدن طلا و نقره و مس و آهن
و سنگهای ثمین در زمینش بسیار است شهر مشهور تبلسک
تجارت و منفعت عموم آنجا کلیةً از بیع جلود خز و سمور و غیرها است
ایرکوتسک شهری معظم و معتبر و محل تجارت و داد و ستد در میان
روسیه و چین بندر است کیاختا شهری مدینه در عظمت تقریبا
بنایی محکم اساس و کثرتش بقیاس سوقش بیشمار و جای تجار در
مقابل این شهر در چین شهری است موسوم بما چین که تجار آنها در آن است
و ارباب معاملات این هر دو ولایت در آنند و شهرستانها مشتغل
معامله و داد و ستد متاع طرفین اند تمسک شهری خوب و
مستحکم است فصل دوم در ذکر قسم دویم سیبر که سیبر جدید نیز گویند

وان

و آن عبارت است از ولایاتی که در میان بحر اسود و کنکاز
واقعند که شیروان و گرجستان و ارمنستان که اصلاً از
ایران و الآن ضمیمه ممالک روس است آب و هوای گرجستان
و شیروان و ارمنستان معتدل و اراضی آنها مزرع و مثمر فواکه
و میوه جاتی که متداول ولایات گرمسیری است در آنجاها
یافت میشود در کوهستانات آنها نیز میوه سردسیری بعمل آید
در ولایت گرجستان صاحبان حسن بسیار است چنانکه در هر جا
شهرت دارد و شهور مشهور سیبر جدید کتانی شهریست منافع خیز
تفلیس شهریست در اینولایت معظم و سرای بزرگ
که نشیمن و دار الاماره والی و سردار بزرگ روس است
باکویه شهریست در کنار بحر خزر واقع محل تجارت
و موقف تجار در این شهر اهالی بلاد روسیه با عجم از آن
تجارت و داد و ستد کنند در حوالی او معدن نفت و در

آنجا توده وخاک کبریت که چون بجوش آتش کیپوویت مشهور ایراوان
از بلاد معتبره این سامان صاحب حصار و قلعهٔ متحصن و متین
دارد دار الاماره و نکمن والی حیدر و ارمنستان است و سالی
قبل کارگذاران دولت روسیه آنرا از امنای دولت ایران
برسم معاهدت ضمیمهٔ ولایات خویش درخواست کنند و مقرون
باجابت افتاد در سمت جنوب ایروان کوهی است که آنرا البرز
از اراط و بفارسی جودی گویند معتقد عیسویان است که کشتی نوح بعد
از طغیان طوفان در بالای اینکوه فرود آمد باب سوم در بیان
ممالکی که در سمت شرقی قطعهٔ آسیا واقعست و در آن چند فقره

فصل اول در ذکر ولایت و دولت جاپون و آن

عبارتست از جزایر چند که از هر جهة محاط بحر محیط الکهٔ
غیر متلاطم است ولایات اند دولت را مقارن سیصد و هفت
سال شمسیست که حکمای دولت پرتقال پیدا کرده اند

وتا از زمان

و تا آن زمان نامعلوم بود آب و هوایش بارد و مخالف
در زمستان بغایت سرد و شدید البرودة و در فصل تابستان
گرم و شدید الحراره است وقوع زلزله در آن سامان شایان
چاهای خوب در آنجا فراوان معدن نقره و مس و لعل
احمر در آنجا انوجاد دارد کارخانهٔ شعربافی و قماشهٔ ابریشم
متداول و در کار ساختن میز و سریر و صندوق و غیره
از آلات و اسباب خشبیه ملون بلونهای روغنی در آنجا
بسیار ظروف چینی را بهتر از چینیان سازند و اسلحهٔ آهنی
نیکو پردازند مخلوقش بیناه کرور در این مملکت دو پادشاه است ـه کرور
یکی بنام داری و او را سلطان مذهب دانند و دیگری مشهور
بکوب و او را پادشاه ملک و دولت خوانند مشهور از آن
جزایر است جزیرهٔ کیوسیو جزیرهٔ نانقراک
شهر مشهورش نانقراک لنکرگاه شهر بزرگ و زیاد معمور

در کنار دریاست کشتی و سفاین دیگر بلاد اجنبیه را پیشتر از
این شهر مجال تطرّق و عبور نیست و غالب تجارت این
دولت با چینیان و فلمنکیانست جزیرهٔ سیکک جزیرهٔ
نیفان پای تختش یدو خلقش دو کرور و سیصد هزار نفر دو کرور و سیصد
پای تخت کوبُ پادشاه دولتی است گویند عمارت آن
پادشاه چندان بزرگ است در مثل عامه گفته اند شهری در
میان شهر دیگر بنا کرده اند میاکُ شهری معظم و معمور است
خلقش پانصد هزار نفر بیشتر و مسکن دائری است که سلطان آن ۵ الف
مذهبی است جزیرهٔ نیبُن شهر مشهورش ماتسمانی فصل دویم
در بیان ممالک چین و ایالت دولت و ضبط حدود آن به
ممالک چین متصل است جانب شمالی آن بولایت
سیبر که روسیهٔ آسیا نیز گویند و از سمت شرق بحر محیط و از
جهت غربی بلاد تاتارستان و کابلستان و از جانب

جنوبی به دیار هندوستان ساحت این مملکت اگرچه معتدل
الهوا و متحمل کشت و زراعت زرعش را نهایت نشو و نما
و بدرجهٔ اعلی بر دهد گویند پادشاه چین سالی یکبار جهة
ترغیب رعیت بفلاحت و دهاقین بصحرا رفته بنفسه
مباشر افشاندن تخم و راندن شیار میشود از آنجهت عامهٔ
خلق به کشت و زرع مایل و در ارتکاب این عمل راغب اند
محصولاتش وافر و بعضی مخصوص و منحصر بهمانجا چون چای
و درخت کافور و پنبهٔ زرد که بعد از انتساج ریسمان
کرباسش محتاج رنگ نیست و منها کرم ابریشم و ریوند
چینی و امتعه و اقمشهٔ ابریشمی و مشک خالص و موی بز تبت اعلی
که مخصوص آنجاست و در غیرش یافت نمیشود در اینولایت مرکب
ترکیب کنند که در جهان در خوبی طاق و بی نظیر آفاق است و ظروف
چینی است و در هیچ جای دیگر وجود ندارد بالجمله اکثر

رنگینی و زیبائی و نفع دار تفاعات و حسن خلق و آب و هوا
دیار چین را بهشت روی زمین خوانند و گویند مر حیثیة
المجموع از سایر ممالک واحد بعد واحد معظم و بزرگتر
است مخلوقش سیصد و چهل کرور و پادشاهش مستقل — لک کرور
و غالب و قاهر و بنفسه ناظم امور در این دولت رسم جمهور
مسلوب و مفقود و الی و امرای و پادشاهان این ولایت را البغه
مانند ترن خوانند عمده نقاشی بواسطه حسن مهارت
و استادی از همه مخصوص بچینیات مصطلح گردیده لکن بلاد آن
را خوبروی و کوچکی پای زنرا دلیل قوی بر صباحت و وجاهت
او دانند و لهذا در ایام طفولیت و صغارت سن هر دو
پای دختر را با پارچه محکم بندند تا هنگام وصول رشد
و بلوغ همچنان پایشان خرد و کوچک ماند از اینجهت طایفه
نسوان آنسامان را در طی مسافت راه چندان چلدی

و مسارعت نباشد و در اصطلاح ایشان است که بلندی و درازی
ناخنها را اکثر جهت دوری از کار و ریاست کنند چه گویند برای آنکه
اصابع ظهور و سالکین بسبب مباشرت با امور مزدوری و اشتغال
بعلت آچوری بعیه و منکسر خواهد شد و نیز تسمن و فربهی و حجم
را دلیل دوام تعیش و تیسر رفاه شمارند زیرا که از عزت
و استیصال پریشانی خیال و تغییر احوال وجد بکلیت لاغر و کلال
و ملال کاسته و مجوف المعده و حینها از ضعیف و نیک داری
همه چیز را نفیس قیمت و تحفه شمرده اند اول دولت چین
شهر مشهور پکین است پای تخت دولت و شهری با عظمت
است و خلقش دو کرور و سیصد هزار نفر است مرکز — ۲ کرور سه الف
دو طایفه و شهر منقسم بدو قسم در نیمه اتراک تاتاریه متمکن
گزین و در نیمه دیگر اصناف مردم صین تمکن و تسکن دارند نانگین
شهری است معظم و معتبر و خلقش پانصد هزار نفر صاحب آن — ۵ الف

علوم و فنونش بجد و با اطلاع طبایع عامه مخصوصش اعجب
بخواندن علوم و فنون و یاد گرفتن دانش و فرهنگ و لهذا
انجا را دار العلم خوانند در هشتصد و هشتاد و یک سال قبل
اینجا پای تخت دولت بود کانتان شهری محکم بنیان
و مدینه معتبر و معظم است خلقش پانصد هزار نفر است انتهی
که با فرنگیان داد و ستد کنند اصحاب معاملت و ارباب تجارت
فرنگ ایشان از این شهر در این ملک مجاز عبور و در این نیست
و جز این راهی دیگر ندارند شهرهای ذهاب و لایت تجارتشان
تا اینجاست اموی از جمله شهور مشهوره است نلینگت
مدینه مینو طراز و صاحب لشکرگاهی ممتاز است تجاره دولت انگلیز را
پیش از این شهر راه آمد و شد نیست کانکانک و آن جزیره
است متصرف فیه دولت انگلیز پادشاه چین مقارن هفت سال
قبل رسم متارکه و مسالمه آن را به دولت انگلیز واگذار کرد

در وقت حرکت نشانه توپ صخره کوب کعبه بود قسم
دویم از ممالک چین مشهور به ولایت مانشوت است که در
میان شمال و مشرق چین واقعست شهر مشهور چیچیشار آن
از امصار عظمت مدار اندیار است سوم ولایت مولانست
طانگری است که در میان شمال و مغرب چین واقعست
دار الاماره ییلی شهر مشهور یرکانت شهری متحصن و محکم است
قسم چهارم ولایت طوایف مغول است که در سمت شمال
چین واقعست و متقبل باج و خراج بدولت چین
و آنرا ولایت ترکستان نیز گویند قسم پنجم ولایاتی که در سمت
شرقی ممالک چین واقعند و آنها را دولت کره گویند
و ولایاتی که در مابین مغرب و جنوب آن مملکت واقع است
و آنرا ولایت تبت خوانند که پای تخت آن لاسا
است و ولایت دیگر بوتان نیز گویند دار الاماره

تابع سند است قسم ششم عبارت از جزایر چندیست که
مشهور از آنها اینست جزیره خینان پایتختش کونگشو
و جزیره فرموز دار الاماره تا ایوان جزایر لیوکیو جزیره
مکاو که در تصرف پادشاه پرتقال است باب چهارم
در بیان حالت ولایاتی که در سمت جنوب قطعه آسیا واقعست
و آن ممالک هندوستانست ممالک هندوستان
متصلست از طرف شمال بولایت چین و از سمت
میان مغرب و شمال بولایت کابلستان و بلوچستان
و از نقطه مغرب الی قرب نقطه مشرق محاط بحر هندی
این مملکت بر دو قسم است یکی هند جنوبی و دیگری هند
که در دو فصل بیان شرح میباید فصل اول در ذکر هند جنوبی
وجه تسمیه این قسم وقوع آن بحسب وضع در سمت جنوبی چین
از هندوستان آب و هوای آنجا گرم و حار چنانکه

در سالی دو بار در آنجا کشت و زرع کنند و بخوبی بعمل آید
ساحتش موقع تلال و جبال و نبت اشجار و انهار است
در جبال مرتفعه او درخت کات و عود و صندل نامعدود
و در اراضیش معدن نقره و آهن و سنگهای ثمینه موجود و منبع
ابریشم و پنبه و دارچینی و فلفل و معدن حیوانات عظیم الجثه
بیشمار فیل میباشد مردم آنجا فیل سفید را محترم داشته و بزرگ
و او را معظم شمارند زیرا که معتقد ایشانست هر چند پادشاه
ایشان بمیرد و از این قالب گذرد روح او بقالب فیل سفید رفته
باز در این عالم جلوه کند ولایت هند جنوبی را بپنج ایالت قسمت
کرده اند اول هند جنوبی انگلیزی که اول بلاد یکی از ممالک
هندوستان بتصرف ایشان در آمده این ولایت شهر مشهور
رانکبور ارکان ملکا قسم دوم ولایت
بیرمان شهر مشهور بانکاک خلقش نه هزار نفر و شهر

مالیه

مرغوب و معتبر است چهارم ایالات مستقله در ولایت
ملاکه است که در تصرف دولت پرتقال افتاده اولاً و
ثانیاً مسخر دولت فلمنک شده و بالاخره متصرف فیه دولت
انگلیس گردید شهور مشهور بر ایالت کلنک ترنکومر تنجب
ولایت انامره مشتمل بر چند ایالت است منها ایالت
وکشتین دار الاماره هوده و منها ایالت تنکین
دار الاماره کنشو و منها ایالت اسانامیت و ولایت
کامبوج دار الاماره سکنک فصل دویم در بیان احوال
ممالک هندوستان ساحت این ولایت مختلف است
پاره هموار و پهنا در و بعضی موقع تلال و جبال و کوه و کمر
آب و هوایش بغایت گرم و بی اعتدال و در سایر
رودهای متعدد جاری حدت حرارت در هوایش بشدت
در هوایش غالب ایام تابستانش شش ماه و فصل بهارش

سه ماه بیشتر اهالی آن مملکت بیش از این دو فصل سه
نشناخته اند نام زمستان نشنیده و رنگ برف ندیده
در پاره از امکنه او کوههای منیع و اقعست که از غایت بلندی
نموداری فصلی از فصول اربعه گشته اند چنانکه در طرف برآق
او هوای تابستان با هر دو در سمت سایه و لسار آنها هوای
زمستان ظاهر است در بلده کشمیر بهشت نظیر تمام سال نمونه
بهار و شکوه ریاحین و از نمارست از فیش ثمر و جاه
نواز برنج و شکر و نیل و افیون و ابریشم در آنجا ممتاز
در صنعت بافتن شال ترمه ماهر و صاحب اعجاز این
هنر خاصه مردم این شهر است و لاغیر اهالی دیگر امصار قریب
و جوار سواحل بحر هند در بسیار از دریا بر آرند و از قعر
رودها و انهار جاریه آنجا هنگام کمی و نقصان آب طلا
و نقره و بعض جواهرات یافت میشود جانورات و حیوانات

وحشی در اکثر بود تا معمور مذهب ایشان برهمنی و قاید بتناسخ
معتقد ایشان است که ارواح آدمیان پس از تخلیه قالب
بحسب مقتضای کردار آنان و مکافات اعمال ایشان در جسد جانوران
داخل و بلباس دیگر در عالم بروز و ظهور کنند چنانکه نیکو
کار بجلد اشرف حیوانات و بدکار بجسم ارزل آنها در آیند
و لهذا گوشت هیچ حیوان را نخورند که ارواح آبا و اجداد
ما با این لحوم توام است گاو در میان ایشان حیوانی مقدس
رودی در انجا هست که آنرا بلغة خود گانگ گویند معتقد ایشان
که چون در آن رود در آمده سر و تن را از کدرت و غبار شستشو
دهند و تنقیه بدن از فضلات خارجیه کنند از جرایم صغیره
و کبیره پاک و بکلی معصوم شوند فضل طاعات خود را
شمار نیع با نیو زهی عقل و فراست مخلوق ممالک
هندوستان دویست و شصت و هشت کرور است و بر چهار ۸ صد کرور

طایفه منقسم که هر یک بحسب اعتقاد و مذهب از سلک و نحله مخالف
دیگران هرگز باهم در یک مجلس نشسته چیز نخورند و پیوند مصاهرت هم
نکنند اول طایفه برهمنانند که جمیع علوم دینیه و
دنیویه ایشان در دست آنهاست ایشانند علماء قوم
دویم طایفه لشکریان و سپاهیانند و صاحبان سیف و سنان
سوم عامه رعایا و کافه برایا که ارباب فلاحت و دهاقین اند
چهارم اهل کسب خداوندان حرف و صنایع هستند
مصطلحه طایفه اول است زنان هنگام رحلت شوهر
در وقت سوزاندن اجساد ایشان چنانکه رسم هندوانست
خود را بر سر نعش شوهر انداخته بسوزند مذهب اغلب هنود
برهمنی و بت پرستی است و در میان ایشان اندک ملت
اسلام و پرتقال که قسمی از عیسوی است و جهودها نیز
تمام ممالک هندوستان عبارت از پنج ولایت و امارت است

اوّل ولایات و ایالاتی که متصرّف فیه دولت انگلیز
است و بولایت مغل قدیم مشهور است پای تخت کلکته
شهریست معظم و معتبر خلقش ششصد هزار نفر نیم و دار القرار
والی و فرمانفرمائیست که از جانب دولت انگلیز تعیین شده
و تمام گشته اصل شهر را دو قسمت کرده اند در قسمی اهالی او
قوم انگلیز می نشینند و در دیگر قسمت اهل هندیان ساکن
دارند اهل حرفت و صناعتش بسیار و در کار ماهر داکّا
پایتخت بنارس شهری معظم است خلقش سیصد هزار نفر
اینجا است مرکز دایرهٔ بت پرستی و هندوئی و منبع علم برهمنی
و رهبانی این شهر زیارتگاه عامّهٔ هندوان و کافّهٔ
برهمنان است سنّت و شریعت هندوانست وجوب
زیارت آنجا بر هر متنفّس پس لامحاله هر کس در تمام عمر خود
اقلاً بالکلام یکبار باید در آنجا بزیارت رود و این را شرف

دریابد و الّا از خطّ شریعت خارج و از دایرهٔ دینداری
برکنار خواهد بود قماشش ابریشمی و پارچهٔ حریری را در این شهر
بنیکوئی استنساج کنند تجارت الماس و سایر سنگهای
ثمینه در آنجا متداول و بار و جهت آگره از شهور مشهور است
مدراس شهری معظم و سواد بزرگ و عظیم و بنائی کهن
و قدیمیست خلقش چهارصد و شصت هزار کس دویست و نه
سال است که در تصرف دولت انگلیس است دهلی
از مداین عظیمه این ایالت و موطن و مولد امیر خسرو دهلوی است
قنات پایتخت سرمنکا کشتین شهری رنگین و سواد
نشین است پونا شهریست زیبا بمبئی شهریست معتبر
و بزرگ و بنائی عظیم و سترگ خلقش ششصد هزار
نفر از مداین ممتازه و مشتهره است کارخانه های ثمینه در آنجا
متداول و عمل طبع با نیکوئی دارند از جمله خلقش هزار

نفر هندوست که شب و روز در افروختن والتهاب
آتش متصل مسابقه و سرخوش اشتغال دارند اینجا بنت کی
در همسایگی این وقعت صراط شهری صاحب رزانت و انضباط
و متانت و ارتباط است خلقش نیک صید و شست و نیز از نفر السه
و لنگرگاهش نیکو و معتبر جای معاملت و تجارت و سایر حشم
قرین سرسبزی و خضارت در این شهر حد اجوی ارا اهل
هندوستان در خارج عمارات شهر محوطه و چاردیواری
جهة آسایش شبانه حیوانات بری از قبیل خارپشت و مار
و سنگ پشت و گرگ و ارنب و ثعلب و غیره مرضاة الله
ساخته و آن را شفاخانه حیوانات گویند احمد آباد
شهری نیکو بنیاد و از ابنیه احمدشاه هندی است اقسام هم
ولایات و ایالاتی است که با دولت انگلیس طریق معاهده
و مسالمه پیموده متقبل باج و خراج گشته اند و آن عبارت

از شش ایالت و امارت اول ولایت نپال
دار الاماره قاتمندو دویم ایالت ولایت عود
دار الاماره لکنو شهر مشهور عود سیوم ایالت ولایت
راجپوت شهر مشهور جیپور و دیپور چهارم ایالت
ولایت مرهات شهر مشهور بارود ناکپور کلکنده که اکثر
جواهرات مثل لعل و یاقوت و زمرد و غیره را در انجا بهم
می رسانند محل تجارت و جای تجار و اهل صنعت است
شهر دیگر اورنگ آباد پنجم ایالت و لایت مائیسور
دار الاماره مائیسور شهر مشهور بانگلر ششم ایالت
ولایت طرفانکر دار الاماره طرفاندرم قسم سیوم
ولایاتی در تصرف دیگر دول واقعه در اروپا غیر از انگلیز
منها ولایاتیکه در تصرف دولت فرانسه است شهر مشهور
شاندرناکر در این ولایت محل هندی خوب میبافند

و شکر و ریوند و بوره و شوره موفور یافت میشود کرباس
پنبه را نیکو بافند پنائی جز قابی نیلکو بافند شی
خلقش چهل هزار نفر و بنای ثالث فرنگیز بایست که در
هند برپا کرده اند قادیقال باهره و منها ولایات در تصرف
دولت پرتقال است ولایت کینیا از لنگرگاههای ممتاز
دو قرب سیصد و سی و نه سال است در تصرف ایشان است
منها ولایتی که در تصرف دولت دانیمارک است شهر
مشهور سیرامپور شهر دیگری تنکلباد از معارف ولایت
سالست که در حمایت و تصرف ایشان است قسم چهارم از
ولایات هندوستان ولایات و بلادیست که در دست
هندوان و دولت مستقله ایشان است و در حمایت دیگران
نیست و آن چند ولایت و امارتست اول امارت ولایت
ولایت سکهه که لاهور نیز گویند پای تخت لاهور

شهر

شهری بخوبی معتبر از بناهای عظمت اثر است خلقش
هشتاد هزار نفر است کشمیر شهری بهشت نظیر و او را
سرای نگار که بلغه ایشان بمعنی تختگاه است نیز گویند طول
شرقی چهل و هشت درجه عرض شمالی سی و پنج درجه اطول ساعات
نهارش چهارده ساعت و بیست و یک دقیقه گویند از اقلیم چهارم است
خلقش موازی ششصد هزار نفر نوشته شد در تمام سال
هوای فرح بخشش نمونه بهار و همیشه زرد و سرخ گل ریاحین
و ازهار است خوبی بافتن شال ترمه در این شهر و حسن بهر
که از کرک بز و پشم شتر ترتیب دهند در تمامی بقاع
عالم یکتا و مسلم و در هر جا موصوف و مشهور است
ملتان شهری قوی بنیان قلعه و حصاری محکم دارد طول شرقی
چهل و شش درجه و سی و پنج دقیقه عرض شمالی سی و نه درجه
و چهل دقیقه اطول ایام سیزده ساعت گویند از اقلیم سوم

است مخلوقش شصت هزار نفر است دویم ایالت
ولایت سندستان پای تخت حیدرآباد سوم
ایالت ولایت سند یا شهر مشهور گوالیو اجین است
از بد این قابله در این ولایت سند چهار ایالت ولایاتیکه هست
عبارت از جزایر چند است که آنها را جزایر هند گویند
مشهور از آن این است جزیرهٔ سیلان را ازاد در قدیم
تپرابان میگفته اند از محصولش شمر و سونه است شمر و ریحان
احجار نفیسه مثل یاقوت و زمرد و الماس عماره است
فیل در این جزیره بسیار رمه رمه میگفتند و کله کله جزایر میگنند شهر
مشهور کلمب دار از محصولش بسیار چاهی خرد و شمر است و اطراف آنگالیه
در الان در تصرف دولت انگلیز است جزایر لاکدیو
که متعقب خراج دولت انگلیز میباشند جزیره مالدیو
که آنها را مالاکدیو نیز گویند و دوازده هزار جزیره است

لردران

که در آن جزایر مرجان و سنگهای ثمینه یافت میشود بود
در آنجا بعضی سنگهای ثمین دریائی است عوض پول سکوک
بخرج رایج است باب پنجم از مطلب اقدی در ذکر ولایاتیکه هست
در سمت غربی قطعه آسیا واقعند و آن در دو فصل ذکر میشود
فصل اول در بیان ولایت عربستان و بسط حدود آن
ولایت عربستان متصل است از طرف شمال بجزیرة العرب
که از ممالک عثمانی است و از جانب جنوبی به بحر هندی و از
جهت شرقی به بحر ابوشهر که فاصل میان او و دولت ایران است
و از سمت غربی بحر احمر این ولایت آب و هوایش بشدت
گرم و خشک خصوصاً سمت شمالی آن که بادی گرم و محرق دارد
که از سموم ساحلی نامند هرگاه بر آدمی یا حیوانی بوزد اجزای
وجودش سوخته بلکه سوخته شود حتش غالب ریگزار و هموار
گیاه و رود در آنجا بسیار کم است نزول مطر در آن بوم کم

جز بحکم ضرورت روی ندهد و در آنجا از قسم صمغ و کافور
و قطاء و کندر و غیره موفور و در بعضی اماکنه زیتون و نیشکر و خرما
و انجیر و لیمو و پرتقال و بلسان بسیار است و روغن گیرند و مرجان
و لعل و عقیق در بحر احمر بکثرت و اشیای نفیسه بسیار یافت میشود
عربان گویند اینهمه مرکبات از تخمه اسبهایی است که در اصطبل سلیمان
بوده است در آن بلاد از حیوانات چرنده و پرنده شتر مرغ
و گورخر و شتر جمازه و غیر جمازه که آنهارا کشتی بیابان گویند
بزیادی وجود دارد مخلوق است چهار کرور است نفوس زنک
ایشان را امام و شیخ و شریف و امیر گویند مذهب همه اهالی آن سنت
الا طایفه وهابیه که در نجد ساکن و بالذات دشمن سلاطین و شیعه
وهابی تبدید ملت اسلام اند و لسان ایشان عبارت از شش
ایالت است بعضی مستقل و بعضی در تحت تصرف و تابعیت
دولت عثمانی اول ایالت ولایت حجاز پای تخت مکه

لت عشـ کرور

معظمه طول شرقی بیست و شش درجه و ده دقیقه عرض شمالی
بیست و یک درجه و چهل دقیقه البلد الامین هم لفظ گویند
از اقلیم دویم است موطن و مولد محمد مصطفی پیغمبر اهل اسلام
است از مداین معتبره و امصار مشهوره مسجد و معبدی رفیع و نیکو
که بهتر است از سایر مساجد بلاد اسلامیان در این مسجد بنائی
کوچک و محترم مربع است که آنرا کعبه خوانند زیارتگاه
و مطاف اهل اسلام است چنانکه در هر سال بعدد موفور جمعی کثیر از
شیعه و سنی که مستطیع و بمذهب خود واجب الحج شده‌اند از
اقطاع و اکناف بلاد اسلام بعزم طواف آن بقعه مبارکه
مطاف بادیه پیمای اجابت فرمان صاحب شریعت شوند و
در آنجا روند معتقد اهل اسلام است که آن از ابنیه ابراهیم
خلیل است که بفرمان رب جلیل بنا کرده است آنرا بعالی
میزان و باتمام رسانده عربان گویند ما از نسل اوییم و لو لغه

اسمعیل ذبیح و اولادهٔ ابراهیم خلیل اللّه علیهم شهر مشهورش
مدینهٔ طیبه طول شرقی چهل و چهار درجه و بیست دقیقه
عرض شمالی سی و شش درجه و سی و پنج دقیقه اطول نهارش ... و
دقیقه میباشد است بطالع ثور مرقد آن عطار و است در
زمان پیغمبر آخر الزمان وقتی پای تخت آنجناب بوده و حال مرقد
و مقبرهٔ ایشان است بالجمله وسعت دستگاهی مردارد دوم
ایالت و ولایت یمن پای تخت صنعا شهر مشهور مخا در کنار
بحر احمر واقع و آب و هوایش بالنسبه معتدل و نافع
در آنجا قهوهٔ خوب بعمل آید و قهوهٔ مخائی شهرتی دارد و در این
ایالت سنگ عقیق عموماً زرد صاف و رقیق بالوانهای مختلف میشود
سوم ایالت و ولایت حضرالموت شهر مشهور ماقلا
چهارم ایالت و ولایت عمان شهر مشهورش مسقط
عمان طول شرقی عد درجه و ک دقیقه عرض شمالی مد درجه

و مه دقیقه بوضع اقلیم اول و بعضی دومش دانند مسقط
شهریست متانت البنا و مربط بنای قدیم و سواحلش عظیم است
محل مکاسبت و تجارت و داد و ستد و معاملت در تمام
بلاد عربستان شهری را قابل تجارت و شایستهٔ معاملت و خرید
و فروخت نباشد این شهر است پنجم ایالت و ولایت لحسا
دار الاماره هفوف شهر مشهور بحرین شهریست بزرگ واقع
و در کنار دریای احمر واقع طول شرقی ... و ... عرض شمالی
کط و نط اطول ... ولده ... بسیار از دریا بر آرند
آن تجارت و بیع کنند ششم ایالت و ولایت نجد
دار الاماره درعیه ... عموم این ایالت طایفهٔ وهابیت
از ارباب فساد و جهالت و از فرط ضلالت دشمن سلطنت و جمیع
اهل ملت اسلامند ... ما ذکر فصل دوم در ذکر ولایات
جزیرة العرب که آنرا ممالک عثمانیه آسیا گویند

وضبط حدود آن ممالک عثمانیهٔ آسیا است
از جهت شرقی بممالک ایران و آذربایجان و از شمال بحر سیاه
و از طرف غربی بحر سفید و از جنوب بولایت عربستان
آب و هوایش اکثر خوب و مایل بگرمی از فواکه انگور و زیتون
در آنجا بسیار و در ولایات جنوبی خرما و نارنج و لیمو و سایر
میوه های گرمسیری موجود و بشمار مخلوقش یکصد و بیست
و چهار کرور صاحبان صنایع و ارباب هنر از هر صنف در
این ولایت بسیار و والی و حکام ایشان را پاشا گویند و در بعضی
شهرها که در کنار بحر واقع است و لنگرگاه اند قونسولان
هر یک از دول اقلیم اوروپا ساکن اند همهٔ این ولایت
عبارت از هفت ایالت است اول ایالت ولایت
اناطولی شهر مشهور طربزون سیواس توقات انگره
گویند از اقلیم سوم است اسکودار در این عصر محلهٔ

از اسلامبول محسوب میشود بر ساحل دریا شهریست بزرگ و معتبر
خلقش یکصد هزار نفر در قدیم شهری بغایت عظیم و بیش
از پای تخت شدن اسلامبول پای تخت دولت عثمانی آنجا
بعضی کرباس پنبه و قماش ابریشمی و گلیم پشمی را در آنجا نیکو
بافند کوتاهیه صاحب نعمتهای الوان و شهری باصفا
خلقش پنجاه هزار نفر موقف و مسکن بیگلربیگی آنجا بود
است اناطولی از شهور معظم این ایالت بعضی ازمیر شهری
بی نظیر و مدینهٔ عظمت تجار در آنجا خرید و فروخت بسیار
کرده میشود خصوصا ابریشم و شیرینی میوه و فواکه خشکبار
در اینجا گلیم و قالی را مثل بلاد ایران نیکو بافند دیگر توقات
شهریست مضبوط و با نیات کارخانهٔ مسگری در آنجا
متعدد و فواکه و شراب انگورش خوب و معدن مس
نیکو و عمارت است دیگر ایالت ارمنستان عثمانی

شهر مشهور ارضروم شهریست عمارت لزوم و ارزنة
الروم نیز گویند مدینه معروف و معتبر طولش شرقیش
چهل و هفت درجه و عرض شمالیش سی و نه درجه خلقش
قریب یکصد هزار نفر معبر ایران و روم و راه قوافل
اند و مرز و بوم است سوم ایالت ولایت کردستان
عثمانی شهر مشهور بطلیس شهری عظمت مدار و در اکثر اشتهار
و آن بنائی عالی بنیان است در حوالی او دریاچه گوکچه
از دریاهای شاهی آذربایجان واقع است چهارم
ایالت ولایت عربستان از جزایر جنب است شهر
مشهور دیار بکر شهریست معظم و بزرگ خلقش
قریب هشت هزار نفر موصل شهری معبد و عظیم
و مدینه قبلی و قدیم است طولش شرقیش چهل و پنج درجه
و عرض مدارج شمالیش سی و چهار درجه و ده دقیقه است

اطول ایام چهارده ساعت و سی و شش دقیقه و سی
ثانیه است گویند از اقلیم چهارم است خلقش
موازی یکصد هزار نفر است کرباس پنبه در آنجا خوب
نسج میشود عرفه شهری نیک و با عمارت و عظمت نویست
خلقش پنجاه هزار نفر بیش است پنجم ایالت ولایت
عراق عرب است شهر مشهور بغداد شهری معمور و آباد
و مدینه عظمت بنیاد است طولش مدارج شرقیش چهل و دو
درجه و عرض مدارج شمالیش سی و هفت درجه اطول
اوقات نهارش چهارده ساعت و پنجاه دقیقه گویند
از اقلیم سوم است خلقش مساوی یکصد هزار نفر قلم
رسیده است شهری عظیم تر از آن در این ولایت نیست
نشیمن و دار الاماره حکام و پاشایان است که از دولت
روم بحکومت این مرز و بوم سرافراز شوند کارخانه صابون پزی

وشعربافی وکرباس پنبه در آنجا متداول و متکاثر است
در حوالی آن به سبعه فرسخ شهری بهشت مثال و مینو طراز بشرافت
از سایر بلدان برگزیده و ممتاز است موسوم است به نجف اشرف
در آنجاست مشهد و مقبره علی علیه من الله آلاف التحف
که باعتقاد اهل سنت خلیفه رابع و بزعم شیعه امام اول و خلیفه بلافصل
است بعد از محمد ص چاه زمزم آنجاست در آن خاک پاک
اجساد مطهره از انبیاء دیگر هم مدفون است اینجا است بسبب
بودن در آن مضجع امیر المؤمنین علی علیه السلام زیارتگاه
اهل تشیع که در هر سال از همه بلاد ایران جمعی موفور علی
سبیل الاستمرار در آنجا روند و زیارت کنند در میانه
این شهر و بغداد شهری سعادت بنیاد است که او را کربلا
و عتبات عالیات نیز گویند در آنجاست مشهد قدوه
حسین ابن علی علیهما السلام و مقبره جمعی از اخوان و اعوان

وانصار

وانصار آن بزرگوار است در آنجا نیز زیارتگاه اهل تشیع است
در حوالی آن ولایت است مسمی گویند جودیست و کشتی نوح در آنجا فرود آمده است
بصره طول شرقی ۶۴ و ۵۰ عرض شمالی ۳۰ درجه خلقش بیشتر از اهل سنت البصره از اقلیم سوم است
موقعش بد و آب و هوایش رد لاجرم تجار و دلو و سند است اتش شتم
ایالت ولایت شام شهر مشهور حلب شهری زیبا بلب فرش کوچه و محلات
بسنگهای تراشیده مرتب طول شرقی چهل و دو درجه و ده دقیقه عرض شمالی
سی و پنج درجه گویند از اقلیم چهارم است الحق بنا از چهارده عمارت و بیوت
هفت دقیقه از مداین عظیمه قدیمه است مقارن بیست و هشت سال قبل از این تاریخ
مطابق سنه ۱۲۳۹ تاریخ هجری عربی زلزله عظیمی در آنجا واقع و اکثر
عمارات آنرا خراب سقوف بیوتش را صفحه تراب نمود و از
پس از آن فی الجمله معمور و امروز مشرف بآبادی است آینه از بنهایت
خوب سازند اسکندرون لنگرگاه حلب و شهر
تجارت بسیار است دمشق شهری رنگین و بولوی معظم و دیگر لنگرشهر

است طول شرقی هفتاد درجه و عرض شمالی سی و هشت درجه و پانزده دقیقه
اطول ایام دوازده ساعت و پانزده دقیقه اقلیم سوم است عمارتش تمام
طرح و نظام و نام دیگرش شام است نساج قماشش ابریشمی و شمشیر
و ترتیب اسلحه حربیه اش نیکو و معتبر باقیه شامی و شمشیر شغل شهرتی
دارد و در تمامی عمارتش آب جاری در گذر و خلقش چهل هزار نفر
بیت المقدس طول شرقی شصت و شش درجه و سی دقیقه عرض شمالی
سی و یک درجه و پنجاه دقیقه اطول اوقات نهار چهارده ساعت
و هیجده دقیقه مولد و موطن عیسی روح الله است **یافه**
موقعش در کنار دریا و لنگرگاهی زیبا است موقف زوار
و سفاین است **بیت اللحم** بقولی مولد مسیح ابن مریم است
عکا نیز از شهرهای مشهور این ایالت است دیگر چیز
قابلی ندارد که ذکر رود تمام شد اقلیم آسیا
ترجمه در سنه ۱۲۶۵ و تحریرا در سنه ۱۲۶۶ و هو الاختتام

مطلب دویم از کتاب جهان نما در بیان قطعه اوروپا
که فرنگستان نیز گویند و ایراد دولی که در آن واقعست و جغرافیا
حدودان و در آن مقدمه و سه باب **مقدمه** در ذکر
حدود اقلیم اوروپا متصل است این قطعه از طرف شمالی
بحر منجمد شمالی و بحر محیط شمالی و از سمت غربی بحر محیط
و از طرف جنوب بحر سفید که فاصل است میانه این قطعه و قطعه
افریقا و از جهت شرقی ملاصق با اقلیم آسیا است که ذکر شد
السنه مشهوره که در این اقلیم متداول و معتبر است لسان
ایتالیا و اسپانیا و پرتکیز و فرانسه که از شعبات زبان
لاتین که متداول قدیم بوده میباشند و لسان نمسه و فلمنک
و دانیمارقه و اسوج و نوروج که اینها از زبان قدیم تیتانیک
مرکب و منشعب اند و لسان انگلیز که هم از زبان لاتین و
هم از تیتانیک مرکب است و لسان روسیه و مسکو

و خونکاریر که مجار نیز گویند و لسان پلاک است که
اینها از زبان قدیم اسلاف مرکب‌اند و لسان یونان
که الآن دو زبان است یکی یونان قدیم و یکی جدید که
الحال این زبان مستعمل است و از زبان قدیم منشعب است
و زبان عثمانلو از زبانهای تاتاریه مستخرج است در ممالک
فرنگستان قرال و دول هست بعضی را پادشاه
مستقل و غالب که بنفسه حاکم نظام مهام و ناظم رتق
و فتق امور انام و مصلحت‌جوی ملک و دولت‌اند و کسی را در کار سلطنت
با او مداخله و مشارکت نباشد چنانکه روس و غیره و دیگر را
پادشاه است لاکن غیر مستقل که در نظم امور ملکی و ملتی مجلس
و صلاح‌دید وزرای چند که ارکان مجلس مشورت‌اند کار
بندد و بنفسه مختار و صاحب رای و حکم نیست بلکه آنها را
نیز در امر سلطنت با او شرکت و مداخلت است چنانکه

دولت انگلیز و اکثر دول دیگر غیر از اینها جمهوریت
و آن بر دو قسم است یکی آنکه رؤسا و عظمای بلدان یکی را
شاه و امیر بزرگی و سرپرست رعایای ولایات اقوام کرده نظام
امور ملکی را کماکان منتظم دارند و دیگری آنکه عامهٔ رعیت
هر بلدی یکی را مختار و رئیس کرده به وزارت بردارند و در هر
چهار سال معزولش دارند و دیگری بجایش بگمارند و آن وزرا
که مختار رعایای عامه‌اند در مجلس دولتی و پای تخت جمع و یکی را
بر خود رئیس و باشی ناظر کرده تمشیت امور ملک و دولت را
بوفق صلاح و صوابدید یکدیگر در دهند بالجمله ولایات
اقلیم اوروپا را به سه قسم منقسم کرده‌اند که بیانش در سه باب
ایراد کرده شود باب اول از مطلب دوم در بیان
دول و ولایات قسم اول قطعهٔ اوروپا که در سمت شمالی
آن واقع است و در آن پنج دولت است فصل اول

از باب اول از مطلب دویم در ذکر ممالک دولت انگلیز
و ضبط صوبه آن که پای تخت دولت لندن است ممالک
انگلیزه انگریز و انگلیس نیز گویند از چهار طرف محاط
بحر محیط شمالیت و غربیت و از طرف جنوب نیز تا به یک
بممالک فرانسه چنانکه در یکروز بمعاونت کشتی در آنجا
توانند رفت شوکت و دولت آنجا منوط و مربوط است
بتکثیر سفاین و زوارق و داد و ستد امتعه نفیسه از در
ولایات قریبه و بعیده و تجارت او که از آزاد در هر ساحل
بهر جهت قریب بدویست کرور یافته اند خلق و تعداد
نفوس این مملکت را اصل انگلیزه انگلتره نامیده بوده
چهل و شش کرور یافته اند و با آنچه از ولایات اقلیم و
قطعات بیگانه دیگر در تصرف ایشان است متجاوزی
دویست و پنجاه کرور نوشته اند این مملکت را پادشاهی است

رصد
یک کرور

سی اضافه دیوانی تسخیر
دو صد کرور

غیر مستقل

غیر مستقل که بصوابدید مجلس ناظم امور و ولایات است این
مملکت را به پنج بخش گفته اند که در پنج بیان ذکرش می‌آید

بیان اول در ذکر ولایت فی امارت اصل انگلیزه

ساحت این ولایت فی الجمله هموار و در وی تلال و جبال
صغار نیز واقع از اراضیش مشجر و مزرع و محصولاتش شایع
غرس اشجار بارور غیر از انگور بعمل می‌آید در آنجا زیاده
متداول عموم آنجا شرب سکر و مسکر است اما اکثر ترتیب دهند
هوایش بواسطه غلبه بخاری منجمد ملاصق ارض و مشابه ابر
که در بعض بلاد ایران آنرا مه گویند آن ولایت دایم
تازه و با نم و سبز و خرم است و هیچ وقت طراوت
درختش رطوبت از زمین بریده نخواهد شد و لهذا
حیوانات شاخدار سیما گوسفند و غنم که پشم آن بغایت
ممتاز است در آنجا بسیار است و نیز اسبان باربار

برق رفتار و مراکب هوا رشن و اقر گویند قریب هشتصد
سال است که کرک در آنجا بافته میشود چه بواسطه قلت تجمه
انهار را بر کنده اند از معادن معدن رصاص و زغال معدنی
که در کشتیهای هوائی و بخاری آتشی و کارخانه آهنگری
و غیره بکار برند بحد و شمار یافت میشود شهر مشهوری که در
جانب شمالی این ولایت است بریستول در حوالی این شهر
معدن آب گرم بسیار و سواحلش عظمت مدار و خلقش یکصد
و بیست هزار است بیرمنگام شهری است بزرگ و معتبر
و خلقش صد و ده هزار نفر است در آنجا جمیع صنایع
که ممتاز از همه کارخانه فولاد سازی است نیوقاسل
خلقش پنجاه هزار نفر و اکثر منافع آن تجارت زغال معدنی
است از آنجا تا لندن راه آهنی است که فرش راه را
جهة سهولت رفتن عراده آهن بسته اند و نیز راهی دیگر

آهنی از آنجا تا میلفوردهون بسته اند سوندرلاند
در کنار دریا واقع و موطن یکی از دو معلم بزرگ مذهب انگریزست
لیدس شهری معتبر و خلقش صد و پنجاه هزار نفر است کارخانه
شال بافی و قماش پشمینه در آنجا است شفیلد کمن از ارباب صنعت
و کارخانه قلمتراش و کزلک سازی و غیره در اینجا بسیار
موجود است مانچستر خلقش یکصد و هشتاد و هفت هزار
نفر و شهری است مشهور که بهترین کارخانهای ممتازه
دولت انگلیز از هر صنعت اینجاست و کرباس پنبه را
نیکو استنساج کنند از اینجا تا لیورپول راه آهنی بسته اند
بهترین راههاست لیورپول شهری زینت دار
و موقعش در کنار دریا لنگرگاهش جای هزار کشتی
و خلقش یکصد و شصت و پنج هزار نفر است یورک
لانکستر شهور مشهور در جانب شرقی این ولایت

لنکاشر درین شهر قماش زیاد است که بلوغ خوار را
تم گویند و هنگام نواختن پانزده نفر مرد شجاع او را بست
دلمه می نوازند نیومارکت این شهر بجهت داشتن میدان
تاختن اسبان که وسعت دارد شهرتی دارد چنانکه هر کرا
اسب رهوار و ممتاز باشد در آنجا برده با هم بمبلغ نذر بسته
بتازند تا هر کدام پیشتر آمد وجه نذر را از او باشد
کامبریج این شهر بسبب داشتن مدرسه معظم شهرت
دارد لندن شهری معظم و مدینه محکم سواد بزرگ و بنای
سترگ و تختگاه دولت است خلقش تقریباً سه کرور ۲ کرور
بحسب خلق و تجارت شهری معظمتر از او در تمامی عالم نیست
در لنگرگاه او گاهی زیاده از هزار کشتی توقف دارد و در
آن سفاین را در حرکت و ذهاب و ایاب بینند در آنجاست
معبد و مقبره سلاطین سلفیه آینه دولت چنانکه عمارتش

رفیع و وسیع موسوم بوستمنستر ساخته سلاطین بعد
از او را اگر موت در آنجا برند و جنازه اش را آنجا گذارند
شهوریکه در سمت جنوب این ولایت واقع است کانتوربری
موطن و موقف معلم و آیم و خلیفه عظیم و بزرگ انگلیز است
گرینویچ در این شهر دارالشفائی بزرگ جهت مریضان که در
سفاین بحری زخم خورده اند ساخته اند و صاحبان اسقام را آنجا
برده معالجه کنند از اینجا تا لندن راه آهن است چتهام شهری
لنگرگاهش بزرگ و از کثرت متفرقین هیچگاه از کشتی
خالی نیست باث نام درین شهر آب گرم معدنی بسیار است که
صاحبان امراض و اسقام بدان استشفا جویند برمنگام
ازینجا تا لندن راه آهن است وینتسر آب و هوایش
آب و هوا مشهور است عمارات دولتی در آنجا ساخته اند که
هرچند گاه سلطان در آنجا رفته متوقف و بعشرت مشغول

یثو و عمارتش بنحوی شهرتی دارد پورتسموث شهری نیکوست
پلیموث که لنگرگاهی که دارد مخصوص سفاین حربیه دولتیه
است بسبب بعضی معدن آب در این شهر شهرتی دارد
قنطوربری شهری دیگر هیشنگس لاتشوری که در وسط
واقع است نتینگان شهری خضرتست از خلقش پنجاه و یکهزار
نفر جوراب پشمینه و پنبه و ابریشمی را در این شهر نیکو
و خوب میبافند و فایتستق از مداین مشهوره است بیان دوم
در ذکر ولایت قال است که بواسطه عدم اعتبار بآن
بذکرش اقدام نرفت بیان سوم در ذکر ولایت
و ایالت اسقوچیا که آنرا اسقوتلان نیز گویند
پای تخت و دار الاماره آدینبورغ شهری بزرگ
و معتبر و خلقش یکصد و سی و شش هزار نفر مدرسه
و سولوش معظم و زینت در اینجاست اکثر باسمه خانهای

ممتازه دولت انگلیز کلسنک و قالی بنحوی کاریکو از مدار
ساحت ولایت اسقوچیا کوهستان بسیار و برکه و غدیر
که دریاچه گفته میشود بیحد و شمار است در این ولایت های از
آهن بسته اند از هر و یک ایالت کلاسکو که غلاسقو نیز گویند گلا
سکو شهری معظم و معتبر است خلقش دویست و دو هزار نفر
و مدرسه رفیع و وسیع در او واقع است انوردن
لنگرگاه ممتاز و شایسته دارد که خالی از استحسان نیست
که نیز از مضافات با اشتهار است بیان چهارم در ذکر
ولایت و ایالت ایرلانده و دار الاماره دوبلان شهر
در این ایالت بزرگ و وسعت از خلقش دویست و
بیست و هشت هزار نفر است از ابنیه مشهوره قدیمه است
مدرسه معظمه و محکمه در وی واقعست ساحت ولایت
ایرلانده بغایت مسطح و هموار و عاری از تلال و جبال

در این ولایت نیز برکه و غدیر و رودهای جاری فراوان
است در این ولایت راه آهن بسته‌اند از لیمارک
الی واطرفارد شهر مشهور قرق شهری معتبر و خلقش یکصد
و یک هزار نفر است لیمارک شهر دیگر و واطرفارد
که از جمله بلاد معظمه این ولایت است بیان پنجم در ذکر
ایالت ولایت که عبارت از جزایر چند است که هر چند را
باهم خوانند منها جزایر شتلاند و جزایر اورقد
و جزایر حبریدز و جزایر سلنک جزیره وایط پای
تخت و دارالاماره نیوپرط جزیره آدرنی و جزیره کرنزی
دارالاماره سانپیتر جزیره جرسی دارالاماره سانت
ایلی جزیره مان دارالاماره دکلاس جزیره انکلسی
دارالاماره بوماریس جزیره هلکلاند و جزیره
مالتا دارالاماره لاوالیت جزایر سبعه در اصل

آنجا اهالی یونان و الآن دولت جمهوری و در حمایت انگلتره
اند فصل دویم از مطلب دویم از باب اول در بیان ولایت دولت
دانیمارقه و ضبط حدود آن ولایت دانیمارقه متصل است
سمت شمالی و غربی او بحر محیط شمالی و جانب شرقی بحر بالطیق
و طرف جنوبی او حکومت اتحادیه جرمانیه این مملکت دو
قسم است قسمی محض خشکی و قسمی جزایر اما قسم خشکی از
این ولایت ساحتش پهن و هموار و مسطح و در سمت شمالی اقلیم
اروپا واقعست چندان مشمر و مثمر نیست مگر در ایالت هلستین و بعض
از جزایر جزئی مثمر و اندک کشت و زرع در آنها که می‌شود
مخلوقش چهار کرور پادشاهش مستقل است بنفسه ناظم
مهام دیگری را با او در سلطنت مداخله نیست مذهب آنها
لوتاسان است که شعبه از مذهب پروتستان است گیاه
و علف که در آنجا بار روییده می‌شود بغایت سبز و خوش

چهار کرور

که آذوقه و علوفه حیوانات است انواع پرشدن پرقوا و غیره
را در زمستان خوراک بکار برند در آنجا بسیار است این ولایت
چند ایالت است مشهورش این است اول ایالت اسکاتلاند
دار الاماره وی ادینبورغ شهر مشهور است آلبرا از شهور معظمه و موضع صنعت
در کنار دریا محل تجارت و موقف تجار و جای آباد و شهری است
دوم ایرلاند از ایالات کاتولیک گوینده رعیه ایشان بمعرض شاهی کوچک
وشش هزار کی است و آن ایالت ایرلند و یک است پایتخت
ایرلند دوبلین شهری معظم از او در این ایالت واقع میشود
سوم ایالت هلستین که سحر و اکثر مزارع و شهرها و
آب و هوایش خوشتر از ایالات دیگر است از شهر صاحب خیر
و صحرایش مزارع و معلق سبز و خرم شهر مشهور کال شهر دیگر شهر
النونیز شهر صاحب عظمت و منافع و تجارت و سپاهها
ایالت چهارم کالیک لوتمبر دار الاماره لوتمبر شهر مشهور

از شهر فلنبار که هر روز از امصار با اشتهار و جای تجارت
و مسکن تجار و در کنار دریا وقوع دارند اما قسم دویم که عبارت
از جزایر و مشتمل بر چند جزیره است که مشهور از آنها این است
جزیره سیلاند پای تخت کپنهاک این شهر پای تخت دولت
است جزیره فاین دار الاماره اودنسه جزایر مادیها
جزایر للانده جزایر فالستر جزیره فرهائز جزیره ایسلاند
که ساحت ولایت این جزیره مملو است از جبال عظیمه که بعضی
در صفاها هوا و تابش خورشید شراره آتش از آنها تصاعد
و ملحوظ میشود آنها را کوه آتش فشان گویند و نیز تلال و جبال
بسیار دارد معادن آب گرم در آنجا بسیار که مشهورتر از
همه چشمه گیزر است که آبش در وقت جوشیدن قریب پنجاه قدم
فوران کرده بالا می جهد در این ولایت از شدت برودت
کشت و زراعت کرده نمیشود دار الاماره این ایالت ریکیاویک است

کپنهاگ پایتخت دولت و دار الاماره ایالت جزیره
سیلاند شهری معظم و بناهای محکم خلقش یکصد و پانزده هزار [illegible]
نفر مدرسه اش وسیع و معتبر و لنگرگاهش مطبوع و خوش و مقر
کشتی فراوان در آن آمد و شد دارد و بندریست معتبر
پست و دو سال قبل براین لشکر دولت انگلیز در این شهر
توپ در بسته بعد هلسینگر هر کشتی و کمی که در این
شهر رسد وجه معینی بگمرکچیان سلطان دانمارک می دهد اسکیلند
در قدیم تختگاه و دار الاماره سلاطین سلف بوده و الحال معبد
و مقبره ایشان است **فصل سوم** از باب اول از مطلب [illegible]
در ذکر ولایت دولت نوروج و ضبط صور آن سمت
شمال این مملکت متصل است ببحر منجمد شمالی و طرف شرق او
بمملکت اسوج و جانب غربی او و جنوبش ببحر محیط شمالی
و کلیه در سمت شمال اقلیم اوروپا واقع است در ساحت این

ولایت

ولایت وفور جبال عظیمه و شعوب جنگلهای کثیره است و جهات
سفاین و زوارق قطعه او زیاد از اخشاب و اشجار این
ولایت سازند سیما تخته بالان کشتیها بیشتر مخصوص باین ولایت
که درختان بغایت کهن و بلند دارد و آب و هوایش در
کمال شدت سرد و ارضش غیر مثمر الا در جانب جنوبی
او که فی الجمله زراعت کرده میشود و اندک ثمرات [illegible]
بطرف شمال میرود سردتر و کمتر زراعت است در آنجا معدن
نقره و مس و آهن و غیره زیاد یافت میشود لا سیما معدن آهن که بهتر از همه آنها
آهن است مخلوقش کرور این دولت و دولت اسوج
دو کرور
در حکم دولت واحده اند و پادشاه ایشان یکیست لاکن حیث
الملک جداگانه اند که وزرای هر دولت و وکلای هر ولایت
علیحده است که بصوابدید ایشان نظم امور هر ولایت
داده میشود بالجمله مذهب اهالی این ولایت لوتران است

که شعبه از ملت پروتستانت مشهور است این ولایت بر شش
ایالت اول ایالت کرستیانیا دار الاماره کرستیانیا
لنگرگاهش خوب و تجارتش بیشتر از آهن و چوب است دویم ایالت
کرستیانسند دار الاماره کرستیانسند سیم ایالت
برگن دار الاماره برگن شهری مشهور و خلقش یازده هزار نفر است
چهارم ایالت درونتیم دار الاماره درونتیم لنگرگاهش تنگ
و تجارتش خوب جای تجارت است درین شهر عمارتهای عالیست که [illegible]
پادشاهان در آنجا تاج بر سر نهند پنجم ایالت جزایر لفدن
که در طرف جنوب آن گردابیست هولناک که جهازهائی در آن
بحر روان شوند از مسافتی بعیده جلب و جذب آنها کرده بگرداب
در کشد و هنگام استغراق و شکستن آنها تا ده فرسخ صدای آنها و
غرش آن میرود ششم ایالت لاپلنیا که لاپلندی و نوردلند نیز
گویند و اولا در دست دولت [illegible] و حال مدتیست که

با دولت اسوج که مذکور میشود در حکم دولت واحده و در تصرف ایشانست
و از ایالات این دولت شمرده میشود شهر مشهور فرادریکستاد
شهری در عظمت درین کشور طاق و برزانست برج و باره و خوبی
لنگرگاه و کثرت منافع تجارت شهره آفاق و در این ولایت این
شهریست که بنای عمارتش از سنگهای بزرگ تراشیده بنا شده است

فصل چهارم از باب اول از مطلب دویم در ذکر ولایت اسوج

و حدود آن ممالک دولت اسوج متصل است از طرف شمال
و غرب به ولایت نوروج و جانب جنوب و شرق به بحر بالطیق
ساحلش مشتمل بر برکه و آبگیر کثیره و بحور صغار و نیز [illegible]
رودهای عدیده از طرف غربی مشتمل بر جبال و تلال عظیمه است هوایش
بشدت سرد و صاف و در تربیت خلق موثر نافع از بیش زمینش غیر مثمر
و لم یزرع الا اندکی در سمت جنوبی که کشت و زرع در جمله میشود در
اینولایت جنگل و بیشهای بزرگ بسیار است که غالب اشجار

آنها بمصارف گشته و عمارات و غیره و سر ریر میرسد معدن
مس و نقره و آهنش موفور و خلقش مساوی تیشش کرور است ۶ کرور
پادشاهش غیر مستقل و مذهب اهلش لوتران که شعبه از پروتستانت
در طرف شمالی این ولایت و نوروج قومی باشند قصیر القامه
بالایشان قریب یک ذراع که آنها را لاپان نامند و نیز در
آنها مانی جانوری عظیم الجثه یافت میشود از جنس بز مخصوص
بآنجا است چه هوایش بشدت سرد و وجه آنکه آن حیوان در برف
ممکن نیست یابی آنقوم بس عراده کشیدن آن حیوان در اطراف
و جوانب سیر و سیاحت کنند و از گوشت آن خورند و پوستش را
پوشند بالجمله این دولت مشتمل بر چهار ایالت است اول
ولایت اصل آن است دولت اسوج پای تخت استکهلم
شهری مشهور و لنگرگاهش معتبر خلقش هشتاد هزار نفر و این شهر
عبارت از هفت جزیره خورد است که هر جزیره محله از آن است و چون

خواهند از این محله بمحله دیگر روند بطراده و ناوچه روند
از روی آب شهر مشهور اپسال اولا پای تخت دولت و الحال
سلاطین در آنجا میمنت تاج بر سر نهند شهری وسیع است مشتمل
بر بازارهای آراسته و مدرسه خوب آب و هوایش بهتر از سایر شهور
وینکسینک شهری عظیم است دویم ایالت نرولند که
لاپنیای اسوجی نیز گویند شهر مشهور لینیا دیگر طرنیا هر دو عظیمند
سیوم ایالت کاتلاند شهر مشهور کرستیانستد شهر دیگر
کارلسکران لنگرگاه وسیع این شهر مخصوص کشتیهای جنگی دولت است
و عمارتش اکثر از چوب و رفت و قیراط بمصرف کشتی میرسد
کالمار شهر دیگر قائم بوق جزیره نیک و لنگرگاهی نیکو دارد چهارم
ولایت ایالت عبارت از جزایر و مشهورش دو جزیره دیگر
یکی جزیره کتلند دار الاماره وستبی و دیگر جزیره الاند
شهر مشهور فلن معدن مس خوب متعدد دارد فصل پنجم

ارباب اقتدار از مطلب دور نیفتیم در بیان ممالک روسیه که در قطعه
اوروپا واقعست و ضبط چند قرن ممالک روسیه اوروپا
متصل است از طرف شمال به بحر منجمد شمالی و از جانب شرق با اقلیم
آسیا و بحر خزر که واسطه است میان این دو اقلیم و جانب جنوب
ایضاً با اقلیم آسیا و بحر سیاه و از جهت غرب به بحر بالطیق و ولایت
اسوج و دولت پروسیا و نمسه و سمت مابین مغرب و جنوب
بحر سیاه ایضاً و ممالک عثمانیه که در اوروپاست بزرگی ممالک
روسیه را الحق وسعت تسع معموره عالم باید شمرد ثلث او همین
قابل کشت و زرع و دو ثلث دیگر نامثمر و لم یزرع است در این
ممالک بسبب وسعت و عظمت از هر نوع آب و هوا یافت میشود
مثلاً رودخانه لنا در قرب ایرکوتسک بسبب شدت برودت
آنجا در تمام سال قریب شش ماه یخ بسته و منجمد است چنانکه
قوافل و مسافرین از بالای آن عبور کنند تا در قرب تابستان

زمانها

کم یخ بسته شود و بخلاف این هوای ولایت غربیه که بشدت
گرم و ناملایمست بالجمله ممالک روسیه مملکتی است وسیع که بیشتر
مسطح و هموار و طرف شمالی و غربی آن موضع برکه و غدیر و دریا
متعدده و سنگهای عظیم الجثه عریض و طویل و جانب جنوب هموار
و دیگر از اراضی این ممالک اغلب شوره زار است و از انهار اعظم
خوانند مخلوقی قریب بصد کرور و پادشاهش مستقل ما کرور
قاهر و غالب هرچه خواهد کند و کسی را بر آن قدرت اعتراض
وسلاطینش را امپراطور و چار روسیه گویند اما اهالی اکثر قرای
و محالاتش عبید و مملوک سلطانند هم در مال و هم در جان خود اختیار
ندارند و مالغی عبید زعما و سران ملک‌اند در این ولایات بحسب وجود ان
هر نوع آب و هوا از هر نوع زراعت و میوه الحب اقتضای ولایات
ممکن است الا کم در جهت شمالیش اندک کشت و زرع میشود گیاه
و علوفه حیوانات در آنجا نیکو است چه مرتع نیک در اواسط

ولایات روسیه قصب و کتان بسیار بکارند و خوب شود
و در سمت جنوبی آن از غلات و از تفاعات مثل جو و گندم
و غیره زراعت کنند و اکثر متداول و للات معتدله الهوا است
در آنجا نیز موجود و از بعضی ولایات او ابا لاتش بکلی جنگل و منبت
اشجار است در سایر کلیه معدن طلا و نقره و آهن و برنج و غیره
بسیار است علی الخصوص در کوهستانات جبال اورال نامند معدن
فلزات عدیده است بیشتر معادن روسیه در ولایت سیبر است
محصولات ولایات روسیه غالب آهن و چوب از جنگل که بیشتر آنرا
مناسب و مرغوبست و غلات و پوست جانور از قبیل خز و سمور
و سنجاب و روباه و قاقم و غیره و چرم گاو و گوسفند است
که دباغت کرده بدیگر ولایات برده فروشند طوایف
ایشان متعدد و مختلف روسیه اوروپائی چند طایفه است
هر یک با دیگری بکلی مباین و مخالفست منها اصلی روسیه

که از اسلاو است

که از اسلاو است و از اینکه روی پشتی در قدیم گروهی سفید و بلیه
و بی‌شعور بوده اند از غایت حماقت و بلاهت و پس فعل یا قو
بد طینتی در هیچ جای عالم شهرتی نداشته اند و کالانعام نام و
نشان نبوده اند اکثر روسیه از این طایفه منسوب شده الحال ادراک
و تمیز نیک و بد گشته چه بر ور ده هور بسبب مراجعه و امتزاج با عجم دیگر
حدود و ثغور تتبع انسانیت گشته اگرچه شده است دویم طایفه
قزاقست سوم طایفه اهالی فیلانده که اول در تصرف
دولت اسوج و حالا متصرف روسیه است چهارم آلمان یعنی
اهالی نمسه که در کورلانده و لیونیا و استونیا سکنت اقامت دارند
پنجم طایفه تاتاریه در سمت جنوبی و شرقی ممالک روسیه ساکن
ششم اهالی مویطه در کنار بحر منجمد شمالی ساکن و بقصارت قامت
موصوفند مذهب طایفه اهل روسیه یونان است که قسمی از
عیسویت چنانکه ده کرور از آنها بمذهب قاتولیک و جماعتی

بمذهب لوتر تاتاریان و قومی بمذهب اسلام و برخی بت‌پرست میباشند
ولایات ممالک روسیه را بدو نام خوانند یکی روسیه
آسیائی و دیگری اوروپائی اما ذکر روسیه اوروپائی و ولایتش عبارت
از هفت بخش است که در هفت بیان باید بیان اول در
ذکر روسیه بالطقی که ایشان در کنار بحر بالطق و شمال مملکت روس
سکنی دارند این ولایت مشتمل بر پنج ایالت است که شهور مشهورش
ایالت این است پطربورغ جمعیتش چهارصد و چند رها ولد اسم
هزار نفر و سوادش عظیم و معتبر از ابنیهٔ پطر اقدس پادشاه روس است
سانپطربورغ قرب یکصد و چهل و شش سال است که او را نیز
پطر اقدس بنا نهاده است عماراتش عالی و کوچه‌هایش وسیع است
میشود یکبار در کل غاب کرنشتاد این شهر در روی یکی از
جزایر واقع است و لنگرگاهش مخصوص سفاین حربیهٔ دولت است
نارو شهری دلربا است گویند قارلوش پادشاه اسوج در این

شهر پطر

شهر پطر اول را شکست فاحش داد بیان دویم در بیان
ولایت روسیه که بزرگ تعبیر میشود این ولایت مشتمل است
بر نوزده ایالت که شهور مشهورهایش این است مسکو که
مینویسند و شهری عظیم و بنائی قدیم است در سابق تختگاه روسیه بوده
حصاری حصین دارد که او را کرملان گویند در رفعت و رزانت
تمام است در این شهر از چوب خانه سازند و فروشند که هرگاه
خواهند حمل و نقلش کنند و بسفر برند اجزائش را اسلاکش و باز
کرده ببرند و در هر جا که خواهند باز بهم وصل کرده بر پا کنند
این شهر را در سی و هفت سال قبل سپاهیان دولت فرانسه تسخیر
کرده در آنجا متوقف شدند اما اهل شهر با تصرف و تمکن آلان
ناخوشش در بر طبع ایشان آمده پس از اخبار و اجماع بومی از شهر خارج
شده و علی الغفله شهر را آتش زدند و لهذا سپاهیان فرانسه در
عین سرما ناچار بولایت خود منصرف گشته پناه حیلت بار مسکو

در تصرف روسیه درآمد وقت جلوس پادشاهان روس را
رسم است که در این شهر تاج بر سر نهاده بر تخت نشینند خلقش
دویست و پنجاه هزار نفر است قازان شهری نیک است در اینجا
ماکولات از گوشت ماهی بخوبی ترتیب دهند و آنرا قاویار گویند آرخنگل
شهری مختصر و منجلی و در کنار بحر سفید شمالی شعبه از بحر منجمد شمالی و در تمام
سال جز چند صیدی در هر فصل یخ بسته است والا در سه ماهه تابستان کشتی
در او کار نمی کند واقع است از اینجا چرم و متاع دباغت
که بسیار باطراف بعضی سفر و شند طولا شهری زیباست
کارخانه سلاح سازی ممتاز دارد از ابنیه پطر اقدس است و اردو همیشه
در کار است ملنسک نوگرد نیژنی بیان سوم در ذکر
مملکت روسیه کوچک تعبیر میشود این ولایت عبارت از چهار ده
ایالت است که شهور مشهور همه ایالات این است چرنیگو پالتوا
کرکو شهر دیگر کیو شهریست رنگین خلقش پنجاه و شش هزار

نفراست

نفر است پیش از تختگاه شدن مسکو اینجا پای تخت سلاطین روسیه
بوده بیان چهارم در ذکر ولایت روسیه جنوبیه در این قسمت
جنوبی ولایت روس که سنه ولایت آنجا عبارت از چهار
ایالت است و پنج هم گفته اند بالجمله شهور مشهور همه این است اکرسن
سینفرپل پرکاتستا ادسا اول بعضی و چند رفته
شهری معتبر و جای تجار و منبع ثروت است کاتورینزلاو
که کاطورین ثانیه پادشاه روس بنا نهاده است او را در حضور
یوسف شاه ثانی پادشاه نمسه در وقتی که ملاقات کرده یکدیگر را
تانکروک در این شهر اسکندر امپراطور روسیه چهار سال قبل
وفات کرد این شهر در کنار بحر سیاه واقعست و لنگرگاهی خوب دارد
که هیچوقت از کثرت سفاین متردد خالی نیست بیان پنجم در
ذکر ولایت مملکت روسیه شرقی خوانده شود چه در شرق ولایت
روس واقع است و آن عبارت از هشت ایالت است شهر مشهور

غازان در قدیم پای تخت سلاطین تاتاریه بوده مدرسهٔ نیکو دارد
اکثر محصولات انجا است مرکز تجارتیکه تاتاریه را با اهالی اوروپا است
میدهد در وسعت و زینت اشتهاری دارد آشتراخان این
شهر نیز در ایام سلف تختگاه پاره از امیران و سلاطین تاتاریه بوده است
اغلب منافع و مداخل ایشان در بیع و شری پوست خز و سمور و غیره است
و ماهی بسیار نیز از دریا بر آورده میفروشند دربند در کنار
بحر اسپر واقع و مکمن و موقف خلیفه هارون الرشید بوده است
چرکز شهریست در طرف جنوبی استرکان واقعست شهری
حسن خیز است دختران و پسران خوش سیما دارد دیگر شهر میک
سیرآطو هر سه شهری دارند بیان ششم در ذکر ولایت روسیه
مغربیه در سمت غربی ممالک ایشان واقعست این نیز عبارت از
هشت ایالتست شهر مشهور همه اینست ویلنا گرودن منسک
چونمیر بیان هفتم در ذکر ولایت روسیه که عبارت است از جزایر

که مشهور از آن جزایر اینست جزایر اسپیتسبرگ جزایر
نیوزامبل جزیره وایگاتس جزیره کلگیف جزیره آلاند
جزیره داگو جزیره اوزل و سوای آنچه ذکر شد دولت روسیه نیز
در تصرف روسیه است باب دویم از مطلب دویم در ذکر ولایات
دولی که در ما بین شمال و مغرب اقلیم اروپا واقعست و دارای
نه فصلست فصل اول در ذکر ولایت دولت فرانسه
و ضبط حدود آن ممالک فرانسه متصل است جانب شمالش بدریای
انگلتره که شعبه از بحر محیط غربیست و فاصلست میان انگلتره
و فرانسه و از طرف شرقی به بحر سفید نیز خلیج از البحر محیط غربی است
و از سمت غربی بمحیط غربی و از جنوب ببحر سیاه ساحت آن مملکت
عموماً هموار و مسطح و خصوصاً در سمت شمالی و غربیش تلال و جبال
صغار و در طرف جنوبی و شرقی ان کوههای عظیمه مسلسله متساویه
بعیداً واقع و کشیده است آب و هوای این ولایت کلیتهً

معتدل و نافع و جانب جنوبی اند که کمتر از سایر جوانب و در
طرف شمالی او ثمرهای فواکه و وقوع اثمار کمتر خصوصاً انگور و شراب انگور
که کمیاب و نایابست در ولایات متوسطه زراعات و غلات موفور
و اکثر از اثمار متعلق بلاد معتدلة الهواست سیما انگور نا محصور
و در طرف جنوبی حبوبات و غلات اکثر زیاده و نیشکر و انگور بسیار
اراضی این ولایات عموماً مثمر و محل زراعت و کثرت محصولاتش
در غله و نیز اقسام سبزیجات مثل نعناع و ریحان و کندنا و غیرها
تربی و بستانهای بجید و کتان و قصب و تنباکو و انگور و کوکنار و میسر
وافر چنانکه از خوبی و کثرت بیع شرابش میخانه چهار اسقع در هر سال
بدیوان مقرر است که میدهند از جنگل و بیشه‌هایش اخشاب
بسیار چه در و کران و سفاین و ضروریات عمارات و سوزاندن
حاصل میشود انواع حیوانات اهلی و وحشی مأکول اللحم و غیر مأکول اللحم از
بوقلمون و ماهی بسیار است لحوم آنها را در ذائقه چندان لذتی نباشد

عموماً

عموماً در این مملکت نحل عسل متکاثر و در ولایات جنوبی‌تر کرم
ابریشم بعمل آید در این مملکت نیشکر نوعی عظیم و قریب پنجاه هزار
رنگرزخانه کوچک جاریست که از آنها مداخل و منافع بیشمار بهر
بلده و دیار عاید میشود زیاد است در آنجا معدن زغال که بجهت
کوره‌ها بکار میبرند و معدن آهن و سرب و مس و نقره و سنگ مرمر
که در عمارات مصرف میشود متعدد و زیاد است در آنجا
معدن آب گرم محصولاتش که باطراف خارج فروخته میشود
شراب و عرق و روغن و غله و نمک و روغن زیتون و دیگر اشربه
و قماش ابریشمی و شال پشمینه و کاغذ خوب و انواع الوان
که نقاشان و صباغان الوان کار بکار برند در این ولایات عمل ساعت
دو رو کمری زیاده متداول است کتاب و میز و صندلیش در هر جا
رفته بفروش میرسد و نیز مجموعه و قهوه‌جوش آهنی و بلور و بارچه قطن
و استکان و ملبوس دوخته اکثر در هر بلد فروخته میشود مخلوق و پشم

شصت و هشت کرور است دولت ایشان را پادشاهی نباشد
و جمهوری صرف است و از هر ولایت وزیری که مختار علیه عامه رعیت باشد
در پای تخت دولت حاضر و ایشان یکی را بر خویش ریاست داده ناظر
اعظم قرار داده نظم امور ملکی و دولتی را مجلس دهند مذهب
اکثر و اغلب اهالی این دولت قاتولیک عیسوی است و از سایر
مذاهب نیز در آنجا هست ایالات این ولایت اولاً هشتاد
و پنج بوده تا زمان دولت ناپلیون که در جزیره کرسیقه نشو و نما داشته
بعد از استیلای وی بر این مملکت آن جزیره را نیز بر آن
ضمیمه کرده هشتاد و شش ایالت شده که ذکر آنها در پنج تفصیل باید

تفصیل اول در ذکر ایالات و ولایاتی که در طرف شمال
ولایت دولت فرانسه واقعست و آن عبارت از هفده
ایالتست اول ایالت سن انفریر دار الاماره روان
شهر مشهور دیاب و حوزه این دو شهر محل تجارت و جای تجار

و مرکز سواد شود و در هر یک لنگرگاهی قابل واقعست دویم ایالت
عرن دار الاماره اورو سوم ایالت کالوادوس دار الاماره
کاین چهارم ایالت مانش دار الاماره سنلو شهر مشهور شربورغ
از خود لنگرگاه این شهر در ولایت فرانسه بنای اول است پنجم ایالت
عرن این شهر نیز لنگرگاه بنای دولتیست دار الاماره
الانقن که این نیز بنای اعظم است ششم ایالت سارت
دار الاماره همین که خالی از حصن نیست هفتم ایالت پادکاله
دار الاماره ارس شهر مشهور بلینلث شهری معظم و بسیار قوی
محکم جای تجارت و منافع و لنگرگاهی جهة سفاین تجاریت در او
واقعست [illegible] نیز شهری عظیم است هشتم ایالت نرد دار الاماره
لیل شهر مشهور [illegible] دونکارک نهم ایالت سن پای تخت پاریس
که سوای این عظمت و حصانت در این ولایت بلکه در سایر ولایات
کمتر یافت شود دهم ایالت سن و واز دار الاماره ورسای

یازدهم ایالت سنتاژن دار الاماره بلان دوازدهم
ایالت اتن دار الاماره لائن سیزدهم ایالت اواز
دار الاماره بوئز چهاردهم ایالت اب دار الاماره
پانزدهم ایالت کلمارن دار الاماره شمان شانزدهم
ایالت مارن دار الاماره شلان شهر مشهوریست هفدهم
ایالت اردن دار الاماره مزیر شهر مشهور سدان شهر
معظم و محکم و با عظمت و اشتهار است تفصیل دویم در ذکر
ایالات و ولایاتی که در سمت شرقی ممالک فرانسه واقعست و آن
مشتمل بر پنج ایالت است اول ایالت مرت دار الاماره
نانسی دویم ایالت ورژ دار الاماره اپینال سیم ایالت
موز دار الاماره بارلدک چهارم ایالت مزل دار الاماره
متز پنجم ایالت بارن دار الاماره استراسبورغ ششم ایالت
هرن دار الاماره کلمار شهر مشهور ملهوز هفتم ایالت دوبس

دار الاماره

دار الاماره بزانسان هشتم ایالت هوت سان دار الاماره
وصول نهم ایالت ژورا دار الاماره لانس شهر
مشهوریان دهم ایالت قطدر دار الاماره دیژن
شهر مشهوریست یازدهم ایالت یان دار الاماره اکسر
دوازدهم ایالت سنلوار دار الاماره ماکن سیزدهم
ایالت ان دار الاماره بور چهاردهم ایالت رن
دار الاماره لیون پانزدهم ایالت لوار دار الاماره
منبریزن شهر مشهور سنتطین شانزدهم ایالت ایزر
دار الاماره گرنابل شهر مشهور سوالری که موضع لشکرگاه
است هفدهم ایالت درام دار الاماره والانس
هیجدهم ایالت هطالپ دار الاماره گاپ شهر مشهور
بریان تفصیل سوم در ذکر ایالات و ولایاتی که
در طرف جنوبی ممالک فرانسه واقعست و آن مشتمل بر

ایالت است ۱ ایالت باسالپ دارالاماره دینیك
۲ ایالت وار دارالاماره دیراکینیان شهر مشهور تلون
لنگرگاهی خوب مال دولت مخصوص لیمانهای حربیه ۳ ایالت بشدورن
دارالاماره مارسیل لنگرگاهی معتبر در روی واقع و آمد
وشد تجار و زوارق تجارت در آنجا شایع است شهر مشهور
اکس ۴ ایالت حدگران دارالاماره تلوز ۵ ایالت
تارن دارالاماره آلبی شهر مشهور قاسطر ۶ ایالت اد
دارالاماره کارسان شهر مشهور ناربن ۷ ایالت هرو
دارالاماره مانپلی شهر مشهور زبزیه ۸ ایالت گارد دارالاماره
نیم ۹ ایالت لزر دارالاماره مانت ۱۰ ایالت حدلوآر
دارالاماره پوئی ۱۱ ایالت اردش دارالاماره
پریواس ۱۲ ایالت پرنه اوریانتل دارالاماره
پرپنیان ۱۳ ایالت آوژ دارالاماره فوا ۱۴ ایالت

باسپرنه دارالاماره پو شهر مشهور بیان ۱۵ ایالت ژیراندن
دارالاماره بردو ۱۶ ایالت دردونك دارالاماره
پریگ ۱۷ ایالت لطیگران دارالاماره آژن ۱۸
ایالت لت دارالاماره قاهر ۱۹ ایالت آویران
دارالاماره ردز ۲۰ ایالت تارنگران دارالاماره
منطابان ۲۱ ایالت لند دارالاماره ماندمرسان
۲۲ ایالت ژرس دارالاماره اك ۲۳ ایالت
حطپرن دارالاماره طرب شهر مشهور پرلوی که
لنگرگاهش مخصوص کشتیهای تجارت است تفصیل سوم
در بیان ایالات و ولایاتیکه در جانب غربی ممالک
فرانسه واقعست وآن مشتمل بر سیزده ایالت است
۱ ایالت شراب الفریر دارالاماره رشل شهر مشهور رشفار
سنت ۲ ایالت شارانت دارالاماره انگولم

۳ ایالت وین دار الاماره پواطیه ۴ ایالت
دسور دار الاماره نیار شهر مشهور کردواذ ملت که تجارتش
نیک و سولوش نحو پنوپ است ۵ ایالت واند
دار الاماره بربان وانده ۶ ایالت ایلویلن دار الا
رن ۷ ایالت لوار انفریر دار الاماره نانت ۸
ایالت مربیهان دار الاماره وان شهر مشهور لوریان
۹ ایالت فینیستر دار الاماره کمپر شهر مشهور برست
که در کنار دریاست ولنگرگاهش مخصوص کشتی جنگی است
۱۰ ایالت کتدنار دار الاماره سنبریوک ۱۱ ایالت
منکوار دار الاماره انژه ۱۲ ایالت سارت دار الا
مانس ۱۳ ایالت ماین دار الاماره لوال شهر مشهور
رشوار تفصیل پنجم در ذکر ایالات و ولایاتی که در
وسط ممالک فرانسه واقع است و بعضی از جزایر متعلقه

باین جهالت اما ولایات متوسطه عبارت از پانزده
ایالت است ۱ ایالت لوار دار الاماره ارلیان ۲
ایالت لوار شر دار الاماره بلوا شهر مشهور طولاه
لنگرگاهی مخصوص بسفاین تجارتی دارد ۳ ایالت ارلوار
دار الاماره شارتر ۴ ایالت نیعور دار الاماره نور
۵ ایالت عالیه دار الاماره مولن ۶ ایالت پویدوم
دار الاماره کلرمان شهر مشهور بام ۷ ایالت کانتال
دار الاماره اریلیاق ۸ ایالت هت وین دار الا
لیماژ ۹ ایالت کرز دار الاماره تل ۱۰ ایالت کرز
دار الاماره کره ۱۱ ایالت شر دار الاماره بورژ ۱۲
ایالت اندر دار الاماره شاطر ۱۳ ایالت اندر لوار
دار الاماره طور ۱۴ ایالت داکلز دار الاماره اونیان
۱۵ ایالت جزیره کرس دار الاماره اژارسیان

شهر مشهور باستیا اما جزایر منها جزایر اودستان
که متعلق است با ایالت فینتز جزایر کروادو جزیره ملیل
که منوط و مربوط است با ایالت مزبوران جزایر یونار
موطیه و جزیره دیو که ضمیمه ایالت واندهاست جزایر
و جزایر الیوانی مخصوص و منسوب با ایالت شارانت
انفریورست جزایر مذکوره از ایالت وار محسوب میشود

فصل دویم از باب دویم از مطلب دویم از کتاب
جهان نما در ذکر ولایت و ایالت دولت بلجیقا

و بیان حدود آن مملکت بلجیقا متصل است بسمت شمال
آن به دولت فلمنک و بحر محیط شمالی و طرف شرقیش بممالک
المانیه جرمانیه و جانب جنوبیش و غربیش بممالک فرانسه
اصل وضع ولایتش بحسب طرح نوعیست که اکثر مملکتش
ساحتش تنگ و پهن و هموار و معاری از تلال و جبال است

از اضیش میشمر و مزارع و غله خیزست در آنجا معدن
زغال و آهن و سنگ مرمر متعدد است و کتان و قصب
خوب بعمل آید و کتاب بابسمه و غیره در آنجا بسیار است
و تجارتش ماورای قیاس زیرا که در میان ولایات
آن و سایر دهها و شهرها رودهای عظیم روان گشته در آن عبور کشتیها
میشود و راحت و لهذا سهولت آمد و شد موجب زیادتی
تجارت است و نیز راههای آهن در میان همه معمورها
دارد کرباس پنبه و ماهوت و شال و کتوپا بافته میشود و چرم
و دباغ خوب ساخته اسلحه حربیه اکثر در هر جا رفته بفروش
میرسد صنعت نقاشی در آنجا متداول و نقاشانش بدرجه
۷ کرور اعلی کاملند مخلوقش هفت کرور و مذهب اهالیشان
قتالیک عیسوی است این دولت را ایالتهای غیر
مستقلست که بممالک و هوا بدیه مشترک ممالک کار بندد

چنانکه دولت انگلیس لسان اکثری از مردمش لسان فرانسه
و از سایر السنه نیز در آنجا یافت میشود ولایات این دولت
نه ولایتست اول ایالت برابانت پای تخت بروکسل
شهری بزرگ و زینت و رونق و بناهای معتبر است خلقش
یکصد و شش هزار نفر پای تخت دولت و مجلس مشورت ملک
آنجاست کارخانه بافت بسیار متعدد و عراده سازی در آنجا
بوفور شایع از اینجا تا شهر آنورس راه آهنی کشیده
بسته اند شهر مشهور لوون خالی از طراوت نیست دویم ایالت
آنورس دار الاماره آنورس شهری عظیم بهری است خلق
آنجا هشتاد و سه هزار نفر قلم آمده قلعه و حصارش بلند
و استوار و لنگرگاهش بنیکوئی برقرار ارباب عساکر
در هر فن با هر کمال و عمل کشتی سازی در آنجا معمول و متداول
است شهر مشهور مالین که زد الکوا این شهر قلعه متین و حصار

حصین

حصین با استواری و خوش طرحی کشیده اند سوم ایالت
لیژ دار الاماره لیژ خلقش پنجاه و هشت هزار نفر است
در اینجا کارخانه آهنگری هست آلات حربیه را نیکو
سازند و کارخانه توپ ریزی در حوالی این شهر دایر است
موسوم لسبرینگ ساختن چرخ کشتی در خرج مخصوص با نجات
چهارم ایالت نامور دار الاماره نامور شهری که بحصانت
و متانت موصوف و معروف است پنجم ایالت هینوز
دار الاماره مانس در این شهر معدن زغال بسیار است
ششم ایالت فلاندر مغربی دار الاماره بروژ شهر مشهور
استند (نیوپرت) کرتره هر سه خالی از عظمت نیستند
هفتم ایالت فلاندر شرقی دار الاماره کاند هشتم
ایالت لیمبور بلجیقائی دار الاماره حسیلت نهم
ایالت لکسنبورغ دار الاماره آرلان شهر مشهور لوکزن

سواری بسیار است مدرسهٔ بزرگ دارد و ماء الشعیر را نیکو
ترتیب میدهند و قریب بدرانجا کارخانهٔ ماهوت بافی
بسیار است کاغذ هشتاد و چهار هزار جمعیت دارد و کرباس
پنبه را در آنجا خوب استنساج کنند فصل سوم
از باب دویم در بیان دولت فلمنک و مملکت ایشان
که اولاند هم گویند و ذکر حدود آن مملکت فلمنک
از سمت شمالی متصل است بابحر منجمد شمالی و از طرف شرقی
و جنوبی بحکومت اتحادیهٔ جرمانیه و از جهت غربی
بدولت بلجیقا و بحر محیط شمالی ساحلش در کمال همواری
و از [illegible] و [illegible] جاری برکه و دریاچه و غدیرش بسیار غالب
اراضیش باطلاق و بعض امکنه اش منتن یا حین و از [illegible]
آب و هوایش رطوبی و نمناک و غالب محصولاتش روناس
و تنباکو و کرباس و پنبه و کاغذ است که در آنجا کاشته

و باقه

دباغه و ساختن جوهر شنگرف و سفیداب و سرنج را
نیک سازند و شوره و بوره را خوش بعمل آرند پنیر و روغن
نیکوی پیشتر تجارت دارد و [illegible] بیشتر و الحال
کمتر آباد و در نفع و کوهمجان معتبر است مخلوقش پنج کرور
دولتش را یازده ایالت مشهور است اول ایالت
دار الامارت فلمنک پای تختش امسطردام شهری است
در این ولایت عظیم و بنائی قایم و قدیم مدینه ایست زیبا در
که در تمام فلمنکستان شهری بدین زیبائی و خوبی نیست و
مخلوقش دویست هزار نفر بقلم رسیده لنگرگاه عمارت
دارد که جای هزار کشتی بیش است شهر مشهور هرلم
غالب اوقات محکوم این شهر از پیاز و گل است که شهر دیگر
لاهه اینجا را نیز پای تخت گفته و شمرده اند چه گاهی
اوقات پادشاه را در آنجا روزگار بسر میشود

عدد السد

پنجاه و پنج هزار نفر تخت شهر کادطرادم خلقش هشتاد و دو هزار
نفر و بنایش نحو پا شهرت دوم ایالت زلاند که عبارت
از چند جزیره است دار الاماره متلبورغ شهر مشهور
فلاسینک سوم ایالت برابانت شمالی شهر مشهور
بوالدوک پروا برآیشن مدرسه شهر اعظم بیشد چهارم
ایالت اطرج دار الاماره اطرج در این شهر محکمه خوب
و ممتاز هست پنجم ایالت کلدر دار الاماره آرنهین
شهر مشهور نیک ششم ایالت روریسل دار الاماره
عرقول شهر مشهور دونظر هفتم ایالت پیمنت دار
الاماره اسن هشتم ایالت کرنیک دار الاماره
کرنیک مدرسه اش معظم و برج و باره اش عالی و مستحکم است
نهم ایالت فرینی دار الاماره لوردن دهم ایالت
لیمبورغ فلمنک دار الاماره لکسنبورغ قلعه و حصارش

در استحکام

در استحکام شهرت تمام دارد لیکن خلقش پنجاه و پنج هزار
نفر است از آثار مدرسه بزرگ دارد دهم دهیچ شهر
متین است برج و باره محکم دارد **فصل چهارم**
از باب دوم در بیان ولایت دولت آلمانیا و ذکر
ایالات و ضبط حدود آن دولت آلمانیا عبارت از
دولت و ایالت چند است متحد که همه را دولت اتحادیه
جرمانیه گویند مملکت ایشان متصل است جانب شمالش
بولایت فلمنک و هانور و طرف شرقی و جنوبیش
بممالک آوسریا و مجارستان نیز گویند و بسمت غربیش
بممالک فرانسه سخت بلاد این مملکت اکثر هموار
و ناهمواری متفاوت است در بعض ولایتش کوه های عظیم و
عریض چنانکه گشته در او کارها کرده اند بسیار است و در
اکثر در وسط واقع است جبال سلسله عظیمه با تمام فتح

لیکن کشتزارهایش است بوفور واقع و در جهت جنوبیش
بیشه و جنگلهای عظیمهٔ بیحد و شمار است از اشجارش مزارع
و مشمر است انواع فواکه و اثمار و ریاحین و از معادن طلا
و از نقره و حبوبات و ابزار در آنجا زیاد یافت میشود
آب و هوایش بکلی معتدل و اندک مرطوب در مملکتش فقط
قریب سی و هشت کرور است ملل همه بمذهب از عموم سکنهٔ با انضمام
پارهٔ از اوستریا قاتولیک عیسوی و نیم دیگر با پارهٔ از پروسیا
پروتستان و نیز قسمی از ملت علیحده یهودیند همه ولایات
متحده که دولت معاهده و حکومت اتحادیه جرمانیه گویند
عبارت از سی و هشت دولت است که هر دولتی از
پادشاهی غیر مستقل است که با مجلس در اجرای حکم با مور
کوشند و در خیر و شر همه این قرالات باهم هم عهد و متفق
و متحدند و ما جمله اختصار چند دولت و ایالت و ولایات
از آن

... کرور

از آن جمله گوییم اول پاره از دولت پروسیاست
و ایالات و ولایات آن که داخل در این انعقاد و اتحاد
است دوم پاره از ولایات دولت نمسه است در این
معاهده داخلند سوم دولت سقسونی پای تخت آن
درسدن شهری نیکو و خلقش نجیب و بیزار از نفر
نیک است شهر مشهور در این دولت لیپزیک بازار
بغایت وسیع و مدرسه که دارد محکم و رفیع است
شیمنیتس که حرفه اش با امتیاز نسج کرباس نیز اشتهار
دارد فرایبرگ در اینجا معدن نقره فقط اعلی یافت میشود
باتوتزن گویند فرنگیها در این شهر روسیه را شکست
فاحش دادند چهارم ایالت هنوور دار الملک
هنوور شهر مشهور آمبورغ این شهر محل تجارت
و اکتساب کمپانی است مدرسه و کتابخانه

لهستان

ولایت کلستنتل در اینجا است بهترین معدن
سرب و نقره این ایالت لنمبورغ پنجم ایالت باویر
دار الاماره منسک شهری با رونق و عظمت است خلقش ما الـــــه
موازی یکصد هزار نفر است از آثار منیعه مدرسه و کلیسا
و مهندسخانه خوب دارد کارخانه صنایع متنوعه در آنجا
متعدد است شهر مشهور اکسبورغ شهر دیگر نورمبرق
درین شهر نیز کارخانه صنایع متفاوته بسیار است
خصوصا صاحبان صنایع اسباب و آلات خرازی و نیز
کارخانه دیگر دارد در عمل استادان این کارخانه منحصرا
بساختن آلات لعب و بازی کودکان کوچکان از چوب
که کوچکان و طفلان بدان مشغول دارند و نیز آلات
دیگر مثل مهره شطرنج و نرد و غیرها و غیر از اینها در تمام دنیا کار
دیگر نکنند صنعت درودگری و نجاری را در این ولایت

باو

با عزت و میز و صندلی و سریر و کرسی و سایر اسباب خشبیه در آلمان
بغایت ارزان است چه اماکن اطراف و جوار آن جنگلها
و صحاری کثیره دارد و طی شدن لطف البساط از زراعت و دهاقت
و کارهای صحرائی شهر آن هم شغل عمل نجاری شوند و اغلب درین
فن صاحب تسلط و مهارت هستند درین شهر مقارن سیصد و بیست سال
قبل ازین شخصی پیرهل نام مخترع ساعت و عجیب سازی
شد و در اول ظهور کسی در سایر بلاد و شهور از ساعت جیبی نگفته بلکه
بیضه نورمبرق می گفته اند تا بروز به این اسم موسوم و مشهور شد
ورتسبورغ اسپایر ششم ایالت و رتمبرغ دار الاماره
اشتتکارد است هوایش خوش و خنک است پادشاه
هنگام تابستان از این شهر به ییلاقیت لسبرغ میرود
لوبرغ بود هوایش معتدل و مایل بگرمی و در قصد ریشلد
قشلاق و جای آسایش سلطانت علمی در خوب طرح و زیبائی

شهر مشهور و بهرست کلیسا و مسجد جامعش جامع وسعت
و عظمت مطابق چهل و چهار سال پیشتر از زمان حال اهالی فرانسه
انجا را تسخیر و سی و شش هزار موشر را اسیر و دستگیر نمودند بعد از زوال
قرار دستیم در عرصه قبیل این بعزم تسخیر در آنجا لشکر کشیده
موش را شهر و حصارش را محاصره کرده باهل قلعه پیغام دادند که
هرگاه آسایش و سلامت را طالبید قلعه را تسلیم کنید والا بعد از
تصرف بقهر و غلبه و وقوع جدال طایفه رجال را اسیر
و ذوات الی طفل خود را طعمه شمشیر جان شکار و اثاثه جمهور
ناس نصیب لشکریان نصرت آثار خواهد شد اهالی قلعه بعد از
شنیدن این خبر سراسیمه گشته از عناد و خصومت آن پادشاه
سخت اندیشه ناک شده در فکر چاره کار افتادند بالاخره
نوشتن از اراده آن طلبیده رحمتش مسئلت نظر میر مظفر اولاد در
اشفاق و هتک پرده عصمت زنان بنجه و عزم تاراج اشان

نموده

نموده رخصت دهند تا این عاجزان اسباب خود را برگرفته
از شهر خارج شوند پس از آن هر نوع با خود آن سلوک دارند
مختارند بعد از جواز رخصت طایفه زنان تمامی اموال و عید
و محبوبان و پسران خود را در جوف صندوق و میان بارها
پنهان کرده از شهر بیرون رفتند الا معدودی قلیل از مستحفظین قلعه
دیگری بر جا نماند امیر بعد از افتتاح کسی را در قلعه نیافت
چون در ماندن صرف نمود ناچار بدیار خود شتافت اما در کمال
که در این انعقاد و خدمت آن شیخ دو کاتولیک پا دار الامان
قاد لشرق شهری زمکین و مجمع ارباب صناعت شهر مشهور
باد در اینجا آب گرم معدنی و فوره دارد و هیکل از معظم
مشهور است و مدرسه بزرگ دارد و ما بین حصار محکم داد
کاتولیک ترا بزرگ عظمت شیخ ده کاتولیک و ایالت لکسنبور
در تصرف پادشاه فلمنک است شیخ ده کاتولیک ایالت

هستند از شتاد دار الاماره دارمشتات شهر مشهور هانوفر
از جمله شهرهای مستحسن که در ولایات معاقده همشیه این است
در این شهر شراب ممتاز بعمل آید و اینجا است موطن و مولد
گوتنبرگ مخترع و موسس باسمه خانه شد دوازده سال قبل از این
جهت اینکه نام او از صفحه عالم محو نشود صورت و سکه بزرگ از
برنج بشباهت وی ساخته در میدان این شهر بر پای داشته اند
یکی در کالیک سقت و بیار دار الاماره و بیار یکی در کالیک
الدنبور دار الاماره الدنبور شهر مشهور فرانکفورت الماین
هر خلقش شصت هزار نفر است در این شهر دو روز عامه بازار
شود در هر هفته هر از اطراف و بلوک جمع شوند و شود در انجا بیع
آید یکی در کالیک مکلنبورک استریلیس دار الاماره استریلیس
یکی در کالیک هسن دار الاماره قاسل عمارت تجارت است
در حوالی این شهر عمارت عالیه تفرجگاه سلاطین است و دامن آن است

بسیار

یکی در کالیک هلستین که در تصرف دولت دانمارقه
و در معاقده است یکی در کالیک لکسمبرگ دار الاماره لکسمبرگ
که نیز در تصرف دانمارقه است یکی در کالیک برنسویک
یکی در کالیک سکس گوتبه دار الاماره گوته یکی در کالیک
ناسو دار الاماره ویسبادن که عظیم دالی یکی در کالیک
ملکنبورک شورین دار الاماره شورین شهر مشهور و نیز بادن بادن
بود از آب گرم معدنی داشتن شهرت دارد و نیز علاوه
بر آنچه گفتیم چند حکومت دیگر در این اتحاد داخلند که آنها را
پرنس ایالات گویند یعنی شاهزاده که شاهزادگان در آنها
حکومت دارند فصل پنجم در بیان دولت پروسیا
که پاره از آن داخل در معاقده همشدستا است ولایت این
دولت بالکلیه هموار و در بعضی اماکنه اش تل وجود داشت
حدود آن متصل است از سمت شمال ابحر بالطق و طرف شرق

بممالک روسیه و جنوبش بدولت اوستریا و مغربش بمملکت
اتحادیه جرمانیه دراین ولایت رودهای جاری فراوان
و اراضیش ناهموار و لم یزرع و ریگزار الا در بعض امکنه اکثر
که زراعت و فواکهش خوب میشود لاکن اهالیش از قدر کفاف ولایت
نیست پادشاهیش غیر مستقل و مجلس کار میکند در آنجا معدن
زغال و آهن وافر و صاحبان صنایعش با حذاقت مشهورند و نسج
اقمشه ابریشم و ترتیب اسلحه حربیه و کسب تجارت در آنجا شایان
و متداولست مخلوقش بیست کرور و مذهب ایشان ممالک کرور
لوتران عیسوی است که نوعی از پروتستانت و همه این ممالک
عبارت از هشت ایالت است اول ایالت براندبورغ
دار الاماره برلین شهری بزرگ و عظمت دارد و خلقش دویست و در ملکت السه
چهل هزار نفر پایتخت دولت و محل سکنای سلطان
و از جمله مشهورات لکن فرنگستانست در آنجا عراده و ظروف

برنج

چینی و بلور و بارفطن را نیکو سازند شهر مشهور فرنکفورت
ستورگاد بازارش نیک و معظم و دولتمندش خوب
و تجارتش زیاده است برفند بود در آنجا معلم خانه
رسوم و آداب سپاهگری که تعلیم سپه دهند و قاعده لشکریان
ده السه قواعد نحو را در آنجا آموزند ماکدبورغ خلقش پنجاه و سه هزار
نفر و صاحب برج و باره محکم و معتبر است حلّه مدرسه
عالی دارد و شهیر سلینگن کارخانه سلاح سازیش بسیار و بی نظیر است
خنجر و شمشیر است البرفلد منافع و تجارتش بی شمار است
پطسدم عمارات عالیه دولتی در آنجا واقعست دویم ایالت
لی السه سیلزی دار الاماره برسلو خلقش نود هزار نفر و بکوچه
طرح و کثرت منفعت شهر دویم پروسیاست سوم
ایالت پمرانی شهر مشهور استطین جدا از متانت بیشت
اسطرالسنت بنای حصین و دو نواز و صاحب لنگرگاه

ممتاز است چهارم ایالت سکس دار الاماره مقدبورغ
شهر مشهوری است قوت سوادش معظم و قلعه و حصارش محکم است
در حوالی او دهی است گویند در آنجا پادشاه پروسیه فردریک
نام در یکصد و شش سال پیش بر این عهد دولت فرانسه را شکست
داده است و نیز در نزدیک او قصبه ایست لتسن دویست و نوزده
سال قبل بر این پادشاه اسوج گستاو آدلف در اثنای محاربه
که با دولت آلمانیا داشته مقتول و عالم فانی را بدرود گو
و نیز در سی و شش سال پیش از این اهالی فرانسه در آنجا قشون
روسیه و پروسیا را شکست داده اند پنجم ایالت وستفالی
دار الاماره منستر ششم ایالت رن شهر مشهور کلنی
خلقش شصت و پنج هزار نفر است دوسلدف شهری عظیم و
با صنایع و در کنار شهر رن واقع است کبلنس خالی از صنایع
نیست اکس لاشاپل معدن آب گرم در آنجا متعدد است

این شش

این شش ایالت از دولت پروسیا در انعقاد حکومت
اتحادیه جرمانیه داخلند هفتم ایالتی که اصل پروسیا نامند
پای تخت کنیکسبرغ شهری است جای تجارت و صنایع
خلقش شصت و هشت هزار نفر است شهر مشهور دانتزیک
خلقش شصت و دو هزار نفر و لنگرگاهش ممتاز و معتبر است
عرق خوب در آنجا بعمل آرند هشتم ایالتی در عبارت از
دوکالیک پزن است دار الاماره پزن شهر مشهور
طرون موطن کپرنیک نام منجم است که بحرکت ارض
قایل بوده و در فرنگستان اثبات مدعا را باقامه ادله
و براهین واضحه ثابت کرد چنانکه بادی نماند این دولت
از دولت پروسیا در معاهده نیست و علیحده دولتی میباشد

فصل ششم در بیان دولت پلاک و ایالات
ولایت آنست و ولایات آن در میان حکومت

اتحادیه واصلا از اوستریا است و قسم دویم آن محسوب میشود
این مملکت از غایت تسطیح و همواری مشابه است بمیدان
وسیعی که بهیچوجه در آن تلال و جبال وقوع ندارد و در این خصوص
المثل است پاره از اراضیش باطلاق و بعضی جنگل و منبت
اشجار آب و هوایش اندکی معتدل و ملایم و زمینش مثمر
و عمل زراعت غلاتش نیکو و تنباکوی خوب در آنجا موجود
معدن آهن متعدد دارد یک قسم از ولایاتش کالیسی گویند
پای تخت این دولت شهر لنبرگ است جمعیتش شصت هزار السه
نفر است و تجارتش نیکو و معتبر تمام این جا است عبارت
از هشت ایالت است منها ایالت پاره از پلونیا
که در اول دولتی علیحده بوده و آخر بواسطه منازعت و ضعف
که در میان بزرگان و روسای آن دولت اتفاق افتاده در استقلال
و اضمحلال یکدیگر جاهد و ساعی بوده اند دولت روسیه و پروسیا
دولت

ثلثه و صحت غنیمت دانسته از سه طرف بر سر آن
تاخت آورده بعد از قتل و غارت آن ولایت را مسخر و
متصرف شدند بالمثالثه قسمت کردند بالجمله بواسطه کثرت محصولات
و زراعات و وفور نعمت از هر گروه خلق انبوهی در آنجا گرد
سه کرور آمده و حالا مخلوقش قریب هشت کرور است و پادشاه
ایشان روس و مذهب اکثری از ایشان قاتلیک عیسوی
است و یهود نیز در آنجا بسیار است شهر مشهور و قدیمی
مامه السه این شهر پای تخت این ولایت متجر و متمول خلقش یکصد
و پنجاه هزار نفر است لوبکن در قدیم شهری عظیم و الحال
از آن رونق افتاده و منها ایالت قراقوی در جمهوری که تحت حکم
و در حمایت اوستریا است و مسکو و پروسیا است شهر مشهور
قراقوی پیش از پای تخت شان و در سوی آنجا پای تخت
ما السه بوده خلقش یکصد هزار نفر است سانلومیر شهری دلپذیر

فصل هشتم در بیان دولت خونکاریه که مجار نیز گویند

این دولت نیز در معاقدهٔ حکومت اتحادیه داخل است
و قسم سوم آوسریا شمرده میشود تمام ولایات خونکاریه
پنجاه و دو قسمت گشته اند و هر قسمی را کانته گویند یعنی خانی
که حکومت و ریاست هر قسم با خانی است و کلیهٔ در تحت
تصرف دولت آوسریاست مملکت خونکاریه اکثر مسطح
و هموار و کوهستانش اندک و جنگلش بسیار است
ارضش منبت گیاه و علوفه حیوانات و زرع حبوب
و زراعات معدن طلا و نقره و نمک و نحاس و سنگهای ثمین
و مس و ارزیز بسیار دارد پادشاهش غیر مستقل و جمیع ولایتش
عبارت از پنج ایالت و چند جزایر است اول ایالت
ولایت اصل خونکاریه که زیر هم نیز گویند پای تختش بلک شهر
زیبایست و در میانهٔ آن و شهر پست رودی عظیم واقع است در

بار

بار آن پلی محکم بسته اند شهر مشهور پست نفوسش شصت هزار
نفر محل تجارت و جای تجار و در جنب آن شهری خونکاریه نیز دارد
پرنبود کرمنیتس و شمنیتس که بعلت بعض معدن
طلا و نقره شهرتی دارند کماورن و دبرسوار و پرشتین
پطرواردین دوم ایالت اسلاونی و دار الامارهٔ
سوم ایالت کرواتی دار الامارهٔ آگرام چهارم
ایالت طرانسلوانیا دار الاماره هرمانشتد شهر
مشهور کلوسبورگ و کرنستد پنجم ایالت دالماسی دار الاماره
زاره شهر مشهور اسپالاتو راگوزا سبنیک قتارو اما
جزایر که آنها را جزایر ایلیری گویند منها جزیرهٔ کرستان
و جزیرهٔ دلماره در حکم ایالت دالماسی و از ولایات آن
محسوب میشود شهر مشهور طریستت لنگرگاهی ممتاز خصوص
بجهت تجارت است لاینباک در طرف جنوب آن

دریاچه و غدیری وسیع و عظیم واقعست که در عرض سال همه در
آنجا صید و شکار ماهی کنند و هم کشت و زرع نمایند چنانکه
گاهی آب او فرو رفته و خشک میشود و گاهی باز از آب طغیان کرده
بر می‌آید و آباد میشود **فصل هشتم** در بیان حالت آوستریا و ولایات
آن محدود و متصلست از طرف شمال بولایت پروسیا
و جانب شرقیش بولایات روسیه و سمت غربیش بولایات
ساردنیا و جهة جنوبیش بممالک عثمانیهٔ اوروپائی دولت
آوستریا را نمسه نیز گویند و او مرتب از چهار ایالت است
اول اصل نمسه که داخل در معاقدت و حکومت اتحادیه
است و پاره از آن خارج و بنفسه مستقلند دویم پاره از ایالات
پولاک که مرقوم کلک بیان گردید سوم دولت خونکاری که نیز
بیانش گذشت **چهارم** پاره از ولایات آلمانیا که ایتالیا
نیز گویند و ذکر آن بیاید مخلوق هر چهار دولت

[illegible]

گفته میشود شصت و چهار کرور است و اصل مذهبش کاتلیک
عیسوی است در انجا متداول و معمول است پادشاهش مستقل
و بنفسه ناظم امور است الا در قسم خونکاری و طرف اسلاوا مجلس است
اما آلمانیا که اصل نمسه است زرخیز و ولایتش کوهستانی
زنجیری و جبال سلسله بسیار و معدن آب گرم و آهن و سرب
و سیماب و سنگهای معدنی متعدد و بیشمار رود عظیم در انجا
جاریست که آنرا دانوب نامند و از آن منافع بسیار
عاید ارباب مزارع و فلاحت میشود تجارت این ولایت
نیکوست چه طرق اطراف و جوانب که برا و می‌آید در اغلب
از انهار رودهای عظیم که بکشتی در آن عبور میشود واقع است
از حیثیت مزارع و ثمر و غله خیز است و در بلدانش کرباس
پنبه و ماهوت و کاغذ و شیشه و بلور و ظروف چینی
و اقمشه حریری بسیار بافته و ساخته میشود ایالات آلمانیا

گردد دو سعادت قسمت شده است اول اصل ایالت اوستریا
که نمسه نیز گویند پای تخت وِیَن و آن را بچ نیز گویند
شهری معظم و معتبر و پای تخت دولت است خلقش سیصد
هزار نفر بزرگترین امصار در آلمانیا بحسب جمعیت و تجارت
اوست در دهات و قراء حوالی و اطراف محالات دیگر
کارخانه‌های کرباس و غیره متعدد و متکثر است شهر مشهور لینتس
در آنجا کارخانه ماهوت بافی معتبر است بکلان آب معدنی
گرم بسیار است شتیر و ن شهر دیگر اکنسبو را بعضی اوقات
از ایام سال نشیمن سلطان در آنجا است اشتیتن در آنجا کارخانه‌های
اسلحه سازی معتبر است عرصین این شهر یک رود سیصد و شصت
و شش سال پیش از این بحیطه تسخیر و تصرف عساکر دولت
عثمانیه درآمده نوبت ثانی سبیسک پادشاه لک
آن را از تصرف ایشان بدر کرده اهالی شهر را از صدمات

سلسله السد

لشکر بیگانه و لطمات سپاهیان اجنبی رهانید و مقارن چهار
سال است که فرنگیزیان بغتةً و غفلةً داخل این شهر شده آزار
متصرف گشته‌اند دویم ایالت مراوی دارالاماره
برن کارخانه‌های ماهوت بافی خوب دارد همیشه در کار است
شهر مشهور المونس قلعه مستحکم است و ارات شهری ملقب
اسطرلیچ گویند در چهل سال قبل ناپلیون در این شهر
شکست فاحش بر روس و نمسه داده است سیوم ایالت بوهیم
دارالاماره پراغ خلقش یکصد و پنجاه هزار نفر است
و مدرسه عظیم و وسیع دارد کارلسباد نیز در
تپلیتس در این شهر آب گرم معدنی بسیار است شهر
دیگر کوتنبر در آنجا معدن نقره و سرب و مس بسیار است
چهارم ایالت طرول پای تخت آن اینسبروک است که خطه
از عظمت و اشتهار نیست طرانت مشهور است در

چهارصد و چهل و چهار سال قبل بر این علمای ملت
وروئس مذهب عیسوی در این ایالت جمع و در این شهر مجلس
کرده در باب تجدید قواعد و تعیین رسومات جدید در
مذهب و شریعت خود و رد و قبول قوانین قدیمه
که صلاح ملک و دولت باشد گفتگو و مشورت کرده
آنچه گفته پنجم ایالت ایلیریا دار الاماره لائباک
شهر مشهور کلاژنفرت و طری ششم ایالت اسطیری
دار الاماره گرادس شهر مشهور گج کارخانه فولاد
سازی و شعربافی در اینجا بسیار است نیز گرباده
ایتالیا که لمبارد و نیسیان نیز گویند و در تصرف
پادشاه نمسه بود اخیر در معاقدت هشتم ولایت این
مسطح و هموار و در حوالیش رودهای جاری بسیار اکثر
مزارع از آنها مشروب و سیراب شده و محصولاتش [illegible]

ومنافع

و منافع بیشمار است از محصولش غله خیز و ثمر و روغن
زیتون بسیار خوب مشهور است و آن عبارت از دو ولایت
اول ایالت لمبارد یا دار الاماره میلان
شهر معظم و معتبر و خلقش سوللی تصدیق و نجابت ... مات السر
جای تجار و محل تجارت و موطن صاحبان حرف و صناعت
است تماشاگاه بزرگی در آن واقع است که آن را آسکالا
گویند و خلق از هر جا به تماشا و تفرج در آنجا روند
برگامو شهر دیگر ... در این شهر و فور کارخانه شعر بافی
است کرمان آلات و اسباب تیغ و موزیکه ساز
در این شهر سنگ سازند مانتوا از محصولش نهایت ثمر
و غله خیز و آب و هوایش بد و مضر است دویم
ایالت ولایتی که در سمت ونیسیا و در دولت جمهور
قدیم ونیک بوده دار الاماره ونیک شهر مشهور

و شهر و خلقش یکصد هزار نفر است اصل این شهر بنا
شده است از چند جزیره هر یک بمحلی و منزله محله
از اوست که رفتن از این محله بآن محله جز از روی آب
ممکن نیست شهر مشهور دیگر آباد این شهر پنجاه و یک هزار نفر
جمعیت دارد کی جبال و بیابانش و شهران آذربا
یادیه کاشتیان طرفیر ادین فصل نهم در
بیان دولت اسوج که حکومت اتحادیه اسوج نیز گویند
و ضبط حدود ممالک اسوج تصدیت سمت شمالی
آن بولایت وز تا مبرق که از ولایات حکومت اتحاد
است و طرف غربیش بدولت فرانسه و جانب جنوبا
لبار دنیا وجهه شرقی بولایت اوسی این مملکت از
جمله ولایات جلستان فرنگستان است حش مشتمل بر تعدد
برکه و غدیر و در ییلاقیت بلاد بی نظیر از آدیشر تازه و خرم

و گیاه و علوفه حیواناتش بی اندازه است اکثر جاهایش
سرسبز و مخضر و کلیه اشجار و انهارش مثمر و بارور جا
تعیش و سرور است مخلوقش چهار و چهار گروه اقلیم
و لیکن مشتمل بر سه دولت ایالت که هر یک بنفسه و کالیگ
مستقل است و کلیه در حکم یک مجلس کار کنند و در نظم
امور نشنند و لهذا آنرا جمهور بزرگ گویند مذهب بعضی
از ایشان قاتلیک عیسوی و نیمی دیگر کالوینیست
که شعبه از ملت پروتستانت بلادش موقف اهل
حرف و صناعت است و استادانش مانند استادان
انگلیس ساعتهای خوب و ممتاز سازند و منسوج قماشش از ابریشم
و کرباس پنبه و شال پشمینه و کتان و قصب بکمال اسرع بود ازند
و بوفور تنک لعبت آرند لا ارباب صنایعش را شوق
و صعدی مسندی الاتصال در عمل اشتغال جویند و از

علوم معلومه فرانسوی فصیح بر لغت و مخترعه پوشیده بالجمله ولایت
مزروع و مثمر است لازراعت و اکثرانشان بیشتر از قدر کفاف
ولایتی هست السنه متداوله و معتبره در آنجا لسان آلمان است که
در سمت غربی آن متداول است و گروهی نیز بلسان ایتالیا
تکلم کنند ایالتی که از اسویچ در جانب شمالی آن ولایت افتاده
هست ۱ ایالت بازل ۲ ایالت سنغال ۳ ایالت
تورگاوی ۴ ایالت شافوز ۵ ایالت زریک ۶
ایالت زوگ ۷ ایالت ارگوی ۸ ایالت بال ۹
ایالت سلوتو و آنچه در جانب غربی آن واقع است نخست اول
ایالت برن ۲ ایالت فریبورگ ۳ ایالت نشاتل ۴ ایالت
وو ۵ ایالت ژنو و آنچه در جهت جنوبی او واقع است
والدومیم ایالت تسن و در سمت شرقی نیز واقع است
ایالت گریزان ۲ ایالت کلاریس و در وسط ولایت

چهار ایالت واقع است ۱ ایالت شوتس ۲ ایالت لوسرن
۳ ایالت اونتروالد ۴ ایالت اوری مشهور مشهور هر
بیت و چو ولایت فرمایش مخصوص کارخانهای شعربافی است
بال در وسط این شهر نهری عظیم میگذرد و آن شهر را به دو قسمت
و قسمت کرده است که یکی پیر این شهر شهره و بهار است
در این شهر متعدد است کارخانهای ساعت سازی گرانبها
بد فرانک التنف هر چهار رحال از عظمت و اشتهار پیوسته‌اند
در این مملکت از غرایب اشیا کوهی عظیم و رفیع در ولایت
اسویچ واقع است در نهایت صعوبت و بلندی چنانکه در
تمامی قطعه اوروپا کوهی بآن رفعت و عظمت یافت نشود
این کوه را در شکوه را سمپرقان نامند در این کوه واقع
هستند و زیارا صوامع رهبانان و معابد مجردان در آنجا از
در آنجا کلاب بزرگ و سگان عظیم الجثه و خیش الانس مانند

در هنگام زمستان که ممالک شوق و طوفان هوا و شدت سرد
برد و برف و بارش مسافرین و صحرا نوردان دیگر را
اضلال سبیل کرده در بیراهه و بیابان از شهر دور افتاده
راه را گم کنند و از شدت سرما پایشان از رفتار و
دستشان از چاره کار فرو مانده بسر در آیند آن سگان را
چنانکه تعلیم یافته اند رهبانان شیشه پر از عرق بگردن
بسته رها کنند سگان از کوه بزیر آمده در صحرا و دشت
گشت کنان متفرق شوند و پویه زنان از هر طرف بو برده گردش کنند
تا گمشدگان را دریابند هر گاه رمقی از ایشان باقی بینند
پیشتر رفته گردن بجانب او دراز کرده تسلیم شوند تا شیشه
عرق را بر گرفته نوشیده بعد از جریان حرارت تا اعضا رسانند
و عروق شان برخواسته بدلالت سگان خود را الکان صومعه
و در ضیافت ملایمت هوا خود را بشهر و دیار خود کشانند هر گاه

گمشدگان را از کوه حیات عاری و در کشور ممات ساری
یابند کر آنها را بدندان گرفته کشان کشان بصومعه آرند
تا رهبانان بنظام مقرر کیش خویش در تجهیز و تغسیل و تدفین
آنها اقدام کنند و بسا باشد که جساد مرده گم گشتگان را سگ
از زیر برف برآورده بصومعه رسانند باب سیوم در
مطلب دویم در بیان دول و ولایاتی که در جانب جنوبی
اقلیم اوروپا واقعست و در آن پنج فصلست فصل
اول در ذکر ولایات دولت پرتقال ولایات و ضبط
حدود آن ولایت پرتقال متصل است از جانب شمالی
و شرقی الی نقطه جنوب او بدولت اسپانیا و از نقطه
جنوب الی غرب نقطه شمال محاط بحر محیط غربی در ساحت
این مملکت تلال و جبال بسیار است و انهار جاریه بقدر
کفاف ولایت موجود و پدیدار از اراضیش مزروع و مثمر

و آب و هوایش معتدل و نافع از زراعات و محصولاتش
چندان امتیازی ندارد و در آنجا از فواکه و مرکبات لیمو
و بکرائی و ترنج و از مشروبات شراب انگوری بسیار خوب
و وفوری دارد مخلوقش بهر جهت هشت کرور و زیاد در هر کرور
غیر مستقیم مذاهب معظم این دولت قاتولیک عیسوی و در این
شش ایالت مشهور است که هر یک نیز قرال علیحده ای گفته میشود
اول قرال ایالت در میان بوهم و آمینش میباشد
پای تخت پراگا شهر مشهوریست خلقش صد هزار نفر
و طرحش زیبا و فرح پرور است جای تجارت و مکاسبات
شرابش از فرط امتیاز و خوبی در هر جا رفته بفروش میرسد
چنانکه در ایران هم میبرند دوم قرال ایالت
طرانسلوانیش شهر مشهورش هرمانشتات و سوم قرال
ایالت بیسی دار الاماره کیتمبی شهریست منافع و مدر
ارزا

بزرگ در آن واقع است چهارم قرال ایالت
اسطریا مادون دار الاماره لیزبان پای تخت
دولت پرتقال و معظم شهر آن دیار است مخلوقش
قریب به دویست و شصت هزار نفر و لنگرگاهش در
بزرگ و نامی در فرنگستان ممتاز و مشتهر در یکصد و شش سال قبل
زلزله عظیمی در آنجا واقع و حالت شکسته شهری بدین عظمت ارکان
بالتمامه ویران و طاق رواق و سقوف عماراتش با صفحه تراب
یکسان گشت پس از آن باز بمرور دهور و تدریج کرور
سنین و شهور اندک اندک آباد و معمور گشته الحال بصورت
اول است پنجم ایالت المنتجو دار الاماره اوورا ششم
ایالت آلگار و شهر مشهور لاگس طویلا اذیناو و مش
شهور مشهور در سایر ایالت شوق شهر ستبین و بوراه
نشین است در بین شهر قهوه خانه عظیمی است که در بالای آن

پلهای با استحکام بسته اند در عظمت و بزرگی آن باعث شهرت این
شهر شده و نیز بازاری وسیع و طویل دارد که از سایر
اسواق ممتاز است ستوبال لنگرگاهی نیکوی و سور
بعظمت نزدیک تجارتش بسیار و فواکهش بیشمار لیمو و نارنج
و خرما غیر در آنجا ممتاز بعمل آید الواس شهری محکم سرحد
و زراعت و عظمتش بسیار است فصل دویم
از باب سوم در بیان ولایات دولت اسپانیا
وضبط حدود ولایت اسپانیا از طرف شمال متصل است
بقعه از بحر محیط غربی و از سمت غربی بولایت پرتقال و از
نقطه شرق الی نقطه جنوب محاط بحر سفید این ولایت نیز
از ولایات خلستان فرنگستان است در ساحتش تلال
و جبال عظیمه و کوههای مرتفع بسیار واقع است هوایش
گرم و خشک و ارضیش مثمر و محل زراعت و دهاقین

لا زراعات قابلی در آنجا کمتر میشود کشت و زرع
ندارد و مخلوقش بیست و هشت کرور و پادشاهش غیر
مستقل با عائلش معروض اشجار مثمره مثل بادام و لیمو و زیتون
و بکرای و انگور و شراب انگوری در آنجا ممتاز و موفور است
در سمت جنوبیش پنبه کاری خوب کرده میشود و نیکو بعمل آید
هوایش تربیت بعضی از حیوانات مثل خانگی کند از جمله
استر در آن کشور بغایت رهوار و سوار میشوند و در آلت
آنها از رسن اسبان و مرکبان کوه توان لاغر میان و سرسبک
بسیار یافت میشود که در فرنگستان بعد از انگلیز مراکب
آنجا را بتفاوت قیمت خرند و عزیز دارند و از نوع غنم
جنسی گوسفند در آن ولایت است که آنرا مارینوس
گویند چندانکه خواهی پشم آن نرم و مویش باریک
است و از آن پشم پارچه و شالی بافند که آنرا نیز

بیست کرور

ماریونس گویند و از آن ملبوسات ترتیب کنند
در اینولایت از معادن معدن سیماب و مس و آهن و نقره
و سرب و ارزیز و نمک و غیره بسیار است مذهب مردم
این مملکت قاتولیک عیسوی و همه ولایاتش عبارت از چهارده
ایالت در چهار بیان ذکر شد اینک بیان اول
در ذکر ولایات و ایالاتیکه در سمت شمالی مملکت اسپانیا
واقعست و آن از پنج ایالت عبارتست اول ایالت
گالیس دار الاماره سینتیاگو شهر مشهور کرانیک شهر
متین و محکم و لنگرگاهش قابل و معظم است فرول شهری
پرمنافع و نیز لنگرگاهی قابل در آن واقعست دویم ایالت
آستوری دار الاماره ویدو سوم ایالت بیسک
دار الاماره بلباو اکثر پشم گوسفندی که از اسپانیا
بسایر ولایات فرنگستان میرود از اینجاست شهر مشهور
دیرا

وتریا بی سن سباستین فانتربیه چهارم ایالت نوار
دار الاماره پمپلونه پنجم ایالت آرگان دار الاماره
سارگسا در کنار دریا واقع و لنگرگاهش مرغوب در
منافع است بیان دویم در ذکر ولایت و ایالاتیکه
در وسط ممالک اسپانیا واقع و مرکز آن کشور مشهور است
عبارت از چهار ایالت است اول ایالت ویلکاستیل
دار الاماره سانتاندر شهر مشهور برگس شهر دیگر سگوویه
که در اینجا ماهوت خوب اعلی میبافند دویم ایالت
لیان دار الاماره لیان شهر مشهور سالمنکه سیوم
ایالت نول کاستیل دار الاماره مادرید شهری جسیم
و عظمت پرور و خلقش دویست هزار نفر است پایتخت ۸ الـ
دولت اسپانیا اصلاً اینجاست که عمارات عالیه سلطانی
و دیوانخانه دولتی و سایر قصور معظم سلطنتی در اینجا واقعست

چهارم ولایت استرامادورا دار الاماره باداژز
شهر مشهور سنتیلدفانس عمارت دولتی نیز درین شهر
واقع و شیشه سازی در آنجا شایعست تولد شهر عظیم
و در قدیم پای تخت دولت بوده و حالا از آن عظمت بواو [?]
باقی مانده است المادن معدن سیماب اعلی در تمام اوروپا
بآن بسیار معدن سیماب نیست بیان دویم در ذکر ولایاتی
که در سمت جنوب ولایات اسپانیا واقع شده و آن هم ولایت
یکی ولایت اندلوزی دار الاماره که در شهر مشهور سویل
شهریست با تجارت و بهره ور و خلقش نود و یکهزار نفر
شهر کثیر و منافع خطیر دارد ۲ اسپیا کرنادا) مالاکا که خلقش
پنجاه و سه هزار نفر و تجارت نیک دارد قدیکس صاحب
برج و باره مستحکمه و معموره شصت و پنجهزار نفر بقلم آمده
سابقا تجارت کامل در آن که بهر سو شده و حالا از آن عظمت افتاده

دچران

و چندان منفعت ندارد جبل الطارق در حصانت شهره
دارد و در تصرف دولت انگلیس است سیم ولایت
مرسی دار الاماره مرسی شهر مشهور کارتاژن لنگرگاه
خوش و طرحی دلکش دلکو آسیا [?] خوش طرح و جای اهل
صنعت است کرنادا تجارتش کاهی و خلقش هشتاد هزار نفر
بیان چهارم در ذکر ولایاتی که در طرف شرقی
اسپانیا واقعست و آن سه ولایت است اول ولایت والانسیا
پای تخت والانس شهری زیبست دریا و صد و سی هزار
جمعیت اهل و عالیکانت بعلت خوبی شراب انگوری شهره
دارد دویم ولایت قتلنک دار الاماره بارسیلادن
شهری معظم و بنای محکم جای عیش و اهل هنر و خلقش یکصد
و بیست هزار کس است اهل صنایعش مهارت نیک
و تجارتش بغایت نیک است کاردنا از شهرهای شهره

سوم ایالت قرالهٔ عبارت از جزایر چندیست که
آنها را جزایر بلیغار نامند و مشهور از آن اینست
جزیرهٔ فورمنتل جزیرهٔ ایویسا و دار الامارهٔ ایویسا
جزیرهٔ ماژرک دار الامارهٔ پالما جزیرهٔ منرک و دار الامارهٔ
سیتادلا شهر مشهور پرت ماهان فیکی حصار حصینی که او
گوشهٔ با استحکام برکشیده اند کاوش و نیز تاراکین که شهری
نیست تلبنیه پوشیده نماند که ایالتی در ولایت اسپانیا داخل
و ذکر شد اینها از ایالات معتبرهٔ مشهوره بود و هر یک را قرال
علیحده گویند و غیر از آنچه ذکر رفت ایالات دیگر در تحت اینها ولایت
دارد و در ایام دولت همهٔ این قرالات و ایالات در حکم گردد
و تابع احکام انگلیس اند و هر یک بنفسه قرال و والی مستقل اند
فصل سوم در بیان ممالک ایتالیا و ضبط حدود و
ولایت ایتالیا متصل است از طرف شرقی مدریا و تبدیل که شعبه

از بحر سفیدیست و جهت غربی و جنوبیش بحر سفید و طرف
شمالیش بولایات آوستریا و حکومت اتحادیه اسویچر اهویلات
ساحت بعضی از امکنه اش مسطح و هموار و در بعضی وقوع تلال
و کهسار آب و هوایش خوب و نافع و از ضیق بانسبه
و اسع ملک را زینت هوایش سازگار و در هر فصلی
اغذیه اش آشکار در تابستان حرارت هوا را چندان شدتی نیست
چه این ولایت در کنار دریا بار واقعست و نیز کوههای عظیم
در آن بسیار است که این هر دو موقع بروح و مولد نسیم
و بسبب جنبش نسیم گرما را تاثیری نباشد و در ولایات
سیحلیا تن زراعت و فلاحت نیک شود و از ضیق بنهایت
غله خیز است و در ولایت ساردینا نیز بانواعه معادن
پربیرار است عموما زراعات ولایات ایتالیا بهتر خوب
و غلات جو و گندم و برنج و فواکه و مرکبات لیمو و نارنجی

و زیتون و غیره بوفور نیکو بعمل آید و از صنایع کارخانه
چینی و بارفتن سازی و شعربافی در انجا بسیار است و ولایت مخلوقش
چهل و سه کرور و مذهب ایشان قاتلیک عیسوی و دول آنها سه
در بعضی پادشاه مستقل و برخی غیرمستقل صاحبان دولت و دول
آنجا را در این عصر با کثر محاربات و سؤالات فیمابین و وقت
و پایان امر و انجام کار ایشان ناپیداست در مملکت ایتالیا
صاحبان علم و صنعت را در علوم و فنون و صنایع مهارت از بسیار
بلاد بیشتر است و وقوف زیاده است بخصوص علم نقاشی و صور
نگاری و علم هندسه و معماری و موسیقی و در این فنون کمالات سیع
وقوف بلیغ دارند ... این مملکت را ده ایالت کنند پنج از آنرا
بزرگ و پنج دیگر را کوچک تعبیر کنند اما آن پنج دولت
بزرگ اول دولت ساردنیا که در آن دارالایالت
سابقه جل و دیو تن متصرف است از ممالک ... انگلتره

الحکم

[illegible]

انگلتره است و از سوی بحر و جنوب بر پای لمبارد و جانب غربی با دولت
فرانسه و جهت شرقی ببحر سفید و در ولایات این دولت بسیار
است با نواع معدن فلزات بعضی از شهرهای معتبر این ایالت که
مشهور است این است ایالت ساووا دارالاماره شامبری
شهر مشهور آنسی کارخانه شیشه سازی و معدن آهن در این شهر
بوفور دارد دیگری ایالت پیمان دارالاماره تورن
شهری عالی بنیان است مدرسه بزرگ دارد و خلقش یکصد و چهل
هزار نفر است شهر مشهور آکش آب گرم معدنی بسیار دارد دیگر
شاه‌نشین ایالت پوستو و نیسی الکساندریه است دیگر
سالس نانیس شهری خوش مآل و آب و هوایش بسیار خوب و معتدل
مرضا از هر ولایت جهة تبدیل هوا در آنجا روند و چندی
متوقف شوند تا از شدت انتقام مزاج ایشان رستگار شده
خود کنند دیگری ایالت جانوا دارالاماره جانوا

[illegible]

ساختش مضیق و هوایش محتبس و خلقش هشتاد هزار نفر است
لاطرح تختش ولکو شهر مشهور ساوان کوای دیگری ایالت
عبارت از جزیرهٔ ساردنیا است دار الامارهٔ کالیاری
دولت دیگر در مملکت ایتالیا ایالت دولت لمبارد و ونتسیه
که در تصرف دولت اوستریه است و دار الامارهٔ آن
میلان است دولت سوم دولتی است که ازاو ناپولیک
و سکانا گویند دار الامارهٔ فلورانس شهری معتبر است خلقش
هشتاد هزار نفر شعربافی در آنجا دایر و گویش بتکلم زبان
ایتالیا قادراند لوبرق شصت هزار جمعیت دار الولایت عظمت
و کثرتش روز بروز در تزاید است چه تجارتش نیک و خوش
هنروری نکو کند نیز مدرسهٔ معظم و شهری محکم دارد و در این
شهر از آثار و ابنیهٔ قدیم طاق نما و کاخی متعالی هست از استعلای برج
برخلاف قامت و موازات قیام قامت شاخص است چنانکه

عمو

عمود بسطح ارض و مولد زاویهٔ قایمه نیست بلکه قیاس از سطح
زمین منحرف و با خط سطح ارض زاویهٔ حاده و منفرجه محیط
شده و کسی را معلوم نیست که از راه عمد این هیئت ساخته‌اند
یا بعد از اتمام بسبب وقوع حادثه متزلزل و منحرف
و معوج شده پیشین سیناء دولت چهارم
دولت ولایات رما گر ولایات پاپا نیز گویند پاپا
نام معلم بزرگ و خلیفهٔ اعظم و کشیش کشیشان است
که او را پادشاه دین خویش شمارند و زاید الوصف محترم دارند
بواسطهٔ عظمت و بزرگی و استیلا و اقتدار جناب پاپا درالصفحات
این ولایات بنام او منسوب و موصوف گشته است و شهرت
یافته است این ولایت را دولت رومانیا نیز گویند
پای تخت این دولت رما شهریست بعظمت و زر و مدینه
ممتاز و مشتهر مخلوقش یکصد و چهل و پنج هزار نفر بقلم

رسیده در آنجا معبد و کلیسای معتبره متعدد است
من جمله کلیسائی برفعت بنا و وسعت فضا از همه ممتاز
گشته برجش شعبده باز در پیش طاقش خمیده در بنارات
دریاهای فرنگستان و اقلیم اوروپا کلیسائی بان رفعت و عظمت نیست
از جمله ارض مقدسه در فرنگستانست قراد شهر دیگر ملنکه
مدینه وسیع المعبر و خلقش هشتاد هزار است مدرسه علما دارد
داون ریبن آنکان لنگرگاهی مرغوب دارد و گرفته
فائینسا در این شهر بود که اول بار ساختن کاسه و ظروف
بدل چینی را از گل نهاده مخترع این عمل در فرنگستان از این شهر
چوبنا دله سولوش ملر لیسند و لنگرگاهش خوش شهر
معمور و موقف سفاین تجارت و علی الاتصال خالی از کشتی
و آمد و شد تجار نیست دولت پنجم دولت ناپولی است
که سیچلیا و سیچلیاتین نیز گویند چه سیچلیا این دولت
دارد

دولتست یک مقید بتقیید علیا و دیگری بسفر پای تخت ایشان دولت
ناپولی شهریست قدیم و سولوس عظیم بعظمت و بزرگی
اشتهاری تمام دارد و خلقش سیصد و شصت هزار نفر
دنیا شده تماشاگاه بزرگی دارد و صنعت حریربافی و شعرباف
و صابون پزی که امتیاز کلی دارد در آنجا شایع در حوالیش
کوه آتش فشان عظیم که از آن ریه و گویند واقعست
شهر معمور گویلان سالرن فوجیا پرتحر دیگر
بیزلی قاپو آگرلا طرنت پالرن و صد و چهل هزار
جمعیت دارد و میسین شهریست لنگرگاهی زیبا
و کارخانهای معتبره متعدد دارد قطان نیز در کوه
این شهر کوه آتش فشان است که از احجبل اطنا گویند
اما آن پنج دولت کوچک اول دولت پارم
که تماشاگاه بزرگ فرنگیان انجاست و انجا باصفا

و ریاست شهر مشهور پلمیانس خالی از عظمتی نیست دویم
دولت کاتولیک مدن دار الاماره مدن شهر مشهور
میتی اندل عظمی ممتاز دلکو سوم دولت کاتولیک لوک
دار الاماره لوک چهارم دولت کاتولیک جمهور سان مارین
گویند جمهوری کوچک و در حمایت پادشاه رومانیا است
پنجم دولت پرنس اف ... که شاهزاده در آن استقلال دارد
دار الاماره آن شهر ماناکو است لیکن دولت نیز تابع
بلکه ولایت و در حمایت دولت ساردنیا است تتمه
در بیان مشهور از جزایری که متعلق بمملکت ایتالیا است
و از آن محسوب میشود منها جزیرهٔ حلب که آهن خوب
در آنجا پیدا میشود منها جزایر لیپاری در آنجا
کوهی آتش فشان هست منها جزایر مالتا که حلقین
دوش هزار نفر و آب و هوایش اندک معتدل است

فواکه و مرکبات نیکو که از خصوص بکرات در آنجا وفور دارد
در چند ده سال قبل بر این فرنگیان آن را متصرف شدند

فصل چهارم از باب سوم از مطلب دویم از کتاب جهان نما

در بیان ممالک عثمانیه اوروپا و ضبط حدود آن ممالک
دولت عثمانیه در اوروپا متصل است بسمت شمالی
آن بدولت اوستریا که مجار نیز گویند و طرف شرقی
ببحر سیاه و جهت غربی بدریای ونیدیک که شعبه از بحر سفید
و فاصله در میان این مملکت و ایتالیا است و جانب جنوبی نیز
ملاصق ببحر سفید و نواحی شام است حتی این ولایت مقابله
و مختلف در بعض بلاد هموار جانب و در پاره امکنه
تلال و جبال واقع است لا بلاد کوهسار و جبالیه اش
بیشتر و ولایات مسطحه و هموارش کمتر است آب و هوایش
فی الجمله خوب و اراضیش مثمر و مزارع و غله خیز است

غله و برنج و پنبه و تنباکو و روغن زیتون و دیگر عسل
وغیره در آنجا بسیار بعمل آید اما از ارتفاعات و محصولات زیر زمینش را
در واقعه چندان امتیاز و التذاذی نباشد معدن نقره
و آهن و مس دارد و تجارتش بواسطه کشتی و کمی رواجی دارد
غالب تجار و ارباب معاملاتش اتراک و ارامنه و جهود
و یونانیند اسلحه حربیه در آنجا نیکو سازند خصوصاً
شمشیر و تفنگ و خنجر را که عثمانی پوارند مخلوقات دولت
عثمانیه اوروپا چهارده کرور غالب اهل مذهبش اسلام است
و بقیه ولدنی و عیسوی غیر از ارمنی نیز دارد پادشاه ایشان
قاهر و غالب و مستقل بزرگ دین و دولت و صاحب ملک
و ملت است سلطانی قهار و خان نجات است هرچه خواهد کند
لکن غالب مهمات عظیمه را بشوری گذرانند در سمت شمالی
ممالک عثمانی اوروپا سه ایالت و ولایت دیگر هست و از نیز

از این

از این ولایت شمرده میشود چنانکه مانند ولایت یونان حاکم
و والی از خود ایشان برقرار و در تحت تصرف دولت
عثمانی است و آن سه مملکت عبارت است از سرویا
و بغدان و افلاق است که ذکر آن انشاءالله
بیاید بالجمله در این قسم از دولت عثمانی هفت ایالت است
اول ایالت ولایت روم ایلی پای تخت اسلامبول و
مدینه عظیم و معمور قدیم از امصار ذی اشتهار است و بلدان
جامع شعار از شهرهای بزرگ و بناهای سترگ عالم است از جهت
عمارت است و در این دولت اسباب خلقش هشتصد هزار
نفر و اعتقاد بعضی بر آنست که زیاده تر و قریب به دو کرور است
لکن قول اخیر بصحت اقرب باشد بالجمله عمارات عالیه
اش بسیار و مساجد و معابد متعالیه اش بسی و شمارات است
کیفیت طرح و وضع این شهر متانت آثار مشغول کار است

چه نقاشان صورت نگار و مهندسان صنعت گذار
نقشه آثار ابتکار کشیده در هر دیار بها اند از جمله آثار قدیمه
و ابنیه قویمه گنبدی آسمان سایه و مسجدی کز چرخ پایه در
کمال رفعت و بها و وسعت و علا در آنواقعست که فی الواقع
از نوادرست معجبات و غرایبدر از اوقاف است
حوالیش مسجد صوفیان خوانند و منارلرینه بو تعمیر سو
را اقلو مسکنش داند مرغان بامش با کروبیان همراز
و کبوتران ایوانش در فضای عرش در پروازند در این
شهر عظمت بهر محله ایست که از اپره و بیک اوغلانا مینند
انجاست شهیر و قرارگاه قونسولان و ایلچیان و سایر
اهالی فرنکستان خارج از فرنکیان کبیرا در آن محله
اوزون و خلق و سکنی بنت شهر مشهور در این ایالت آدرنه
گلیبولی شهری باشنه معظم و مشهور و خلقش مسافری هشتاد

هزار نفر برج و باره‌اش مشید و محکم و موضعش در کنار
دریا واقعست دویم ایالت بلغاریا دار الامارش صوفیا
شهر مشهور صوفیان مدینه ارم نبیان است و پنجاه هزار
جمعیت اهالی سوم ایالت مسدونیا دار الاماره سالونیک
خلقش قریب پنجاه هزار نفر و بازارش رنگین و زینت و راست
چهارم ایالت قسالیا دار الاماره لارسه طریقالا
پنجم ایالت البانیا شهر مشهور یانینا ششم ایالت
ترنیا شهر مشهور بیتولیا یا منستر هفتم ایالتی از جزایر
چند که در بحر سفید واقعست عبارتست و مشهور از آنها
زیبا است جزیره کاندیا شهر مشهور رشجوک (سپلیسطره
سوزیلا هر سه از مدائن معتبره در بنیالتینه آدرنا در کنار
دریا واقع است و لنگرگاهی شایسته دارد و سیر کشتی اکثر
منافع و سعوش از اینجاست اما آن سه ایالت و ولا

که در سمت شمال ممالک عثمانی واقع و در تصرف آنند و آلبستند

اوّل ایالت سردینیا دار الاماره‌اش سمعدیا شهر مشهور

بلکی او حصاری استوار و کارخانهٔ اسلحه سازی برقرار دارد

دوّم ایالت افلاک دار الاماره بکارست شهری معتبر

و خلقش ششصد هزار نفر است شهر مشهور دیگرش [illegible] شهری زیبا است ریسه

سوّم ایالت بغدان دار الاماره‌اش یاسی و والیش درینا

غیر مستقل و با مجلس کار می‌بندد و سالدات عثمانلو در آنجا

دارای [illegible] معین و همیشه موقوفند و در ایالت افلاک و بغدان

بسر حد عسکر دولت از خوانهات مخلوق هر سه ایالت سه کرور

و نیم است و مذهب اهالی یونان است فصل پنجم از

باب سوّم از مطلب پنجم در بیان دولت و ولایت یونانستان

و ضبط حدود آن ممالک یونانستان متصل است بسمت

شمالش بولایات دولت عثمانی اوروپائی و بطرف جنوب

سه کرور و نیم

محاط بحر سفید آب و هوایش خوب و معتدل و از بیشتر

مزارع و مثمر است مخلوقش هشتصد هزار کس و بالابیشتر

غیر مستقل محصولاتش غله و انگور و روغن زیتون و شراب

انگوری و ابریشم و پنبه که در آنجا نیکو بعمل آید و تمام

ولایتش عبارت از پنج ایالت است اوّل ایالت

لوادیا پای تخت آتنیه شهری دلارا و بانسبه با عظمت و زیبا

پای تخت دولت و مجلس شوران ملک در نظم امور دولت

شوری کنند و در اینجا است شهر مشهور لیپانت دوّم

ایالت نکرپانتا دار الاماره نکرپانتا سوّم ایالت

پلپنیس دار الاماره کرنیت شهر مشهور آن کپینیا ملی

طرپلیچه میسترا یو ادین نطرس چهارم ایالت آرکی

عبارت از جزایر صغار است که کلیه همه را جزایر سیکلاد

گویند و مشهور از آن انیست جزیرهٔ آنکه جنین

جزیره میکنی جزیره ناکسی جزیره پارج جزیره میل جزیره سانترین
پتمس الیرو از جزایر کبار عبارتست و همهٔ اینها را اسپراد گویند
و مشهورترین ایشان جزیره ایدرا جزیره اسپتسی جزیره اجن جزیره کلر
و دیگری در اقلیم اوروپا جزایر سبعه است که ایشانرا بیان شد در این جزایر یاد
نیست و با جمعیت که بودند در تحت تصرف دولت انگلیز بود از جانب او
حاکم و باشی ناظر در آنجا هست با هوا و بد مشتی و جنس نظم ملکزاده
مخلوق این جزایر دویست و هشتاد و شش هزار کس و اسامی آنها این سی الی

اول جزیره کرفو دوم جزیره پاکسو سوم جزیره
ایاماورا چهارم جزیره تیاکی پنجم جزیره سفالونی
ششم جزیره جانت هفتم جزیره چریکه

تمام شد ذکر ولایات

اقلیم اوروپا

این است نقشه قطعه افریقا که اقلیم دیگر است

مطلب سوم از کتاب جهان نما در بیان اقلیم
افریقا که آنرا بلاد المغرب نیز گویند و ولایاتی که در آن واقع است
و ذکر حدود آن است و در آن تبصره و پنج باب است تبصره
در ذکر حدود اقلیم افریقا متصل است از طرف شمال ببحر
سفید و از جانب شرق ببحر احمر و اندک خشکی که ملاصق
است بقطعه آسیا و فاصله است در میانه بحر احمر و بحر
سفید آن خشکی را بزبان فرانسه سوئز گویند یعنی معبر و محل
عبور و نیز ملاحق ببحر هندی و از سمت غرب ببحر محیط غربی
آب و هوای ولایات و امکنه که در این اقلیم واقعند
بشدت گرم و ناسازگار الا در بعضی بلاد و سامان
که بسبب آمدن باران در روز معین چند از ایام سال
هر در همان روز وعده بدون تخلف حکماً نزول باران و سیل
در صفحات مشهوره بجلگه معتدله الهوا بالنسبه بسایر دیار و همچنین

شهور و امصاری که در کنار و سواحل بحار و دریا بار واقع و بر
قرار هند اندک علامت دارد و اکثر محروم ولایات اقلیم از فقرا
پیش از دو فصل را نشناسند یکی فصل تابستان که در این جا
قریب شش ماه است و دیگری زمستان و سبب آنکه باران نه کم
تمیز و تشخیص آن ظاهر میشود اراضی قطعه اول تا بحسب عمارت
و زراعت مختلف است لکن ارض دایره و معموره اش کمتر از
بایره و نامعمور در این اقلیم بیابانهای دور و دراز بعید
المسافه و دیگر از آب و علف بسیار است که بهیچ وجه
من الوجوه اثر عمارت و آبادی ندارد الا رودی چند که در
اوسط و اطراف انهار کنند و در جنات و حوش این انهار
زمینه مشجر و مزروع یافت میشود الا اراضی مشجره در این بیابانها
بقدری است در جزایر در بحور و لهذا انهار اجزیره ابتر
و جزایر البری گویند در این اقلیم در زمخ طرار بنجوصه

بیابانهای دور و دراز موسوم بصحرای کبیر است که بالمره
خشک و در تابستان نه از نسیم آب و نه از نسیم گیاه چندانکه سیر در وی
صحرای بر و خاک سیاه است بعضی زمینش یکسره ریگ و هموار
فضایش بعد و زمخ نو است خاکش بولد سموم و باد
باد سموم از تحرک صرصرش ریگ زمین قریب پنج چهار
ذراع از مکان خود از بقاع جسته باشند تشنه گونا در بالا
یکدیگر با نحو ریخته و تلی میشود چنین از جنبش روان این ریگ
در آن بوم و بر دریا صفت موج می ریزند و رفتن میشود و لهذا
آنرا دریای ریگ گویند هرگاه بناگاه همه آن بسیط و محو
دلیل بی راه قوافل و کاروانیان در آن بیابان آمده بحیر
در بحر رمال غریق و تنی از آن الغریق توفیق نجات نخواهند
یافت محصولات این اقلیم بحسب اختلاف بلاد مختلف و متعدد
چنانچه در بعض بلاد فلفل و پنبه و کتان و برنج و قند

و بعض فواکه و اثمار غریبه غیر مشهوره مخصوص آنجا و در دیگر
اقالیم مفقودست بسیار و در جبال و کوهستانهاش سنگهای
گران بها و جواهرات قیمتی شایان حیوانات وحشی از
قبیل شیر و پلنگ و وشق و شغال و فیل و اسب دریائی و انواع
جنس بوزینه و یوز و کرگدن و نهنگ و اژدها و زرافه
که شتر گاو پلنگ گویند و سوسمار و خرگور و آهو و کلب البحر
که خایه آن جند بیدستر است و از جانوران انسی
گاو و گاومیش و شتر جمازه و غیره جمازه که آنها را شتر بیابان
گویند و سه چهار روز علی الاتصال بتازند و اگر نواله گوزن
هیچ از تک فرو نمانند و مرغهای عجیبه که در سایر قطعات
نباشد شتر مرغ و طوطی و حیوانات حقیر الجثه از قبیل
پشه و زنبور و نحل عسل و ما یشبه ذلک بیحد و حساب است
محصولاتی که در آنجا حاصل و به دیگر قطعات خارج میشود

[illegible]

خرما و قند و پنبه و آبنوس و صندل و شراب مادرا
که نام جزیره مشهور میانش عمان قریب بسیار باید و موی و پر شتر
مرغ و پوست پلنگ و کهربا و صمغ عربی و مقداری ازرق
و غیره بیشمار است ملل و ولایاتی که درین اقلیم متمکن اند عبارت از
نه طایفه است اول طایفه بربری در ولایات بربر هستند
دویم طایفه حبشه که در سمت شرقی افریقا مکان دارند
سیوم زنگباری که از حبشه بحسب الجنس سیاه تر و پاهای سفید خوبرو
از آنها شکیل و خوشگلتر دانند چهارم طایفه ماندینگا
پنجم طایفه فلاتا که نیز رنگ آنها بسیار سیاه است ششم
طایفه کفری هفتم طایفه کبت هشتم طایفه نوبه
نهم طایفه اعراب و اتراک مصری مذهب اهالی
که در بربر و در نوبه ساکنند مذهب اسلام و آنهائیکه
سیاه و در دیگر اماکنه متمکن اند مذهب فطیشیر که هر کس

جمالی را هم دیگری پرستش برگزینند چنانکه در اول کتاب
گفته شد و پاره از آنان رسیده اند مذهبی مرکب از اسلام
و فتیش اختیار کرده اند و طایفه که دیگرند عیسوی و یهودیان
که در کفر نتوان رست و هزار ابو جهل شناسند و ستایش کنند
هم انبیا و اولیا خود را موحد دانند و قایل بارسال رسل
و تنزیل کتب نباشند السنه قوم افریقا عربی و کتبی در مصر متداول
و لسان بربری در بربر رسم است در این اقلیم زبانهای عدیده
مختلفه دیگر نیز بسیار لکن بسبب عدم شان اعتنا بان
نه کرده ذکر آنها نپرداخت پادشاهان ممالک افریقا کلاً مستقل و
بیرحم و بی‌باک باشند و هرچه خواهند کنند و اموال قوم
بجبر و عنف ستانند و کسی را بر ایشان حکمی و دستی نیست در
این اقلیم علوم و فنون رذیله و ذمیمه بوفور معمول و متداول است در
اراضی منتشر زراعت نشود الا کم و آنهم ناچیز و ناقابل است

الا قوی

آمریق در کنار بحر سفید مسکن دارند و در این ازمنه فرنگیه انگریز
تتبع صنایع و فنون فرنگ نموده و مستحسنه شده اند تمامی ولایات معموره
افریقا عبارت از هفده ولایت است که ایراد شرح در ضمن
پنج باب و خاتمه نماید باب اول در بیان ولایاتی که
در طرف شمالی این قطعه و در کنار بحر سفید واقع است
و در آن دو فصل است فصل اول در ذکر ولایت
و بلاد مصر و ضبط حدود آن ولایت مصر محدود است
از جانب شمالی ببحر سفید و از سمت شرقی ببحر احمر و از طرف
غربی بولایت طرابلس و از جهت جنوبی ببیابان
نامعمور که اصلاً اثر آب و گیاه در آن پدید نیست
ممالک بلاد مصر واقعست عموماً در میان دو کوه عظیم که
در تمام ایام سال و فصول اربعه اصلاً در آنجا هیچ باران
نیاید الا آنکه در ایام بهار در تلال و جبال و قلل و کهسار

آنچه بود در منبع رود نیل آید باران متواتر قلیل و کثیر آید
آب رود نیل طغیان کند بالا گیرد چنانکه اغلب صفحهٔ مسطحهٔ
آن بلاد را فرا گیرد بعد از انقضای فصل ربیع و فرو
نشستن آب رود نیل و انجذاب حرارت هوا رطوبات
فوق الارض را اما اهل مصر در اراضی رطوبه و نمناک آن کشت
و زرع کنند و زراعات ایشان بهمان رطوبت بعمل آید در [illegible]
آن ولایت شود بلاد مصر اغلب اوقات خالی از استیلای درد
مرض [illegible] شوانند بود یا رمد چشم از علت بخار عموم باعث انجا
رمد بسیار روی میدهد از تحرک نسیم و روایح با هوا اکثر [illegible]
بعضی عموم داخل و مولد و منتج رمد و استیلای چشم درد در
مردم میشود و یکی دیگر مرض طاعون در بلاد آن بلاد مستولی است
والی مصر پاشای کوچک و در اطاعت و حمایت دولت عثمانی است
مخلوقش کرور از طوایف اکراد و عرب و کبت و یهود ۶ کرور
است

است مقارن دویست سال قبل از سلطنت اسکندر رومی [illegible]
پادشاهی از ایران کامبیز نام بمصر رفته آنجا را مسخر کرده تصرف
نمود و در تحت دولت ایران درآمد و بعد از استقرار سلطنت اسکندر
در مصر را تسخیر و در تصرف خود آورد بعد از وفات اسکندر سلطنت [illegible]
مصر را گرفت و بعد از ارتحال از این دنیای فانی [illegible]
او را با اولاد و اخلاف او مشتق و ایشان در آنجا عموم را به
گرفتن صنایع حسنه و آموختن علوم و فنون مستحسنه ترغیب
تحریض کردند و ظهور حرفهای عجیبه و بروز فنون غریبه از آن
دیار شایع و منتشر شد تا پس از مدتی سلطنت از روم بدانجا استیلا
یافت و بعد از چندی بدست امرای دولت یونان افتاد
و در هزار و یکصد سال قبل از این بتصرف مسلمین اعراب درآمد
و در زیر حکم خلیفهٔ بغداد بود و در عهد دولت آل [illegible]
صلاح الدین ایوبی خلع خلعت [illegible] و حکمرانی از [illegible]

خلیفه گفته خود سلطه و اختیار متصرف شد و پس از طی شدن
بساط حیات وی برادران و اولاد او متفق و بر دولت
او پیوست و ایشان مشهور بآیوبیه بودند تا آنکه در پانصد و
نود و نه سال سابق براین غلامان آنخاندان حقوق نعمت را بعصیان
و عقوق بدل کرده خلع خلعت خلافت از آن خاندان کرده و خود
در مصر والاشه بر این امارت در دودمان غلامان چهارصد و چهل
و نه سال ایستادند تا وقتیکه بعد از آن فرنگیس بر آنجا مستولی
و پاشایانیکه از دودمان غلامان بودند متعاقب خراج با ایشان شد
باز با امارت باقی بودند و همیشه با پاشایان دولت عثمانی سر از
مقابله و محاربه پیچیدند و بسبب قلع مولو فساد آنها صورت
نبست تا آنکه در سی و هشت سال سابق براین محمد علی پاشا
والی مصر که قریب چهار ماه قبل از تحریر کتاب مطابق
اواخر سنه ۱۲۶۵ خمس و ستین و مائتین و الف تاریخ هجری علیه

دار

داعی حق را لبیک اجابت گفته طایر روحش بریاض
قدس آغاز پرافشانی نمود و در آن بلاد مستولی و لکن ماده فساد
آن گروه بدنهاد را قلع و قمع نموده آتش بیگوهر از انبار فتنه بشمشیر
عدو شکر محترق و نایره طغیان ایشان را بتیغ خون چکان
فرو نشانده و باستقلال تمام در آنجا متصرف شد بالجمله بلاد
مصر را بسه ایالت منقسم کرده اند اول ایالت مصر را
مصر دلته نیز گویند شهر مشهور اسکندریه قدیم شهریست
معظم و بدو قسم منقسم است اما هر قسم با دیگری در جمیع الجهات
متفاوت و متخالف یکی از آن دو قسم را جدید و دیگری را
قدیم گویند در این شهر لنگرگاه ممتاز واقعست و بلوک
محل تجارت و جای بنای موقعش در کنار رود نیل و خلق کثیر
سیصد هزار نفر قونسولان هر دولت از اروپا در اینجا
توقف و نشیمن دارند این شهر را بنا نهاده است

اسکندر ذو القرنین در دو هزار و یکصد و هشتاد و یک سال
قبل از این در ایام امارت ابتمه و تصرف سلطان روم
پای تخت بعضی چنانکه آثار قدیمه اشعر از آنمید و عمارات و محلات آن کوار
صناعت اسکندر را در این شهر بعضی است اصل کتابخانه از جمیع
کتب مرغوبه علوم و فنون منصوبه در ذهن و تاریخ عالم
از زمان اول الی عهد خاتم که اول ظهور دولت عرب و بروز
اسلام و کتب ضبط وقوع حادثات جسیمه و امورات
عظیمه از تغییر و انتقال دول و تفریق و انشقاق ملک و غیرها
در آن بعضی بعد از وصول خلافت بعمر بسوزاندن آنکتابخانه
فرمان داد طایفه بجز ان دانشمندان بشفاعت برخواستند
که حرق و افنای تواریخ عالم و سلب و اضمحلال کتب علوم
و فنون غریبه بی لعم که در عهدی بعید و دورانی مدید در جمع آنها
سعی وافی و جهدی وافر مصروف شده است خلاف مروت

و انصاف

و حزم احتیاط و صرف منافع نجومی و هوشمندی و زیرکی
و از حمیت مندی است چه تضییع مساعی در ضیع شریف چندکه از
چنین امری جاید بعضی اند خلاف عدالت بلکه صرف جهالت
است عمر را در این باب شفاعت آنجماعت سود نبخشید نقالیه
جواب گفت که حکیما زاده فقت جستن و طبیبان را علت جستن
خاطر خود خستن و مایه عمر کاستن است آن کتب و تواریخ
یا مطابق با قرآن است یا نیست اگر هست با بعضی قرآن
ما را از آن بخود اگر نیست در سوزاندن ربط و ما فی حیله
و که بتیه چند چه حیف بس حکم کرده تمام را بسوختند
شهر دیگر مرغیت که او را دمیاط نیز گویند شهری
پر منافع و در کنار رود نیل واقعست و عمر الالت
مصر البحری را مصر وسطی نیز گویند دار الاماره قاهره
قاهره شهری است بزرگ و بنای سترک گویند در آن

شهر نلسون نام امیر البحر از جانب دولت انگلیز در
پنجاه و یک سال قبل برابر با امرای دولت فرانسه تلاقی و آغاز
محاربه کرده سفاین آنها را بضرب گلوله توپ شکسته برایشان
غالب شد و ناپلیون در سال آینده در همین شهر ار
دوی دولت عثمانی را شکست داده است در نواحی این شهر
سنگهای مربع مستطیل بزرگ پیرامیت و بعربیه هرم گویند
بسیار است در آنجا دخمه ساخته اند هرکه از اهل مصر مرد و حسن
عالم گشتند پیکرش را در آنجا برده گذارند در آن دخمه بعض ابدان
موجود است که سه هزار سال از وفاتش گذشته و هنوز اعضای
قالبش متلاشی و متحجر الشده سوم ولایت مصر علیا
که مصر صعید نیز گویند شهر مشهور آسوان

فصل دویم

در بیان ولایات بربریه و ذکر ایالات و ضبط وقوع
آن ولایت بربر متصل است بسمت شمالی آن بحر سفید

وجانب

و طرف جنوبی بیابان کبیر و جانب شرقی بحر سفید و جهت غربی
بحر محیط غربی ساحتش مسطح و بعضی اماکنه اش مشجر است
در ولایات شمالیش غلات و فواکه ممتازه بسیار در آنجا
هوای بهار و زمستانش معتدل و فرش زمین از وفور سبزی
زمردی و در خریف و تابستان از حدت حرارت و شدت
گرما نمونه ای از طبقه سقر که معاینه جهنم است مردم آنجا
غلات را تا چهار پنج سال نتوانند نگاه داشت و در حفظ کوشند
از قصوری و فتوری در آن پدید نیاید و ضایع و فاسد نشود
چنانکه در اراضی یابسه چاه و تنور حفری کشایند و غله را در آن
دفن نمایند و در ساحت جنوبی آن ولایت ریگزار است
نخل خرما بسیار روئیده شود و بدین مناسبت آنرا بلاد الجرید خوانند
و جرید بلغت بربری بمعنی خرما است در ولایات بربریه مطلقا شتر جمازه
و مرکب رهوار و حمارهای بسیار است مخلوق آنجا کردر

۲۰ کردر

سلاطین و حکامش مستقل و بنفسه ناظم امور بزرگ آنجا را بیک
و بیکلر گویند غالب حکامش و والیش بیکلربند الا در مارک
پادشاه زاده ایالت و امارت داشته و در تونس و طرابلس
بیکلر فرمان فرمایند و گاهی وجهی سلطان در هند که هنگام
ظهور دشمن بمعاونت وی از مخاطره در هند قریب سیصد سال است
که اتراک دولت عثمانی بعض از آن ولایت را بتصرف خود
در آورده اند و نوزده سال است که فرنگیان شهر الجزایر را گرفته
اند بربرستان عبارت از پنج امارت و ایالت است اول
امارت و ایالت ولایت مارک که آنرا غرب الجوانی
نیز گویند پایتخت مراکش شهر مشهور مادلة شهریست در
این ولایت معتبر و خلقش شصت هزار نفر تجار و بیشتر را
در اینجا بنگ و باغی کنند تافلتیه موغه در فس مکنیز
نیشم و تنولان حال او رباط و تیم ایالت جزایر

دار الاماره

دار الامارهٔ الجزایر اسواق این شهر رنگین و زینت و خلقش
بیست و چهار هزار نفر است شهر مشهور دیگر آن در کنار
دریا افتاده و دو لنگرگاه قابل دارد بونه شهری بهشت نمونه
و در کنار دریا و اصل لنگرگاهی نیک دارد و مرکز خوشایند و آبادی است
ارکان و معدن در و مرجان است سفاین تجار را در این شهر آرام
دستور عبور و مرور خاصه آنهایی که مرجان از بحر برآرند در
ولهذا جهة خرید مرجان بسیار بتجارت در آنجا روند
و قسطنطینه نیز گویند مدت دوازده سال است که بتصرف
دولت فرانسه در آمده است در هنگام یورش جنرال دامرمون
نام سردار فرنگیس در بالای برج و باره شربت مرگ نوشید
مدینه بلیده تاه سوم امارت و ایالت تونس
دار الاماره تونس شهر قدیم و بسیار عظیم است و صد هزار
جمعیت دارد از همه شهرهای بربریه اهالی این شهر است که

ارباب صناعت و هنرپیشه و خوش خلق و صاحب فراست
و اندیشه اند غلب ایشان هنرور استند چهارم امارت
طرابلس و آن مشتمل بر سه ایالت است اوّل ایالت اصل طرابلس
پای تخت طرابلس دوّیم ایالت و حکومت برقه شهر مشهور
در آن سوّم ایالت فزان دار الاماره مرزوک پنجم ایالت
کنیا که از چند ایالت عبارت و مشهور از آنها این است
اوّل ایالت آشانتی دار الاماره کماسی دویم ایالت
آمبری سوّم ایالت بنن چهارم امارت لیناگو از چند حکومت
دارد و معتبر از آنها ایالت کانگوت باب دوّیم از مطلب سوّم
در بیان ولایاتیکه در کنار بحر محیط غربی واقعست و آن را
پنج ولایت شمرده شود اوّل ولایت زنگبر بیابان بدوین
عصر عمارت و اهالی اصلا ندارد دوّیم ولایت سنگامبیا
سوّم ولایت کینیه چهارم ولایت کنگ که آن
مشتمل بر

مشتمل بر چند ایالت و مشهور از آنها این است اوّل ایالت
و امارت اصل کنگ پای تخت سانسالوادر دوّیم ایالت
آنگولا دار الاماره سانپل سوم ایالت بنگوئلا
قسم پنجم از ولایات واقعه در کنار بحر محیط غربی ولایت
باب سوّم از مطلب سوّم در بیان ولایاتیکه در کنار بحر
محیط جنوبی واقعست و آن امارت ولایت
کاپ است دار الاماره و شهر مشهور کاپ شهری است معتبر
و متین و قلعه و حصار شهر مستحکم و حصین فضای شهر خوش
و وسیع و در کنار دریا واقعست لنگرگاهش مامن و استوار
و معمول و موقف کشتیهای تجارتست قرب دویست و سی و نه سال
که اهالی دولت فلمنک این شهر را بنا نهاده است و قرب
چهل و سه سال است که در تصرف انگلیز قرار یافته است باب
چهارم در بیان ولایاتیکه در کنار بحر هند واقعست و آن

پنج ایالت و امارت اعتبار کرده شده است اوّل ایالت
ولایت کفر دوّم ایالت ولایت و حدود منها تا پاسوم
ایالت ولایت مزان یک چهارم امارت ولایت
زنگبار پنجم امارت ولایت ازان باب پنجم در بیان
ولایات واقعه در کنار بحر احمر و در آن دو امارت است
اوّل امارت ولایات حبشه دوّم امارت
ولایت ولایت نوبه خاتمه در بیان ولایات تکله
در وسط اقلیم افریقا واقعست و در آن دو فصل است
فصل اوّل در بیان چند ولایت متوسّطه و در آن
دو امارت است اوّل امارت ولایت سودان که از نهر نجارت
از چند ایالت است مشهور از آن سخن اوّل ایالت تمبکتو
دارالامارهٔ یک دوّم ایالت تنبدشو سوم ایالت
فلاتاق چهارم ایالت برنشو دارالامارهٔ کوکا پنجم
ایالت

ایالت وادای دارالامارهٔ کبه امات ششم امارت
ولایاتی است در میان گینیا و زنگبار واقعست و از جزایر
وعدم معموریت نامعلوم است و لهذا ذکر ایالاتش ترک شد
فصل دوّم در بیان جزایر چند که در افریقا واز آن
محسوب میشود مهمها چه جزیره از آن در بحر محیط و بحر
هندی واقعست و آنها را دسته جزایر نیز گویند امّا
جزایری که در بحر محیط غربی واقع اند مشهورتر این است جزایر
آسور است هوای ولایت و بلادش بسیار معتدل است
و اراضیش مثمر اثمار و منبت اشجار است و قرب سیصد سال است
که کولومب نامی از اهالی پرتقال آنها را پیدا و کشف کرده است
جزیرهٔ مادیرا را نیز چهارصد سال است که اهالی پرتقال
پیدا کرده اند حین وقتی که آنجا رسیدند بالتمامه جنگل بود
آنرا مادیرا نام نهادند چه مادیرا بلغهٔ ایشان بمعنی جنگلستان است

جزایر قناری خیلی مثمر و محل زراعت است شراب خوشگوار
در آنجا بسیار و از طیور مرغی ضعیف الجثه پیدا میشود که آواز
بغایت خوش و نوایش دلکش است جزیره کاپ ورد بازار است
در آنجا نیل و پنبه و معدن نمک و انجار اقرب سیصد
سال است یکی از ارباب دنیا موسوم بانطونیو نل رفته و
کشف کرده است جزیره سنتیاگو و ویلکره جزیره فرناندپو
جزیره پرنس جزیره آنبان جزیره سنت هلن قریب بهشت
سال قبل ناپلیون در آنجا جهان فانی را وداع کرد جزیره آسانسیان
تا جزایری که در بحر هند واقعند جزیره دیگو جزیره
مریتس از اینجا بسیار نیل و قهوه بر میخیزد در سی و چند سال قبل
دولت فرانسه اینجا را برسم معاهدت و مسالمت بدولت انگلیز
واگذار نمود جزیره بربان پای تخت سنت دنیس آب و هوایش
خوب و معتدل و حاصلش غله خیز و معدن آهن و قهوه است
وزه.

جزیره ماداکاسکر معدن فلزات و منبت اشجار ثمینه مثل
عود و صندل است جزایر کاف جزایر آنتیباد جزایر
سیشل در حوالی آن سکنهاش عرب و طیور بسیار است جزیره
سکطرا اینجا معدن مرجان است که از پیهای از شاخهای مرجان
عمارات برپا کنند اسامی رودهائی که در این قطعه جاری است
یکی رود نیل است که به بحر سفید ملحق میشود و یکی نیز از بحر محیط ملحق
میشود و یکی رود سنقال و یکی رود کامبی و یکی رود سیرالئون
و یکی رود اورانژ است که به بحر محیط منتهی میشود و رود زنبزی و رود
کوماتی نیز به بحر محیط ملحق میشوند ولایاتی که از اقلیم افریقا
در دست اهالی اوروپا است در دست دولت فرانسه الجزایر
و بعض از ولایات سنگال پیا میباشد و در دست دولت انگلیز
بعض از ولایات سنگامبیا و پاره از بلاد گینه
واقعه در کنار گینیا و جزایر فرناندپو و جزیره آسانسیان

وجزیره سنتهلن از جزایر واقعه در بحر محیط غربی
وجزیرهٔ کاپدیون از جزایر پرنس وجزیرهٔ مرسیس وجزیرهٔ
رودریگز وجزایر سیشل وجزایر امیرانت از جزایر
که در بحر هندی واقعند ولنگرگاهی در جزیرهٔ مادگاسکر است
وآنچه در دست پرتگیز است جزایر آسر جزیره مادر پایتخت
هشان جزایر کاپ ور جزیره پرنس وجزیره سنتماس
و پاره بیشتری از ولایات کنگ است وآنچه
در دست دولت اسپانیا است جزایر قناری وبعض از ولایات
مارک وآنچه در دست دولت فلمنک است قلعه بزرگی در
گنیات وآنچه در دست دولت دانیمارک است نیز
قلعه ایست در کنار گنیا که آنرا کرستیانسبرق
گویند تمام شد ذکر اجمالی
افریقا ونقشه امریکا

مطلب چهارم از کتاب جهان‌نما در ذکر قطعه امریکا
که امریقا وامیرکان وینکه دنیا نیز گفته میشود ومجملی از ولایات
وولایات واراده در این اقلیم واقعند امریکا حقیقة بحسب وضع
دو قطعه بوده که بقطب شمالی نزدیک امریکای شمالی ودیگرا
بقطب جنوبی اقرب امریکای جنوبی واین هردو قطعه متصلند
بیکدیگر بپاره از خشکی که معبر است میان این هردو قطعه
وباقی جهات محاط ببحر محیط است ومیان هردو در جانب
وخاتمه یابد بالجمله اقلیم امریکا کشف وپیدا شده
است بمعرفت واجتهاد کرستف قلومب حکیم از ارباب
ساز دنیا که مولد وموطنش در جانوا بوده مقارن سیصد وپنجاه
وهفت سال پیش ازاین ودر اوائل ظهور وانکشاف او را
هندوستان مغربی مینامیده اند تا بعد بمناسبت منظور گشته امریکا
خوانده شد ولایات شمالی از این اقلیم که در قرب نقطه قطب شمال

واقعند بسبب شدّت برودت و کثرت یخ و برفی که در دراز
و نشیب در آن الکه برودت کسب است همچنان نامعلوم است
مر احدی را قدرت سیر و استطاعت سیاحت آن سواحل نداده و نیز
نیست ولهذا ابواب تطرّق مسدود از انجاکه است تا بیابان شمالیه
در ساحت این قطعه رودهای جاری بسیار است که بزرگترین آنها
رود میسیسیپی و رود آمازون در قطعه امریکا چنانکه
در اوقیانوس پیابان هر دو دراز و صحرای بزرگ خالی از
گیاه و شجر و وادیهای ریگزار و بی سار بسیار است آب و هوای
امریکا بسبب دوری هر دو طرف خشکی هر دو قسم شمالی و جنوبی
از دو قطب عالم که تقریبا متفاوت از یک مساوی هستند تحقیقا
مختلف و متفاوت است و تعیین کرده نمیشود بلکه هر مکان و بلدی
بحسب طول و عرض وضع آب و هوای دیگر دارد چنانکه با
قطعات دیگر که در دایره مقدم الذکر بود از ربع مسکون
شما

شمالا از معادن در ولایت پرو و شیلی و مکسیک
و کالیفرنی و برزیل معدن طلای بغش اعلا یافت میشود و در
سه ولایت اوّل نیز معدن مس متعدد و در پرو معدن
سیماب نیز و در کالیفرنی معدن زغال و در برزیل معدن الماس
و در ولایات انگلیس نشین جدید و ولایات اتحادیه معدن
آهن و زغال بسیار است در پرو و کالیفرنی و مکسیک بر کوهها
آتش فشان که هنگام ارتفاع جرم شمس اعظم بدایره نصف النهار
شراره آتش از آنها متصاعد و ملحوظ ابصار و انظار است
در کلیه امریکا سبزیجات مثل پیاز و ریحان و نعناع و کرفس
و غیرها بری و بستانی بسیار و اشجار و انهال عجیبه بارآور
بی حد و شمار حیوانات غریبه در قطعات دیگر موجود نمیشود
و چارپایان انسی و رام مثل اسب و استر و گاو و شتر
و غیره در اوّل ظهور ینگه دنیا اهالی او بانی در انجا

حالا بسبب زلزله منکسر است خلق آنجا را چهار قسم شمرند
اول اهالی قطعه اروپا که در آنجا رفته ساکن و توقف جسته اند
و بسبب تعدد نسل منتشر گشته و حالا تقریباً بیست و نه کرور است
دویم اصل مردم امریکا که رنگ پوست و چهره ایشان
برنگ سرخ است و انها هفت کرور اند سوم طایفه که
رنگ ایشان مانند اهالی حبشه و زنگبار سیاه است و انها پنج کرور
میباشند چهارم گروهی که رنگ ایشان بر خلاف میانه سفید
و سیاهی مرکب از هر دو رنگند و آنها تقریباً چهار کرورند
مذهب اینکه متادب بآداب ادبیه و متقید بمروت
انسانیت شده اند مذهب قاتلیک عیسوی است و ایشان
که در مکسیک و قنادای سفلی و کواتیمالا و جزیره جنوبی و پرتوریک
و آنتیل فرنگیسی و در امریکای شمالی و بعضی از امریکای جنوبی
سکنی دارند الا کویان فلمنک و کویان انگلیزی از امریکای جنوبی

بیست کرور
هفت کرور
پنج کرور
چهار کرور
جمله چهل و پنج کرور

که مذهب آنها پروتستانت و طایفه که در ولایات متحده
و ولایات دیگر در دست دولت انگلیز و فلمنک و دانیمارک
و اسوج از امریکای جنوبی است نیز پروتستانت و کی دیگر
که اصل مردم قدیم امریکا اند اغلب و اکثر بمذهب فطیش اند
که هر کس حالتی را با لوهیت و پرستش اختیار کنند ۲ کش
دول امریکا جمهوری ولی پادشاهند الا در برزیل که در
آنجا پادشاهی غیر مستقل و در دولت پادشاه در آنجا پادشاه
مستقل است بالجمله درین مطلب باب و خاتمه این باب
اول از مطلب چهارم در بیان ولایات امریکای
شمالی و ضبط حدود آن امریکای شمالی متصل است سمت
شمالیش ببحر منجمد شمالی و طرف شرقی ببحر محیط غربی
و جانب غربی ببحر محیط جنوبی غیر متلاطم و جهت جنوبی
نیز ببحر محیط جنوبی و مساحتش عموماً کوههای آتش‌فشان

بسیار است و آب و هوایش بحسب وضع ولایات من حیث
الطول و الأرض مختلف و متفاوت تمامی این مملکت بشش
بخش منقسم و در ضمن شش فصل ایراد کرده شود **فصل اول**
در بیان مجملی از ولایات امریکای شمالی که آنرا امریکای
روسیه گویند و آن ولایاتی است در شرق امریکا که تنگه
بهیر روسیه داخلند بانضمام بعض از جزایر نیز در شرق
ینگه دنیا و جوار سیبر افتاده است عموماً تمامی اماکن این ولایات را
کسی ندیده و نشناخته بلکه بسیاری از آن نامعلوم و غیر مشهور است
و پای سیاحان از سیاحت حقیقی لنگ و قدم اندیشه از پیمایش
بر سنگ است چه سردی و شدت برف و یخ در آنجا که از آن زیست
بهره در خیر بیان نگنجد و ترازوی فکرت نسنجد لهذا پای سیاحین
و قوافل در راهش شکسته و دست تقحم هم از اندیشه‌اش سر
بر کتف بسته است و معلوم نیست با این درجه شدت برودت

دراز

و کثرت برف و یخ در نشیب و شیخ این ولایات و بسیاری
و اراده در این امکنه با رده عمارت و آبادی چند این سیاه‌دو
الا کم در تحت تصرف روسیه است بالجمله اکثر جنگلش بیابان
و نامعمور و بلاد معموره‌اش را مموری است حیوان ناطق سبع
و معدوم الشعور و شهرهای ایشان در اطراف و کنار آب دریا
که اندک هموار است اما پدیدار است و در بعضی از جزایر و در
پاره‌ای از امکنه واقعه در وسط این مملکت میباشند و سنگ گرفته‌اند
عموماً اراضیش لم یزرع و بلا استغلال گشته و زرع در نهایت
اشکال و برودت ناممکن و محال است عموماً اهالی در بلدان اطراف
و کنار آبها ساکن کنند تجارت جلود حیوانات شده و اقسام
و سمور و غیرها با اهالی صدود و ثغور روسیه نمایند چندی در
وسط آن ساکن کنند بیشتر و سیاهی بانضمام هزار نفس نشنیده که بواسطه
عدم شعور به ذکر ولایات این نوع پرداخته فصل دوم

در بیان امارت گرانلاند و بعض از جزایر در تصرف دولت
دانیمارقه است در مساحت این مملکت بسیار است جبال
عظیمه و کوههای جسیمه و سنگهای عریض و طویل از جمله ولایات
جبلستان امریکیات مشهور و پوشیده شده است روی اراضی
آن مدت نه ماه از برف و یخ که هیچ چه ظاهر نیست در آنجا
طریق سیر لکیج میسر بود الا در تابستان که مختصر است و لهذا تا بتمامه
دیده نشده مگر بلادی که واقع در میان مغرب و جنوب است
بانضمام بعض جزایر که امین است آنچه از این ولایات دیده و شناخته
شده است مخلوقش بسیار قصیر القامه و کوتاه بالا و همه آنها
جمعیت ده هزار نفر بیشتر بنظر نیامده بسیار است در این ولایات عدد السه
سگ آبی و کلب البحری که از آنها روغن گیرند و پیه تربیت کنند
و اغلب ماکولات و ملبوسات ایشان از گوشت و پوست
آنهاست مشهور از جزایر آن که در تصرف دانیمارقه است

جزایر

جزایر سانگوا و جزایر سنتماس فصل سوم در بیان
ولایات امریکی انگلیزی که انگلیزستان جدید نیز گویند
بانضمام ولایات دیگر غیر از آن که در تصرف آمد دولت است
در مساحت انگلیزستان جدید زیاده است برکه و غدیر
و بسیار است نیز حیوانات ثمینه الجلود مثل سنجاب و خرس و خز
و در بعضی اماکن و دیار نیز مشکر است غله و تنباکو و در پاره اماکنه
کتان و قصب معمول و موفور است در فصل زمستان
و تابستان شدت برودت و حدت حرارت در این ولایات
بدرجه اعلی رسد همه این ولایات سیند کرا و لا متصرف
دولت انگلیز بود و حالا جزئی از آن در تصرف باقی است چنانکه
در ولایاتی که طوایف اسکیمو و ایراان و سیو و تمکن
و سکنی دارند لکن مجموعش بغیر از ربقه اطاعت پیچیده
و بعد از طغیان حکومتی مستقل و علیحده گشته اند از انگلیزستان

جدید همین ولایت قنادا و نوول اکس یعنی اسکوتیای جدید
و نوول برنسویک و طرنوف یعنی زمین جدید مسمّا در تحت تصرّف
و اطاعت آن دولت است بالجمله ولایات انگلیزستان
جدید عبارت از شش ایالت است اوّل لبرادر دویم
ایالت ولایت قنادا شهر مشهور منیطرال حصاری متحصّن دارد
سوم ایالت برنسویک جدید دار الاماره فردریکتون
چهارم ایالت اکادیا دار الاماره خلیفکس این چهار
ایالت در سمت شرقی انگلیزستان واقعند پنجم ایالت
نوول کال در وسط آن مملکت واقع است ششم ایالت نوول
کالدنیه در سمت غربی آن واقعست امّا ولایات دیگر
که غیر از انگلیزستان جدیدند و در تصرّف آن دولت است یکی
ولایت ارتیک در سمت شمالی امریکا واقعست و چندان
مشهور نیست ولایت طرنوف یعنی زمین جدید و ولایت جزایر

برمودا

پرتوریک ولایات جزایر اوداز ولایات جزایر برند
ولایت جزایر بهامان ولایت جامایک که در انجا غرق
خوب یافت میشود ولایت اکثر جزایر انتیل ولایت پاره
از کوین دار الاماره جرشتان ولایت حندرس ولایت
یوکاتان دار الاماره بالیز **فصل چهارم** در بیان
ولایات متحده اتحادیه امریکای شمالی را خوانند میشود و آنرا
دولت جمهوری گویند و ضبط ضوابطه آن ایالات متعدد است
طرف شمالیش بولایات نوول برطین و جهت غربیش
بحر محیط غربی متلاطم و جانب شرقیش بحر محیط غربی و سمت
جنوبی بولایات مکسیک و بحر محیط غربی اصل مردم
آنجا انگلیز است در اوّل کشف ینکه دنیا در انجا رفته
و متوقف شدند و بواسطه تعدد نسل زیاد شده اند اوایل
دولت در حمایت انگلیز بوده و قریب بصد سال است که

بدان دولت طغیان ورزیده بمعاونت فرنگیزیان یاغی
شدند و آنوقت سیزده ایالت بودند بعد یازده ایالت دیگر
از اطراف رفته با آنها ملحق و جمهوری علیحده گشته دولت و حکومت
اتحادیه نامیده شدند تا باز هر یک از این ایالات قرائی
جداگانه و کلیه در حکم یکدولتند چنانکه هر ایالت در هر چهار
سال یکی را بوزارت و نظارت برداشته در پای تخت
دولت متوقف دارند تا در نظم مهمات مجلس ساعی باشند
مذهب اغلب و اکثر از آنها پروتستان و قلیلی بعضی
قاتولیک است جمیع شعبات و متفرقات مذهب پروتستان
در آنجا متداول است مخلوقش هفت و پنج کرور و منقسم (هفده کرور)
بسه طایفه اند اول اوروپائی که در اول ظهور امریکا در
آنجا رفته اند دویم طایفه افریقائی سوم اهل امریکائی
که بومی آنولایتند و ایشانند اهل انگلیزی که اولاد رفته

و در آنجا ساکن شدند اسامی طوایفی که در آنجا تمکن دارند
اینست طایفه پانیس طایفه سیرپان طایفه ازارژ
طایفه شپاوس طایفه کریک طایفه سمینال طایفه
شیروکیس اراضی آنجا اندک مثمر و زراعت قلیل در آنجا
کرده میشود و قریب چهل و پنجاه سال است که کارخانجات
صنایع متعدده نیز در آنجا متداول و معمول شده است
تجارت آنجا بمعاونت کشتی کثیر میشود و حال از منفعت سیر
سفاین تجار هر دولت در آنجا ذهاب و ایاب دارد
الا کشتی انگلیز را راه نمیدهند در مساحت آنولایت رودهای
جاری معظم و جادههای راهی بسیار است و لهذا آنجا تجارت را
مایه سهولت و کثرت منفعت است تا حال ممالک اینجا دولت را
بیست و چهار ایالت شمرده اند که یازده از آن معظم و مشهور
و مرقوم میشود پای تخت دولت و مجلس شورت وزرا که

بیست و چهار ایالت شرقی و از ینگی‌دنیان است ا
ایالت اول ایالت ماساشوست دار الاماره بسطن
شهری مقبول و مطبوع الطرف و خلقش شصت هزار است
لنگرگاهی قابل دلکش دویم ایالت نیویرک دار الاماره
نیویرک شهری عظیم و سواد جسیم است از شهور معظمهٔ در
امریکا است و دویست هزار جمعیت دارد سیم ایالت پنسیلوانیا ۸ الف
دار الاماره فیلادلفیا در ولایات اتحادیه شهری رواجی
لباب صناعت است جمعیتش شصت هزار است چهارم
ایالت ماریلاند شهر مشهور بالتیمر جمعیتش هشتاد هزار
کس لنگرگاهش بخوبی ممتاز در انجاست رابنکوی سازند
پنجم ایالت ورژینی دار الاماره ریچمنت ششم ایالت
قارلینا دار الاماره رالیک هفتم ایالت قارلینای جنوبی
شهر مشهور شارلستن هشتم ایالت گرجستان جدید دار الا

ماره

ساوانا نهم ایالت لوئیزیان دار الاماره نو اورلیان
شهری محکم و متین است در زراعت و سواد شهر ابد است
است آب و هوایش فاسد و ناخوش و اکثر خلقش فرنگیز است
دهم ایالت فلرید شهر مشهور سانت اگستن و پانساکولا
ایالت کلمبیا پایتخت و از ینگستان در محل دولت
اتحادیه و نشیمن پادشاه ناظر است شهر مشهور آلکساندریا
پس فیموث این هر سه شهر در کنار دریا واقع و لنگرگاه
آنها پر منافع است بلکه کل انواع پیشها در این شهر
شایع و جاری مانند هنرمند است سانت لوئیز از شهر
مشهور و مزارع و از محصولات پنبه و غله و تنباکو و نیل
بوفور در انجا شایع است فصل پنجم در بیان ولایات
ولایات مکسیک و ضبط حدود آن ولایت مکسیک
متصل است از طرف غربش ببحر محیط اعظم غیر متلاطم

وطرف شمالیش بولایت حکومت اتحادیه و بسمت شرقیش
بقطعهٔ از بحر محیط غربی که آنرا دریای مکسیک نیز گویند و جانب
جنوبیش بمحیط غربی منتهی است مخلوقش یازده کرور از ایشان و ضیش ده کرور
بعض مزروع و مثمر محصولاتش تنباکو و نیل و پنبه و قند است
و متعدد و هست در انجا معدن طلا و نقره مملکت اینده و لت
عبارت از بیست ایالت است پای تخت همه ایالات
مکسیک از امصار عظمت اشتهار و بلاد قدیمه متحصنه و استوار
است بخوبی و زیبائی مسم و جمعیتش یکصد و هشتاد هزار نفر است مال السه
در حوالی این شهر بعض سنگهای طویل و عریض تراشیده که عرب
هرم گویند هست که حیوان انجا ستاره پرستان بنده بر ضا
ته ساخته اند شهر مشهور همه ایالات واکاپلکاس
سانلویس کوادلکسارا کواناکسواتا در حوالی
و حوالی این شهر معدن نقره فقات اعلی بتعدد یافت میشود

کوادلطار

کوادلطار پوابلا و براکرز و لنگرگاهش قابل و تجارتش
باراهالاور معمول و متداول است آبش کم و لیو و هوایش فاسد
و بد است سانتخلس محل زراعت و صاحب کلیسائی نیک است بیست السه
هزار جمعیت دارد در این مملکت علاوه بر بیست ایالت اصلی چهار ایالت
دیگر الحاق است و از آن مشهورند نومکسیکو و اول ایالت کالفورنیه
شهر مشهور کالفورنیه در این عصر بسیار ریزهای زر از انجا پیدا میشود
و مکان مسریون شهری قدیم است دویم ایالت مکسیک جدید
شهر مشهور سانتافه و از بلاد باعتبار و محل تجارت و جای
تجارت است

فصل ششم در بیان ولایات و ایالات

مملکت کواتیمالا بطریق اجمال و ذکر حدود آن این قطعهٔ ارض
متصل است بسمت نقطهٔ بین المغرب و الشمال بولایت مکسیک
و نقطهٔ بین الجنوب و المغرب آن بولایات امریکای جنوبی
و باقی جهات محاط بحر محیط است این ولایت منقسم به پنج

ایالت است و پای تخت همه کویتمالا است و آن شهر
عظیم و قدیم در این ایالات آب و هوایش نیک و محصولش
بالنسبه با تنفس و بدل کوئیک بازار رنگین و زنیپا دالو
ارضیش خالی از کشت و زرع بیشتر مشهور هیچ ایالت
وِراپاز پاکیتان سان سالوادر کمیاکه لیان بانی و غیره
از مطلب چهارم در بیان امریکای جنوبی و در آن ده دولت و در
ده فصل ایراد میشود فصل اوّل در ذکر دولت کلمبیا
و ضبط حدود آن ولایت دولت کلمبیا از سمت شمال ب
بحر محیط غربی و جانب جنوبش بحر محیط غیر متلاطم و طرف شرق
بولایت گوئین و جهت جنوبی بولایت برزیل و پرو و
دولت سه دولت اتحادیه امریکای جنوبی و دولت متحده متوسطه
گویند این دولت اوّل در اطاعت و تحت تصرف دولت
اسپانیا بوده و مقدار بیست و هشت سال است که از اطاعت کشیده

بالاستقلال

بالاستقلال دولت جمهوری علیحده گشته اند ارضیش مشجّر و قدر
زراعت و جای قرص التجاره معدن فواکه و اثمار است حاصل
که از آن خارج و بدیگر جا فروخته میشود غالب تنباکو و نیل و از
معادن معدن طلا و نقره و زمرد در آنجا بسیار است مخلوق فقیرش
پنج کرور و دویست و پنجاه هزار نفر است مشتمل بر طوایف مختلف

جمه کرور ده

که هر از آنها مشهور و مذکور میشود اوّل طایفه اتماک که حا
می خوردند و میگرفته بائیست که گوشت آدم میخوردند و حالا
این طایفه کم شده اند این دولت متحده متوسطه گویند عبارت
از سه جمهوریت اوّل جمهور نوول گرند شهر مشهور در آن
جمهور سانتافید بگتا با یان پایتخت و مادرین
شهری با سامان و سازنست و صاحب لنگرگاهی ممتاز
دوّیم جمهور ونزوئلا شهر مشهور در آن قریه کامن
قدیم شهری معظم اساس بوده و دری و بعضی سال قبل از این

زلزلهٔ عظیم در آنجا واقع شده تمامت شهر را ویران نمود بعد از آن
باز در آنجا بنای عمارت نموده‌اند و حال اندک معمور است
کوتان در حوالی آن جبال آتش‌فشان بسیار جمعیتش بیست هزار
نفر است والپریناس در نزد شهر تنکوی خوش بعد آید پرتبلیه
لنگرگاهش در خوب کمال را بسر حد و آب و هوایش بد که از شدت
فساد و بدی آب هوا آنجا را قبرستان اوروپائی گویند
سوم جمهور اکواتور یعنی خط استوا چه اکثر منازل
ایشان در قرب و جوار خط استوا واقع است شهر مشهور
کیلیتو کیاکیت کوتنا هر سه از شهور زیبا و بلاد دلارایند
فصل دویم در ذکر ولایت پرو و علیات و بیان
ولایت و شهور مشهور و ضبط حدود آن علی وجه الاجمال
ولایت پرو و علیا متصل است از جانب شمالیش بولایت
کلمبیا و برزیل و طرف شرقی به پروگوی و جانب غربی

بحر محیط غیر متلاطم و جهت جنوبی نیز به پرگوی و پلاته این
ولایات هم اولاً در دست دولت اسپانیا بوده و قریب به
چهار سال است یاغی شده و جمهور علیحده گشته‌اند چون موسس
این اسکر بلیوار نامی از اهالی این جمهور بوده لهذا آن را
جمهور بلیوار گویند مخلوقش سه کرور و عمارت از سه
ایالت است پای تخت همه شوکیزا است شهری از همه ولایات
معتبر و نشیمن ناظر و رئیس دولت در این شهر زیاد است معادن
بخصوص معدن نقره ممتاز تر از آنجا نیز معدن بزرگی
نقره واقع است پاز ارز سانتا کرز و کلامیزیه
کسنانیا پتزا فصل سوم در بیان ولایات
پرگوی و ضبط حدود آن ولایات پرگوی متصل است
سمت شمالیش و مغربش بولایت پرو علیا و طرف جنوب
بحر محیط غیر متلاطم و سمت شرقی بولایت پلاته این جمهور در اول

دولتی بزرگ و مستقل و نام پادشاه ایشان اینکا اس بوده است
و معتقد ایشان چنین بوده که آدمیان و حیوانات از نسل آفتاب اند بعضی
بوسیله از خورشید زائیده شده اند و لهذا اکثر معتقد اند در اول کار
از اولاد آفتاب است و جمیع پادشاهان بزرگ این دولت اعلی از حال
دولت اسپانیا در سیصد و شصت و پنج سال قبل بر سر ایشان تاخته
با تیغ آخته انهار اطیع و مسخر ساخته متصرف شدند تا در سنه هیجده مستقل
قدر طغیان ورزیده جمهور علیحده گشتند مخلوقش سه کرور
و دویست و پنجاه هزار نفر از جنس بعضی مسلم و بعضی نامستقیم است
معدن طلای خوب بسیار معدن نمک داد و نشم خوب در این ولا
بهم میرسد در این جمهور عمده ایالت است و پای تختش لیما
نشیمن پاشا ناظر و رئیس اعظم جمهور در اینجاست مجلس مشورت
دولت مخلوقش هفتاد هزار و هوایش نخوش است شهر زلزل
و حدوث زلزله در نیت بسیار سریع الوقوع است در کلیسیای ایشان

طلا و نقره و جواهر جهت زینت بسیار بکار برده اند شهر قوزقو
این دولت طرز زینت پوشیدن گواتانگ گوزک اول پای
گذشته که بهر جهت در این دولت شهرت داشت در سواد سلطنت پای تخت
سلاطین اینها در اینجا کلیسای بزرگی موسوم باسم آفتاب است و چه
عموم انجا آفتاب پرست و از اهر ضاة لباسها ساخته اند در اول کلیسا
هزار و پانصد دختر دوشیزه باکره تارک دنیا گشته مجاور بوده اند
در قدیم کارخانه لباس و شال بافی داشته و حال بسبب آنکه اکثر خراب است
غالب اوقات در این شهر از حدوث زلزله خارج نیست در حوالیش کوه آتش
فشان واقع است فصل چیلی در بیان ولایات شیلی و حدود
حدود آن امریکای مقصد است از طرف شمال بولایات بیلا و باقی
محاط بحر محیط غیر متلاطم پادشاهی مستقل و بنفسه ناظم امور است و صنایع
مسلم و معمور است حاصل زراعت و زرع ها مال و آبها هوایش در حد
اعتدال در آنجا معدن طلا و جواهرات پیدا شود و عبارت

از هشت ایالت است پای تخت دولت سنتیاک بحسن طرح و لطف شهر
مشهور دهر است تجارتش معتبر و خلقش پنجاه هزار نفر است شهر مشهور ۵۰ الف
پطرکه اینجا بمعدن طلا شهرت دارد چه معدن طلا در آن
شهر واقع است کلیتاً به اشتن معدن مس مشهور است و ایلینا
شهری نیک و با تجارت است و الدپوپیا سوهوس خوش و لنکاستر
دلکش دارد و دوازده سال پیش زلزله در انجا ظاهر و اکثر عمارت
ویران شد کتسبیساسا تعارفش فصل پنجم در بیان
ولایات پاتاگونیا هوایش بشدت سرد و معاش وحشی و از ایشان
لم یزرع پیش از این از احوالش معلوم نشد فصل ششم در بیان
مجمع از ولایات آرژانتین که دولت متحده ریودولا
پلاتا نیز گفته میشود این مملکت تیر اول در دولت اسپانیا بود
دها سی و دو سال است که بعضی از اطاعت پیچیده جمهور علیحده گشته اند مزبور
مخلوقش یک کرور و نیم است شهر مشهور بونس ایرس ا کرور ۵۰ الف

اهل

شهری نیکو و آب و هوایش بد است آنچه این اسم ملفوظ اسپانیا بمعنی آب و هوای
خوش است خلقش شصت هزار نفر بقلم آمده زیاده است در شهر
پیه و شاخ و پوست چاقو و قلمتراش از آن میبرند بانجا
چهارده ایالت است پای تخت بوینوس ایرس در اینجا مجلس
دولت و نشیمن رئیس الوزرا شهر مشهور ایالات مانند کردوا
اسامی محل سالته کرینتس سنتروان فصل هفتم در بیان
ولایات دولت جمهور عرف کنه اینه دولت اعلا در طرف
اما از ریو و چند سیستان فرزیده دولت جمهور علیحده گشته
اند مخلوقش یک کرور و نیم و ولایتش را چند ایالت
که شهر مشهور همه اینست منتویدیو اولا محل تجارت و دکو
وسعتش خوب و حالا شهرش فاسد و تجارتش کاسد است
فصل هشتم در ذکر ولایت برازیل و ولایت را پادشاه
مستقل است در نفس کار فرمای مهام سلطنت است مخصوص از احوال

که از سایر جزایر خارجه اند در این ولایت ساکن هستند لهذا
پیش از این از آن معلوم نشده است فصل نهم در بیان مجمعی
از ولایات ولایات برزیل و ضبط حدود آن اینولایت
متصل است سمت شمالیش بولایت کلمبیا و گوین و طرف شرقیش
محاط بحر محیط غربی و جهت غربی به بلاد پرو و تین و جانب
جنوبی محاط بحر محیط جنوبی اینولایت اولا در دست دولت
پرتگال متعلق بوده است و بعضی از ایالات آن یاغی شده و دولتی
علیحده گشته اند پادشاه آنجا غیر مستقل و بحکم مجلس عمل میکند
در آنجا معدن طلا و الماس خوب میشود و از ارتفاعات برنج و تنباکو و قند
بسیار است مخلوقش ده کرور و نصف بیشتر از آن سیاه است و بعضی عساکر دور
طوایف در آنجا هست که از بلاد دیگر متفرق و جمع شده اند اهل اصلی در این ولایت
چند ایالت است شهر مشهور آنها این است ریو جانیرو پایتخت
دولت و شهری بزرگ است خلقش چهار صد هزار نفر و لشکرگاهی همتا السنه
دارد

دارد و پرنامبوک تجارتش معتبر و خلقش هشتصد هزار نفرست
بحیه خلقش شصت هزار کس و در قدیم پایتخت برزیل بود و قلعه محکم بسیار
و تجارت بسیارش دارد سالوادر مستوی ملک اولات هوایش
بد و ناخوش است بسبب تریه از خس و خاشاک متعفنه و اجزای انهار و جبر اول درست
اندک خوب شده است و بلا بو فصل دهم در ذکر ولایات گوین و ضبط و حدود
اینولایت متصل است سمت شمالیش بحر محیط غربی و طرف غربی بلاد کلمبیا
و جانب جنوبی بولایت برزیل و جهت شرقی بر محاط بحر محیط غربی
سواحلش مشتمل بر جنگلهای عریض و طویل و بیشه های بزرگ است و هوایش
بسیار گرم و مضر از اشیاء مشهور محصولاتش قهوه و نیل و در بعضی بلاد پنبه
نیز بعمل آید فصل بارانش هشت ماه پاره از این ولایت در تصرف انگلیس است
مثل گوین انگلیس دار الاماره جرجستاد بعضی از آن در حمایت دولت
کلنی و برخی متصرفی دولت فرانسه که گوین فرانسه گویند دار الاماره
قاین قصبه ای در دست فلمنک که گوین فلمنگ گویند دار الاماره پاراماریب

عمده تجارت و لیموی بکرائی خوب دارد خاتمه در ذکر جزایری که
در امریکا است و آن هفت قسم و مشهورترین آنها جزایر آلیوتیه
جزایر و آن جزیره ستاتن جزیره مان هتن جزیره بسیلان جزایر
طرنونیعه زمین نو جزیره بوان جزیره ستر جزیره انتیکستی جزایر
سان پییر جزایر برمود در بحر محیط جزیره لنگ ایلاند و در کنار دولت
متحده متصله در بحر محیط غربی واقع است جزایر بزرگ انتیل و جزایر کوچک
انتیل در بحر محیط واقع‌اند که تمامی جزایر انتیل حالا آنها او ربع
هشت و قریب پنج کرور می‌شوند محصولات آنجا غالب پنبه و نیل جمه کرور
و قهوه و تنباکو است آب و هوایش معتدل لیکن غالب اوقات نزول بلاها مانند طاعون
و وبا و طوفان و غیرها که فراوانست مشهور از جزایر انتیل این است جزیره
هیطی که آب و هوایش خوب و ارضش بالمره مثمر است اهل آنجا در سمت
شرقیش در دولت اسپانیا و جانب غربیش متصرف فرانسه‌ها بودند تا آنکه
بولا قرب پنجاه و شش سال است که مردم بومی آنجا یاغی شده هم اهالی

اسپانیا

اسپانیا و هم فرنگیز را از آنجا بیرون کرده یک تشکیل و خود جمهوری هیطیا
گشته شهر مشهور در این جزیره پرتو پرنس پای تخت جمهوری و دولت است
و لنگرگاهی قابل دارد سانتدمنگو نیز شهر اول آنجا اماله آن و در باز
امریکا بنا شده از لنگرگاه خوبی دارد جزیره کوبا از جزایر بزرگ انتیل
است در آنجا تنباکو خوب بعمل آید شهر مشهورش هوانه در این جزیره
پای تخت و تجارتش بغایت نیکو و قریب از جمعیت دارد جزیره ژامائیک است
در آنجا شکر انگلیزها بنا کنند و عرق را خوب کشند جزیره گوادلوپ
جزیره مارتنیک قهوه خانه ممتاز تمامی امریکا آنجاست پای تخت آن
فرو یال جزیره ماری گالانت گویند که کشتی کرستف قلمب
بر آن سوار بوده و امریکا را پیدا کرد موسوم بماری گالانت بوده
چون اول بدین جزیره رسید بدان اسم خوانده شد جزیره ترنیداد
در این جزیره لعل بسیار است چه این اسم بزبان اسپانیا بمعنی لعل زار
است اما جزایری که در طرف جنوبی امریکا واقع است جزیره

فاکلاند جزیرهٔ نوول ژرژی بعضی از جزایر جدید جزایر ماژلان
جزایر مرکزیو جزایر واقعه در بحر محیط جزیرهٔ شیلوئه جزایر کالاپاگس
جزیرهٔ رویلاژیژد جزیرهٔ کوادرا جزایر وانکوور جزیرهٔ شارلط
جزیرهٔ غالی جزیرهٔ کدیاک جزایر کلارک جزایر ساناماتی جزیرهٔ
سانپل جزیرهٔ شانتر جزایر آلوتین در اقلیم امریکا عموماً
کوههای آتش‌فشان بسیار است السنهٔ امریکای جنوبی عموماً در آنجا
بسیار رسم و متداول است بهیچ نحو تکلم کنند و از السنهٔ اروپا زبان انگلیز
در ولایات اتازونی جمهوری و لسان اسپانیول در مکسیک و کواتیمالا و کلمبیا و پرو
و شیلی و پلاته و در جزایر کوبا متداول است همه این ولایات اولاً
در کشف ینگه دنیا در دست دولت اسپانیا بوده و الآن انگریز
و لسان علیحده است و لسان پرتکیز در برزیل و زبان فرانسه در جزایر
هیطی و گویان و قنادا بعضی متداول و معمول است

تمام شد اقلیم امریکا

مطلب پنجم

مطلب پنجم از کتاب جهان‌نما در ذکر جمیع از ولایات اقلیم اوقیانوسیا
که فرنگیان اسیانیا گویند و آن عبارت از جزایر چند است در بحر محیط
جنوبی واقعست و کلیةً در طرف جنوب و شرق اقلیم آسیا افتاده‌اند خلق اینجا
پست و چهار گروه است و ایشان بحسب لون دو فرقه‌اند فرقه
آنها زرد است و درین اقلیم ایشانند اکثرین کار ایشان خوش خلق و مانوسند
و آدمیت دارند و با ایشان آمد و شد توان کرد فرقهٔ دیگر آنانکه
لون و جه آنها سیاه است و ایشانند بد خلق و وحشی و کریه المنظر
و غیر مانوس اند و با آنها اصلاً ممکن نیست مذهب آنها قطعیش بعضی
از بتها هم را در راه خدای خود قربان کنند و مردم بعضی از جزایر این اقلیم
وحشی و بی لباس و مکشوف العوره‌اند در اکثر از ولایات با زبان ملین
و در جزایر در دست اهالی اروپا است عموماً مردم جزیره الکنه این
اقلیم گوشت آدم خورند و اهالی برخی از جزایر هنگام سلام زنان
و اجانب و انگشت دماغ را گیرند السنهٔ متداوله در اوقیانوسیا

لعل کرد

حبشه و جاپونیه و پلینزی و تاتاری است ولایات آسیا را نیز بسه
قسمت کرده اند و در سه باب ایراد شود باب اول در ذکر مجمل از
ولایات و جزایری که قسمت ما از آنها گفته شود مساحت ولایات و جزایر
آن اغلب جبل است و جنگلستان کوههای آتشفشان در هر جای آن بسیار و
بسیار آب و هوایش بالاصاله گرم و مضر و گاهی بسبب وزیدن نسیم از
طرف بحور بپاره امکنه اندک اعتدالی در هوا پدید آید لا اغلب بلاد
اطراف و کنارهاش در بدی آب و هوا افراط کرده است محصولات مشهور
آنچه در ممالک هند و هندوستان هست از قرنفل و قهوه و نیل و فلفل و زنجبیل و غیره
در اینجا نیز هست در کوههایش جواهر قیمتی مثل صنوف الماس و غیره
نامعدود و از حیوانات فیل و کرگدن و فرس الماء و میمون با اقسامها است
در جزایر پرنیو و سوماترا و ژاوا و قرال چند هست بعضی مستقل و بعضی
شان مستقل و گاهی خراج بدولت فلمنک میدهند و در حمایت آن
میزیند بزرگ و شاه این ولایات را اگر مسلم است سلطان و اگر بت پرست

است راجا

است راجا گویند و ولایات مزبوره عبارت از چند جزیره بزرگ
و کوچک است مشهور از جزایر بزرگ جزایر سوند اقلی جزیره جنیور
است جزیره سوماترا در این جزیره مملکت آچین و پورینه با نواحی هست شهر مشهور
آشیم پالم بانگ بانگولان جزیره ژوا شهر مشهور باتاویا
پای تخت قرالیتی که در حمایت فلمنک است عرآقمنا شهر بتاوان
در جزایر سوند بعضی جزایر صغار نیز هست که مشهور از آنها این است
جزایر بالی جزایر بیلیتان جزایر سنبا و جزایر فلر جزایر تیمور و غیرهم
جزایر ملوک مشهور شهر این است جزیره جیلول جزیره سیرام جزیره
برو جزیره امبوان جزیره باندا جزیره طرنات سوم جزایر
فیلیپین این جزایر پیدا شده اند در سیصد و پنجاه قبل از این
بمعرفت ماژلان حکیم اراضیش مثمر و مزارع و حصول زراعه در
بلادش بسیار عالی و نوع است این جزایر نیز عبارت از چند جزیره
بزرگ و چند کوچک است مشهور از جزایر بزرگ جزیره لوسان

پای تخت آنست مثل جزیرهٔ میندانائو و دار الاماره میندانائو. امّا
مشهور از جزایر صغار جزیرهٔ گیث جزیرهٔ سنامار جزیرهٔ پالادن
چهارم جزیره بزرگ بُرنئو پای تخت بُرنئو در این شهر معدن
الماس یافت میشود. جزیرهٔ سلبس در این جزیره درختی کوچک است دارای
از ساق آن برمی‌چکد که سم قاتل است اسلحهٔ حربیه را بدین آب دهند
بهر جراحت رسد مهلک است. جزایر باب و تیمر در میان قسم دویم ولایت اوقیانیا
مرآرا اسطرالیا گویند آب و هوایش بسبب بزرگی و اختلاف
وضع هر مکان بحسب عرض و طول مختلف. اشجار بارور و غیر بارور بسیار
هر چه در آسیا هست در آنجا نیز هست بعلاوه بعض اشجار غریبه و طیور رنگین
و عجیبه مخصوص آنجا. و در غیر سیت در جنگلش کوههای عظیمه آتش فشان
بسیار است و آن عبارت از چند جزیره بزرگ و چند کوچک است
مشهور از جزایر بزرگش جزیرهٔ نوول هلاند یعنی فلمنک جدید است
ولایت این جزیره بحسب بزرگی و وسعت تخمیناً مقابل تمام اقلیم اوروپا است

دویم

و بیشتر آنکه نشسته بیابان و نامعمور کسی را از آن خبری نیست. لکن
اندکی از اطراف و کنار سمت شرقی و غربی و شمالی آن دیده شده
در آنجا عمارت و آبادی دارد و غالب وسط و جانب جنوبیش
نامعمور است. جزیرهٔ نوول گینیه یعنی گینه جدید که پاپوا نیز گویند دیگر
ولایات و اندیه زم و ولایت نوول زلاند که تاسمانی نیز گویند
امّا جزایر صغار اسطرالیا که آنها را دسته جزایر نیز گویند مشهور
این است جزایر سلیمان جزایر پرنز جزایر حبرید جزایر نوول کالدونی
سوای ما ذکر نیز جزیره چند دارد لاکن بسبب عدم شهرت ذکر نرفت

باب سیوم در بیان ولایت پلینزی آب و هوایش مانند
اسطرالیا مختلف و متفاوت است جنگلش غالب جنگل و بیشه است
بعض حیوانات وحشیه و طیور غریبه در وی هست اما در غیر آن نیست
ولایات پلینزی دو قسم است شمالی و جنوبی. امّا پلینزی شمالی
عبارت از جزایر صغار چندی است که آنها را دسته جزایر

[illegible] ... ازین جا ... والعلم عند الله تم

جزایر گویند و مشهور از آنها این است جزایر ماریان در سمت
شرقی و جنوبی ولایت جاپون و هست جزایر مارین از کرین
جزیره آزاقاهام خوانند جزایر پلو جزایر قارلین جزایر
ملگراد جزایر ساندویچ که مشهورترین جزیره اش را هوائی نامند
اما پلینزی جنوبی مشهور از جزایری که دارد این است جزایر
ماسّا که نول کاتر نیز گویند جزایر فیجی جزایر تنگا جزیره
تاهیتی جزایر داور جزایر هوز جزایر ... تا جزایر لیس
جزایر مارکیز جزایر پالت است تا مشهور از جزایرش ذکر رفته

تمام شد اوقیا

شکر که این نامه بعنوان رسید پیشتر از عمر بپایان رسید

این است مجمع از آنچه ترجمه شد در احوال معرفت عالم
و دول و ملل از کتب فرنگیان که در ایران مشتد اول نحو بعد از
شش ماه زحمت که از زبان فرانسه بلسان فارسی آوردم نسخه

از آن

از آن نسخه هدیه آستان حضرت ظل
آصف جاهی نمودم بعد از قبول بضاعت مز
نسخه مختصره و نوازشات وافره بر این نامعتبر
اعظم می خواست در تمامی خواص ممالک محروسه ایران
من ابجدیانشان از آن بهره یاب شوند بر حسب اذ
جلالتمآب شوکت و حرمت ...
اجابت شخص اول ...
سرکار ...
رخ ...

ساخت ...تاب جداگانه محض نقشه خواهم ساخت
...انجام آن هر که را میل تفصیل باشد
...ند انشاء الله هرگاه نقشه تمام شود قرار
...ب خفه نبود امید که هرگاه سهو یا خطائی درین کتاب
...لاح فرمایند در بست و لیکن نسخ غیب نگویند
...یش از این کتاب